



جهت دریافت نشانی اندیشکده در شبکه های اجتماعی تصویر مقابل را اسکن نمایید

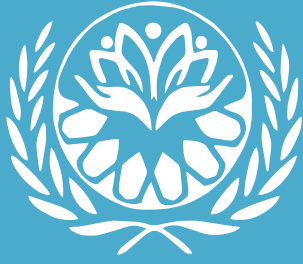
صاحب امتیاز: اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق علیه السلام
سردبیر: علیرضا عقیلی بهنام
مدیر هنری: امیرحسین صمدی

پاییز ۱۴۰۲

شماره چهارم فصلنامه ۱۴۱ صفحه رقومی

فصلنامه حقوق بشر و شهروندی

اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق علیه السلام



فصلنامه شهروندی حقوق بشر شهروندی

دکتر سید محمد مهدی غماصی

رئیس اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق علیه السلام



ارزیابی قوانین حوزه فلسطین: در بحبوحه نسل‌کشی در غزه

۱. مطابق اصل ۱۵۲ قانون اساسی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحارب استوار است.

۲. براساس سیاست مذکور ۵ قانون در مجلس شورای اسلامی جهت دفاع از حقوق مردم مظلوم فلسطین تصویب شده است:

۱. قانون مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه صلح و امنیت مصوب ۱۳۹۹؛
۲. قانون الزام دولت به حمایت همه‌جانبه از مردم مظلوم فلسطین مصوب ۱۳۸۷؛
۳. قانون حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین مصوب ۱۳۶۹؛
۴. قانون تصویب قانون واحد اسلامی در مورد تحریم اسرائیل مصوب ۱۳۷۱؛
۵. قانون اعلام روز ۲۹ دی ماه به عنوان روز غزه نماد مقاومت فلسطین مصوب ۱۳۸۸.

۳. هدف وضع قوانین، بیش از اینکه اعلام موضع باشد، اجرا و تحقق هدفی است که در مفاد آن درج شده و مقصود قانون و اهتمام قانونگذار است. در قوانین پنج‌گانه یادشده، هدف اصلی در پرتوی سیاست مندرج در اصل (۱۵۲) قانون اساسی، حمایت از مردم مظلوم فلسطین و پایان دادن به جنایات بی‌حد و فجع رژیم صهیونیستی است. ۴. در بررسی اجرای قوانین پنج‌گانه، لازم است با مراجعه به ابزار "ارزیابی تأثیرات قانون" (RIA)، تحقیق مقصود قانونگذار ایرانی را در خصوص سیاست حمایت، مورد تحلیل قرار داد. بر این اساس دو سوال مهم قابل طرح است: (۱) آیا قوانین مذکور اجرا شده‌اند؟ (۲) آیا اجرای آنها توانسته هدف حمایت را تأمین کند؟ پاسخ به این سوالات ضمن آگاه‌سازی دولت و قانونگذار از نتایج تقنین صورت گرفته، فرصت بهبود قوانین مذکور را فراهم می‌کند.

۵. مطالعه چهار قانون سال‌های ۱۳۹۹، ۱۳۸۷، ۱۳۷۱ و ۱۳۶۹ مبین هم‌پوشانی‌های متعدد و احکام مشابه است. جالب آنکه دو قانون ۱۳۹۹ و ۱۳۸۷، بر روی مقابله مؤثر نسبت به نسل‌کشی در غزه تأکید مؤکد دارند. بنابراین نتیجه اول لزوم تنقیح و وضع قانون جامع در خصوص حمایت از مردم مظلوم فلسطین و مقابله با جنایات رژیم صهیونیستی است. ۶. با مراجعه به احکام قوانین سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۳۸۷، دستگاه‌ها به ویژه وزارت امور خارجه موظف به مقابله با جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و نسل‌کشی شده است. این حکم بطور خاص با تفصیل بیشتر در ماده ۱۱ قانون مصوب سال ۱۳۹۹ مورد تأکید قرار گرفته است: "دادستان کل کشور با همکاری وزارت امور خارجه و دفتر خدمات حقوقی ریاست جمهوری مکلف است با بهره‌مندی از ظرفیت‌های مراجع و نهادهای داخلی، خارجی و بین‌المللی، نسبت به حمایت از مردم فلسطین و سایر قربانیان نسبت به طرح شکایت و محاکمه و اجرای احکام مجازات سران جنایتکار رژیم اشغالگر صهیونیستی به دلیل ارتکاب جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی، نسل‌کشی، جنایت تجاوز و اقدامات تروریستی در داخل و خارج از سرزمین‌های اشغالی، در محاکم ذی‌صلاح داخلی

و خارجی و دادگاه‌ها و دیوان بین‌المللی اقدام نماید. دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده ۲۹ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۴/۱۲/۱۳۹۵ از جمله وزارتخانه‌های امور خارجه، دادگستری و اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مکلفند به منظور آماده‌سازی شکایت با دستگاه‌های ذی‌صلاح همکاری‌های لازم را معمول دارند."

۷. هرچند احکام متعدد قانون سال ۱۳۹۹ هرکدام به تنهایی مباحث مفصلی دارد، ولی بحث نسل‌کشی که موضوع این نوشتار است به موجب قانون سال ۱۳۹۹ مستلزم "طرح شکایت و محاکمه و اجرای احکام مجازات سران جنایتکار رژیم اشغالگر صهیونیستی" بوده که با گذشت بیش از سه سال، آنچه در عمل هویدا است عدم اقدام مؤثر حتی در حد اقدام به طرح اولیه نزد مراجع قضایی ذی‌صلاح است. بنابراین در تمام سال‌های گذشته، قانون اجرا نشده است. اینکه کدام نهاد باید نظارت کند موضوعی جدی و البته همواره مغفول در نظام قانونگذاری ایران است. در شرایط فعلی مجلس شورای اسلامی از طریق معاونت نظارت، کمیسیون اصل ۹۰ و امنیت ملی باید یک "برنامه اقدام" از همه دستگاه‌های مربوط اخذ کند. ضمناً سازمان بازرسی کل کشور مطابق اصل ۱۷۴ قانون اساسی باید به وظیفه نظارت بر حسن اجرای خود بپردازد.

۷. بطور اجمالی و نتیجتاً، مطالعات RIA در خصوص قوانین پنج‌گانه حمایت از مردم فلسطین نشان‌دهنده آن است که میزان اجرای این قوانین در بهترین حالت کمتر از ۳۰ درصد است. بنابراین فوری‌ترین اقدام، رفع غفلت‌های حاکم در این زمینه است. به علاوه آنکه مقتضی است مجموعه این قوانین و مقررات مربوط، تنقیح شوند و بعد از بازنگری مطابق الزامات بند ۹ سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری ابلاغی ۱۳۹۸، مجدداً سازوکارهای مؤثری به ترتیب اجرا درآیند.

دکتر جعفر صادق منش

عضو شورای علمی اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام



چرا یکی از جنایات ارتكابی رژیم صهیونیستی علیه فلسطینیان، نسل‌کشی، است؟

درآمد - در این نوشتار کوتاه بر آنیم تا با مروری بر مستند قانونی جنایت نسل‌کشی، رکن مادی و رکن روانی تشکیل‌دهنده این جنایت را در رفتار نیروهای رژیم اشغالگر فلسطین توصیف کنیم.

نسل‌کشی چیست؟

تعریف نسل‌کشی ترجمه ناقصی از ژنوساید (Genocide) به معنای «نسل‌زدایی» به خودی خود یکی از جرایم مهم علیه اشخاص در حقوق کیفری و قوانین داخلی کشورها محسوب می‌شود؛ با این حال وقتی کشتن تعداد زیادی از انسان‌ها باهدف محو و نابودسازی کامل آنها ارتکاب یابد به دلیل اهمیت فوق‌العاده و پیامدهای سهمگین در عرصه فراملی موردتوجه قرار می‌گیرد.

از همین رو است که ماده ۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی که دادگاهی دائمی برای رسیدگی به جنایات بین‌المللی است و از سال ۲۰۰۲ فعالیت خود را آغاز کرد، نسل‌کشی را در کنار جنایت علیه بشریت، تجاوز و جنایت جنگی به عنوان یکی از ۴ جنایت مهم بین‌المللی قرار داده و در ماده ۶ آن را چنین تعریف کرد:

ماده ۶ - نسل‌کشی: منظور از نسل‌کشی در این اساسنامه، هریک از اعمال مشروحه ذیل است که به قصد نابودکردن تمام یا قسمتی از یک گروه ملی،

قومی، نژادی یا مذهبی از حیث همین عناوین ارتکاب می‌یابد:

قتل اعضای یک گروه، ایراد صدمه شدید نسبت به سلامت جسمی یا روحی اعضای یک گروه، قراردادن عمدی یک گروه در معرض وضعیت زندگی نامناسبی که منتهی به زوال قوای جسمی کلی یا جزئی آن بشود، اقداماتی که به منظور جلوگیری از تولد و تناسل یک گروه صورت گیرد، انتقال اجباری اطفال یک گروه به گروه دیگر

رکن مادی و روانی نسل‌کشی

۱-۲-۱- رکن مادی: باتوجه به این ماده، رفتار لازم برای تحقق «نسل‌کشی» یکی از رفتارهای زیر است:

قتل، ایراد صدمه شدید به سلامت جسمی یا روحی، قراردادن در وضعیت نامناسب زیستی منتهی به زوال کلی یا جزئی قوای جسمی، اقدام به جلوگیری از تولد و تناسل، انتقال اجباری اطفال. منظور از انتقال اجباری اطفال می‌تواند شامل روابط جنسی با زنان گروه قربانی برای تولید فرزندان با هویت گروه جنایت‌کار باشد.

شرط ایجابی لازم برای تحقق این جنایت نیز آن است که نسبت به اعضای یک گروه ارتکاب یابد؛ منظور از گروه، یکی از گروه‌های مذکور در صدر ماده است.

از نظر نتیجه، حصول مرگ، ورود صدمه شدید جسمی یا روحی، زوال کلی یا جزئی قوای جسمی، یا تولید نوزادانی با ژن افرادی از گروه جنایت‌کار، برای تحقق نسل‌کشی شرط است؛ لکن با وجود سوءنیت موردنظر، حصول یکی از این نتایج به صورت محدود در تعدادی از اعضای گروه قربانی کافی است.

۱-۲-۲- رکن روانی: در رکن روانی لازم برای این جنایت هم سوءنیت عام یعنی تعلق اراده آزاد شخص دارای اهلیت کیفری به ارتکاب رفتارهای مذکور در ماده با قصد نتیجه، لازم است و هم سوءنیت خاص.

سوءنیت خاصی که این جنایت را از جرایم دیگر مانند جنایت جنگی یا کشتار جمعی یا تجاوز متمایز می‌کند، عبارت است از «قصد نابودکردن تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی از حیث همین عناوین»

بنابراین، اگر ارتکاب رفتارهای یاد شده علیه یک گروه برای نابودکردن آن گروه به‌عنوان آن گروه خاص نباشد، از شمول نسل‌کشی خارج خواهد بود. گزارش‌های میدانی از رفتارهای جنایی رژیم

صهیونیست و انگیزه آنها از این جنایات

با مروری گذرا بر گزارش‌های موجود در خصوص عملکرد این رژیم مبنی بر:

- برداشتن هرگونه محدودیت و خطر مزم در کشتار و ویرانی مردم غزه
- عدم رحم به زنان و کودکان و سالخورده‌گان و افراد غیرنظامی و بی‌گناه
- به‌کارگیری سلاح‌های غیرمتعارف و کشتار جمعی
- محروم‌کردن اهالی این منطقه از بدیهی‌ترین نیازهای زندگی مانند آب و برق و بهداشت
- حمله به مراکز درمانی و نیروهای امداد رسان
- برابر اسناد و مدارک معتبر قضایی گردآوری شده از سوی نهادهای معتبر و انعکاس یافته در رسانه‌های جهان، جرایم ارتكابی رژیم اشغالگر فلسطین قبال مردم فلسطین به طور عام و در جنگ اخیر در غزه به طور خاص، ارتکاب قتل، صدمه شدید جسمی و روحی و نیز قراردادن در شرایط دشوار منتهی به زوال کلی یا جزئی قوای جسمی زنان و کودکان و غیرنظامیان بی‌گناه غزه به‌عنوان یک گروه عرب و مسلمان ساکن این منطقه، برای همه روشن است.

برای این که بدانیم آیا صهیونیست‌ها در ارتکاب این جنایت سوءنیت خاص نابودسازی مردم غزه به‌عنوان یک گروه را تعقیب کرده‌اند یا خیر؟ باید به اظهارات مقامات رسمی این رژیم رجوع کنیم. وقایع‌نگاری جنایات روزمره رژیم صهیونیستی در غزه به‌ویژه از فردای طوفان الاقصی به این سو، از حوصله این نوشتار خارج است ولی برای اطلاع خوانندگان ارجمنند از انگیزه این جنایات و انطباق آن با انگیزه‌های لازم برای تحقق جنایت نسل‌کشی تنها به‌عنوان مثال، برخی اظهارات مقامات این رژیم را ذکر می‌کنم:

اسحاق هرزوک رئیس رژیم صهیونیستی به‌صراحت همه ملت فلسطین را مسئول دانسته و غیرنظامی بودن را واژه‌ای بی‌معنا درباره فلسطینیان اعلام می‌کند.

بنیامین نتانیاهو در سخنرانی ۷ اکتبر اعلام کرد که ارتش «پاکسازی» هرجایی را که تروریست‌ها در آن حضور دارند، آغاز کرده است!

او در سخنرانی ۱۶ اکتبر خود در کنیست درست در روزی که تعداد کودکان به خاک و خون کشیده به هزار نفر رسیده بود، صریحاً اعلام کرد: «این مبارزه بین فرزندان نور و فرزندان تاریکی، بین بشریت و قانون جنگل است.»

گالانت وزیر جنگ این رژیم نیز حدود یک هفته پیش از آن به‌صراحت اعلام کرد: «من دستور محاصره کامل غزه را صادر کرده‌ام نه برق در کار خواهد بود نه غذا و نه سوخت.»

کاتر وزیر انرژی این رژیم با هشدار به اخراج مردم از غزه و قطع سراسری برق این منطقه، از ۷ اکتبر اعلام کرد که آنچه بود دیگر نخواهد بود! در ۸ اکتبر نماینده رژیم صهیونیستی در سازمان ملل در پاسخ به این پرسش که برای مصون ماندن غیر نظامیان از آسیب‌های جنگ چه تدبیری اندیشیده شده است، به صراحت همه غیر نظامیان را تروریست نامید!

برآمد - با وجود این اظهارات صریح، هیچ‌گونه جای شک و گمانی نمی‌ماند که رکن مادی و رکن روانی جنایت نسل‌کشی با همان شرایط مقرر در ماده ۶ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، در رفتار نیروهای رژیم صهیونیست اشغالگر فلسطین، وجود دارد. و از این جهت شرایط تعقیب این جنایان فراهم است.

دکتر حسین رحایی

دکترای روابط بین‌الملل از دانشگاه تهران



طوفان الاقصی و تغییر نظم بین‌المللی

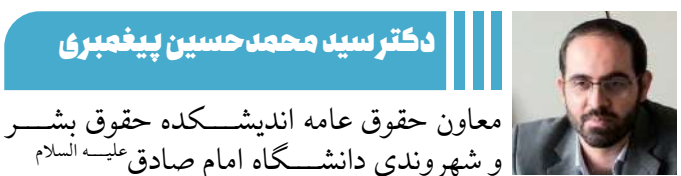
دنیای غرب خود را پدرخوانده نظم بین‌المللی کنونی می‌داند. این پدرخواندگی بر مبنای این استدلال شکل گرفته که بسیاری از نهادهای بین‌المللی همچون سازمان‌ها و معاهدات بین‌المللی و قوانین و حقوق بین‌الملل، محصول بنیان‌های لیبرالی غرب هستند. نهادهایی که قرار است پاسدار برخی از اصول پذیرفته شده بین‌المللی همچون احترام به آزادی، حاکمیت سرزمینی و حقوق بشر باشند. گرچه خود غربی‌ها، بیش از سایرین، این اصول را نقض کرده‌اند و لسی به مدد همان پدرخواندگی و قدرت نهادی که برای خویش دست و پا کرده‌اند و با توجه اینکه رسالت صدور ارزش‌های لیبرال را بر دوش دارند، همواره از موضع مدافع و مجری این اصول، با بقیه جهان روبرو شده‌اند.

بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی و جنگ‌های ویتنام، عراق و افغانستان، از جمله بزرگترین تجلیات نقض همین ارزش‌های لیبرال بوده است. عملیات طوفان الاقصی و تحولات پس از آن اما، از این حیث یک نقطه عطف و برهه مهم تاریخی به حساب

می‌آید که با همه موارد پیشین متفاوت است. اسرائیل در این فتره، همه چهار جنایت بین‌المللی اصلی یعنی جنایت تجاوز، جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت و جنایت نسل‌کشی را در شدیدترین وجه آن مرتکب شده است. اتفاقی که بدون حمایت‌های بی‌دریغ دولت‌های غربی ممکن نبود. دولت‌های یاد شده نیز، هرگز این چنین عریان و بی‌محابا از چنین درنده‌خوئی‌های عیانی حمایت نمی‌کردند اما گویا ترس از آغاز فرآیند سقوط اسرائیل سبب شده تا تبعات چنین رسوایی تاریخی را به جان بخرند.

این بار برخلاف سایر موارد گذشته، هویت اشغالگر اسرائیل، سابقه سیاه آن و نقض بی‌سابقه و وحشیانه همه اصول و قوانین بین‌المللی، راه هرگونه توجیه و فریب افکار عمومی جهان را بر امپراتوری رسانه‌های غرب بسته است. شاید هیچ‌گاه در طول تاریخ معاصر جهان، سیاستمداران و رسانه‌های غربی در توجیه سیاست‌های جنگ‌افروزان دولت‌های متبوع‌شان اینقدر مستأصل و دست و پا بسته نبوده‌اند. انقلاب فناوری اطلاعات و ظهور شبکه‌های اجتماعی، پیچیدگی و صعوبت کار را بر ایشان دوچندان نموده است.

مشروعیت داخلی و بین‌المللی همواره یکی از پایه‌های اصلی قدرت نرم غرب لیبرال بوده است. مشروعیتی که طی سالیان دراز، با صرفه‌هزینه‌های هنگفت برای تسلط بر افکار عمومی جهان حاصل شده است. اکنون به نظر می‌رسد همه آن مشروعیت، به یکباره در حال فروپاشی است. فروپاشی که می‌تواند سرآغاز تغییری شگرف در نظم بین‌المللی کنونی باشد.



دکتر سید محمد حسین پیجمهری
معاون حقوق عامه اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق علیه السلام

گناه نابخشودنی دستگاه دیپلماسی

جنگ و نزاع بین کشورها سابقه به قدمت تاریخ انسان دارد. چهارچوب دار کردن جنگ نیز همیشه دغدغه افرادی بوده است که به جنگ و نزاع فراتر از زمان و مکان نگریسته به دنبال حفظ کرامت و شان و حیات انسان بوده‌اند.

آنچه در جنگ‌های جهانی اول و دوم رخ داد کشورهای فاتح و مغلوب را بر آن داشت تا با تصویب مقررات عام الشمول (erga omnes) حمایت از حقوق انسان را فارغ از مرزها سرلوحه خود قرار دهند لیکن واقعیت‌هایی که در ماه‌های اخیر در نوار غزه رخ داده است کارا بودن این مقررات را به شدت محل سوال قرار داده است چرا که عملاً با نسل‌کشی و کودک‌کشی اسرائیل هیچ خط قرمزی برای جنایت‌های این رژیم باقی نمانده است و روند جنایت‌ها به نحوی است که در آستانه مشاهده تکرار جنایت هیروشما انبار با سلاح‌های کشتار جمعی و پر تعداد توسط اسرائیل هستیم.

دراین میان برخی از نظام‌های فکری و حقوقی از جمله جمهوری اسلامی ایران براین باورند آنچه حدود جنگ را محدود و بشر را از نزاع دور می‌نماید کاهش خوی استکباری و تجاوزگری توسط کشورهای قدرتمند است که این مهم جز با (حمایت از مبارزات حق طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه عالم) و به تعبیر امروزی «حمایت از مقاومت» مقدور نمی‌باشد.

آنچه در قانون اساسی به‌عنوان تکلیف و وظیفه برای نظام و ساختار کلی خصوصاً دستگاه دیپلماسی تعیین کرده است نه‌تنها منطبق با اصول شیعی بلکه منطبق با اصول دینی انسانی و ایرانی و دیپلماتیک است. ۱- حمایت از سایر مسلمین، ۲- حمایت از مظلوم، ۳- مسئولیت حمایت ۴- مخالفت با رژیمی که صراحتاً تجزیه ایران را سرلوحه ماموریت‌های رسمی دستگاه‌های نظامی و امنیتی و دیپلماسی خود قرار داده است، چهار دلیل مهم حقوقی و منطبق با منافع ملی ما در تبیین علت و ضرورت حمایت‌های حقوقی جدی‌تر از جریان مقاومت در عرصه بین‌الملل می‌باشد.

واقعیت تلخ آن است که برخلاف زمینه نظامی

که در حد توان به تجهیز و تقویت جریان مقاومت رسماً و عملاً پرداخته‌ایم، در زمینه حقوقی اقدامات درخور و شایسته‌ای مقابل جنایات اخیر رژیم اسرائیل انجام نشده است.

هرچند عدم وجود رابطه حقوقی دیپلماتیک بین ایران و اسرائیل عمده بهانه و علت بیان شده دستگاه دیپلماسی در این بی‌رمقی است لیکن واقعیت آن است که قوانین مصوب مجلس و فلسفه وضع اصل ۱۵۴ این تکلیف را برعهده دولت جمهوری اسلامی و خصوصاً دستگاه دیپلماسی قرار داده است:

قانون مقابله با اقدامات خصمانه اسرائیل مصوب ۱۳۹۹ و قانون الزام دولت به حمایت از فلسطین ۱۳۸۷ دو نمونه و بازار این تکلیف می‌باشد که متأسفانه تاکنون اقدامات لازم در این زمینه به منصفه ظهور نرسیده است.

وفق قوانین مذکور وظایفی برعهده نهادهای مختلفی قرار داده است که دو مورد از مهم‌ترین آنها بیان می‌شود:

دادستان کل کشور با همکاری وزارت امور خارجه و دفتر خدمات حقوقی ریاست‌جمهوری مکلف است با بهره‌مندی از ظرفیت‌های مراجع و نهادهای داخلی، خارجی و بین‌المللی، نسبت به حمایت از مردم فلسطین و سایر قربانیان نسبت به طرح شکایت و محاکمه و اجرای احکام مجازات سران رژیم صهیونیستی به دلیل ارتکاب جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی، نسل‌کشی، جنایت تجاوز و اقدامات تروریستی در داخل و خارج از سرزمین‌های اشغالی، در محاکم ذی‌صلاح داخلی و خارجی و دادگاه‌ها و دیوان بین‌المللی اقدام نماید. (ماده ۱۱)

همچنین: دولت موظف است از فعالیت سایر دولت‌ها، ملت‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد داخلی و بین‌المللی حامی آزادسازی قدس و محکومیت، محدودیت و تحریم رژیم صهیونیستی حمایت نماید و اقدامات لازم را در جهت مقابله با هر گونه تلاش در راستای عادی‌سازی روابط با رژیم مذکور و حضور آن در منطقه و جهان اسلام معمول دارد. همچنین موضوع صهیونیسم بدتر از آپارتاید را در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی تبیین کند. (ماده ۱۳)

متأسفانه، ظهور و بروز رسانه‌ای و واقعی این اقدامات در شأن و تراز جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان محور اصلی محور مقاومت در داخل و خارج کشور نبوده و نیست. آسیب‌شناسی علل ضعف اقدامات ناکافی حقوقی دستگاه دیپلماسی، تکلیف دینی و ملی دولت فعلی بوده که هرگونه کوتاهی در این مقطع حساس گناه نابخشودنی ملی و دینی محسوب می‌گردد.



دکتر سید محمد حسین تافلجی
دکترای روابط بین‌الملل از دانشگاه تهران

آمریکا، سبب اقوی از رژیم صهیونیستی در نسل‌کشی است

۱. سبب اقوی از مباشر، مسئول تقصیر و جرائم ارتكابی توسط مباشر است. این قاعده عقلائی، از اصول مسلم حقوقی است. این مفهوم تحت عنوان جنایت بالتسبیب در حقوق انگلستان و آمریکا هم شناسایی شده است.
۲. مباشر جنایت نسل‌کشی در غزه، رژیم بسیار خشن و بی‌رحم صهیونیستی است. در کنوانسیون منع نسل‌کشی ۱۹۴۸، مفهوم کلمه ژنوساید یکی از اعمال مشروحه ذیل است که به نیت نابودی تمام یا گروه ملی و قومی و نژادی و یا مذهبی ارتکاب گردد. از این قرار: قتل اعضاء آن گروه؛ صدمه شدید نسبت به سلامت جسمی و یا روحی افراد آن گروه؛ قراردادن عمدی گروه در معرض وضعیت زندگی ناماناسی که منتهی به زوال قوای جسمی کلی یا جزئی آن شود؛ اقداماتی که به منظور جلوگیری از تولد و تناسل آن گروه صورت گیرد؛ انتقال اجباری اطفال آن گروه به گروه دیگر.
۳. سبب جنایات رژیم صهیونیستی، با تأکید بر شخص رییس جمهور آمریکا، دولت آمریکا است.

بایدن با حضور در تل‌آویو اعلام می‌کند: "ما در کنار اسرائیل ایستاده‌ایم." همچنین نمایندگان جمهوری‌خواه آمریکا لایحه بسته کمکی ۱۴٫۳ میلیارد دلاری به اسرائیل برای «جنگ علیه حماس» را به مجلس نمایندگان این کشور ارائه کردند. براساس این لایحه، آمریکا قرار است، ۴ میلیارد دلار برای سامانه‌های پدافند هوایی «گنبد آهنین» و «دیوید اسلینگ» اسرائیل و ۱٫۲ میلیارد دلار برای سامانه پدافند هوایی «پرتو آهنین» اختصاص دهد. ضمن آنکه روزنامه «نیویورک تایمز» در ۲۴ اکتبر ۲۰۲۳ گزارش داده که آمریکا شماری از افسران ارتش این کشور از جمله یک افسر سه ستاره تفنگداران دریایی را برای کمک به طرح عملیات نظامی در نوار غزه به اسرائیل فرستاده است.



دکتر نیلوفر مودامی
معاون زنان و خانواده اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق علیه السلام

قطعنامه‌ای برای مرگ انسانیت

وقایع این روزهای غزه و کشتار بی‌رحمانه فلسطینیان، بی‌شک مهم‌ترین، هولناک‌ترین و غم‌بارترین اخبار این روزها است که قلب هر انسان آزاده‌ای را به سختی می‌فشارد. جنایات رژیم نامشروع، خون‌ریز و اشغال‌گر قدس البته پدیده‌ی جدیدی نیست، این نقض-های پی‌در پی از پس بی‌جزا ماندن است که هر روز بیش از دیروز رخ نموده و نافرجامی و بی‌عملی نظام حقوق بین‌الملل را بیش از پیش آشکار می‌سازد. استفاده یا بهتر است گفته شود سوءاستفاده چندین‌باره ایالات متحده آمریکا و پیروانش از «قدرت و تو» برای متوقف ساختن اندک قطعنامه‌های حامی فلسطین و زنان و کودکان بی‌گناه غزه از یک‌سو و بی‌کیفر ماندن جنایات مستمر و دهشتناک رژیم اسرائیل که تنها در این نبرد محدود دوازده روزه منجر به کشتار بالغ بر ۱۰۰۰ کودک (کشتن ۱۵ کودک در هر دقیقه)، نسل‌کشی بیش از ۳ هزار و ۴۷۸ انسان و زخمی شدن ۱۲ هزار و ۶۵ نفر تا این لحظه شده از سوی دیگر به خوبی نشان می‌دهد که قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل را تنها می‌توان بر پیکر بی‌جان انسانیت صادر کرد. در پی حملات بی‌رحمانه اسرائیل به مراکز غیرنظامی همانند بیمارستان‌ها، مدارس و سرپناه‌ها و استفاده از سلاح‌های ممنوعه‌ای چون فسفر سفید، قواعد متعدد بین‌المللی به ویژه حقوق بشردوستانه بین‌المللی نقض شده است که در پرتو اسنادی همچون کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و اساسنامه رم می‌توان مستندات آن را جستجو کرد. نقض مواد ۱۸ و ۲۰ کنوانسیون چهارم ژنو، ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه و ماده ۷ اساسنامه رم (اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری) تنها بخش کوچکی از نقض‌های حقوقی است که اسرائیل مرتکب شده است.

دنیا یک بحران عمیق و یک فاجعه غیرقابل‌باور را به نظاره نشسته است. هر روز کودکان، زنان و مردان بی‌گناه بسیاری در وطن خود مذبح سبعت رژیم خونخواری می‌شوند که نه‌تنها سرزمین و خاک فلسطین، بلکه حیات و انسانیت و شرف و انصاف را نیز برای اهداف پلید خود می‌بلعد و بر کرسی وجدان جامعه جهانی دبیرکلی تکیه زده که در پی هر ادعایی برای رساندن کمک‌های بشردوستانه به مظلومان غزه، حق تعیین سرنوشت فلسطینیان را به مسلخ می‌برد. در این وانفسا اگر بپرسید آیا نظام بین‌المللی حقوق بشر و بشردوستانه و قواعد حقوق بین‌الملل قادر به نجات بشریت و ایستادگی در برابر ظلم آشکار است یا خیر؟ باید پاسخ گفت که تنها راه نجات در تغییر سازوکارهای موجود است. جهان تک‌قطبی و یک‌جانبه‌گرا، جهان قدرت‌های برتر و بردگان در صنف، جهان عدم توازن قدرت و حق و تو و جهان اعضای دائم شورای امنیت هیچ‌گاه فرصت اجرایی‌سازی ایده‌آل‌ها و آرمان‌های مندرج در منشورها و اعلامیه‌ها و اسناد حقوق بشری و بشردوستانه بین‌المللی را نخواهد داد. آرمان نجات بشر جز در پرتو برابری، عدالت و مسئولیت مشترک که شایسته حکومت جهانی و نهایی منجی موعود

است، محقق نخواهد شد. اما برای رسیدن به این آرمان و تنفس در این دوران هر ملت آزاده‌ای موظف است بیا خیزد، زنجیرهای بی‌عدالتی و ظلم را بگسلد و عاملان و مرتکبان نقض حقوق و کرامت انسانی را از میان بردارد. نظم عادلانه حقوقی و انسانی جز با نابودی و محو اسرائیل دست‌یافتنی نیست.

حسین فاریاب

پژوهشگر اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق علیه السلام



تاریخچه حقوق بین‌الملل در پیگیری جنایات جنگی

سابقه حقوق بین‌الملل در مورد پیگیری جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی به جنگ جهانی دوم برمی‌گردد، البته اولین باری که لفظ جنایت علیه بشریت به معنای امروزی آن به وجود آمد، در سال ۱۹۱۵ بود که کشورهای انگلیس، فرانسه و روسیه در اعلامیه مشترکی قتل عام ارمنه ترکیه را جنایت علیه بشریت نامیده و مرتکبان آن را مسئول دانستند. اما اولین اقدام عملی‌ای که در این حوزه انجام شد پس از جنگ جهانی دوم بود. فاتحان جنگ در آلمان و ژاپن، دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو را تأسیس کردند و به منظور تعقیب و پیگیری جنایات جنگی اساسنامه‌ای برای دادگاه‌های خود ترتیب دادند. از جمله این جرایم می‌تواند قتل عمد را نام برد که یکی از موارد مشترک در میان جنایت علیه بشریت و نسل‌زدایی است، همچنین نابودسازی که باهدف از بین‌بردن گروهی خاصی ارتکاب می‌یابد؛ اخراج یا انتقال اجباری که در مورد فلسطینیان از سال ۱۹۴۸ آغاز شده و با ناامن‌سازی و انتشار کاغذهایی با مضمون اینکه باید از غزه خارج شوید پس از عملیات طوفان الاقصی شدت گرفته است، نمونه‌هایی دیگر از این دست جنایات می‌باشند.

این جرایم که مصادیق بسیار زیادی دارد و نام‌بردن از آنها فرصت دیگری می‌طلبد در اساسنامه دادگاه‌های نورنبرگ (۱۹۴۵) و توکیو (۱۹۴۶)، اساسنامه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق (۱۹۹۳) و رواندا (۱۹۹۴) و اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری (معروف به اساسنامه رم ۲۰۰۲) آمده است.

وضعیت رژیم صهیونیستی و پیشنهاد پیگیری جنایات جنگی

در این روزها همان‌طور که شاهد هستیم موضوع آتش‌بس بین رژیم صهیونیستی و فلسطین در شورای امنیت سازمان ملل متحد مطرح می‌شود؛ اما هر بار وتو شده و نافرجام می‌ماند. این مورد نادری است که غرب حتی با پیشنهاد آتش‌بس در این روزها مخالف است درحالی‌که درگذشته حفظ ظاهر می‌کرد و جلوی برخی اقدامات اسرائیل را هرچند در سطوح ظاهری می‌گرفت.

لازم به ذکر است درصورتی‌که این پیشنهاد وتو نشود، حتی می‌توان با یک قطعنامه، رکن فرعی‌ای برای شورای امنیت مانند دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا ایجاد کرد و از طریق آن جانینان بین‌المللی را محکوم کرد. البته همان‌طور که اشاره شد این پیشنهادها توسط شریک اصلی اسرائیل، یعنی ایالات متحده آمریکا وتو می‌شود.

در موارد مختلفی به دلیل وتوهای مکرر یکی از اعضای شورای امنیت، وظیفه ذاتی این شورا که حفظ صلح بین‌المللی است بدون نتیجه ماند. به همین دلیل در سال ۱۹۵۰، پیشنهاد تصویب قطعنامه اتحاد برای صلح در مجمع عمومی مطرح شد. طبق این قطعنامه چنانچه شورای امنیت به علت کاربرد وتوی یک عضو دائمی نتواند در برابر تهدید علیه صلح، نقض صلح یا عمل تجاوزکارانه در منشور ملل متحد، اتخاذ تصمیم نماید، مجمع عمومی می‌تواند به درخواست اکثریت اعضا یا شورای امنیت (با رأی موافق ۹ عضو) آن مسئله را بررسی نماید و به اعضا راه‌های مناسب را توصیه کند. این راه‌ها می‌تواند شامل تصمیمات جمعی و حتی در صورت نیاز، کاربرد نیروی نظامی برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی باشد.

به نظر می‌رسد که این راهکار مناسبی برای متوقف

کردن ماشین جنایات جنگی اسرائیل در غزه باشد، اما به هر حال مستندات همه این جنایات به همراه قطعه‌نامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل می‌تواند به عنوان دلایلی محکم علیه اسرائیل در پرونده‌ای که توسط فلسطین در دیوان بین‌المللی کیفری علیه اسرائیل اقامه شده است مورد استناد قرار بگیرد.

امید خاک بیز



پژوهشگر اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق علیه السلام

نظام آپارتاید حاکم بر حق‌های اساسی فلسطین

رژیم غاصب اسرائیل با هدف ادامه سلطه خود بر اراضی فلسطینی و ساکنان آن، در عمل دست یهودیان را در گسترش شهرک‌سازی‌ها با تکیه به حمایت‌های دولتی باز گذاشته است. اسرائیل به شکلی سیستماتیک، منافع یهودیان در مناطق یادشده را در اولویت قرار داده و مرتکب جنایت آپارتاید و آزار و اذیت فلسطینیان می‌شود.

ابتدا مفهوم و جایگاه آپارتاید در نظام حقوق بین‌الملل را به اختصار بررسی می‌کنیم:

آپارتاید در واقع نوع خاصی از تبعیض نژادی، مذهبی، قومی و جداسازی اجتماعی است که در اغلب موارد به وسیله اکثریت نسبت به اقلیت اعمال می‌شود. چنین نظامی غالباً با جداسازی فیزیکی و سرزمینی نژادها و محروم‌ساختن برخی از نژادها یا پیروان مذاهب، از منافع و خدمات عمومی-اجتماعی شکل می‌گیرد. لذا آپارتاید در اسرائیل، بنیان و اساس نوعی از تبعیض نژادی سیستماتیک علیه فلسطینیان را تشکیل می‌دهد و انتقال اجباری آن‌ها به خارج از مرزهای کشور، را هدف خود قرار داده است. آپارتاید و آزار و اذیت در ارتباط با تبعیض سیستماتیک ذیل جنایت علیه بشریت به عنوان یکی از مهم‌ترین جرائم بین‌المللی شکل گرفته است. از منظر کمیسیون حقوق بین‌الملل ممنوعیت آپارتاید به عنوان یک قاعده مسلم حقوق بین‌الملل به شمار می‌رود.

طبق ماده ۳ کنوانسیون بین‌المللی محو دولت‌های عضو متعهد شوند که همه شکال تبعیض نژادی به ویژه جدایی نژادی و آپارتاید را محکوم کنند و هر نوع اقدام را که از چنین طبیعتی برخوردار باشد، ممنوع کرده و آن را در قلمرو حکومت خود محو نمایند.

ماده ۸۵ پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ کنوانسیون‌های ژنو شیوه‌های آپارتاید و سایر اقدامات غیرانسانی و تحقیرآمیز... بر اساس تبعیض نژادی" را به عنوان نقض فاحش پروتکل معرفی می‌کند.

آزار و اذیت طبق ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری به معنی محروم کردن عمدی و شدید افراد از حقوق اساسی به دلیل هویت آن گروه یا مجموعه است.

همچنین طبق ماده ۲ کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید، جنایت آپارتاید عبارت است از: اعمال غیرانسانی که به منظور استقرار و حفظ سلطه یک گروه نژادی علیه گروه‌های نژادی دیگر صورت می‌گیرد و بطور سیستماتیک آن‌ها را تحت فشار قرار می‌دهد.

ممانعت از دسترسی یک گروه نژادی و قومی به حق زندگی یا حق آزادی با هدف تسلط یک گروه نژادی بر یک گروه دیگر و نیز سرکوب از پیش برنامه‌ریزی شده‌ای یک گروه نژادی مصداق آپارتاید است.

اقدامات دولت اسرائیل، نقض ماده ۲ کنوانسیون منع و مجازات آپارتاید است که در آن به صراحت اعلام شده: هرگونه اقدام به منظور ممانعت از شرکت یک گروه یا گروه‌های نژادی در امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور و ایجاد عمدی شرایطی که مانع رشد گروه‌های نژادی می‌گردد،

به ویژه بنا انکار حقوق و آزادی‌های اساسی آن‌ها مانند حق کار، حق داشتن اتحادیه، حق آموزش، حق ترک کشور و بازگشت به آن، حق تابعیت، حق آزادی رفت و آمد و انتخاب محل اقامت، حق آزادی عقیده و بیان و حق آزادی اجتماعات، با اصول و قواعد بین‌المللی مغایر است.

طبق ماده ۶۶ کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ یک قدرت اشغال‌گر می‌تواند برای افراد ساکن سرزمین‌های

اشغالی دادگاه‌های نظامی غیرسیاسی تشکیل دهد و آن‌ها را به ایجاد اختلال در نظم عمومی و امنیت متهم کند. طبق گزارش دسامبر ۲۰۰۷ که "یش دین" یکی از سازمان‌های غیردولتی اسرائیلی منتشر کرد، دادگاه‌های نظامی اسرائیل در راستای اعمال معیارهای تصریح شده در حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل بشر مانند اصول دادرسی منصفانه و عادلانه، اصل قانونی بودن جرم و مجازات، حق داشتن وکیل، حق دفاع و... هنگام محاکمه فلسطینی‌ها قصور می‌ورزند. نظارت عمومی قابل توجهی نیز بر روند محاکمه فلسطینی‌ها در دادگاه‌های نظامی وجود ندارد.

علاوه بر حق بر تعیین سرنویشت مردم فلسطین که از زمان آغاز اشغال نقض شده، مهم‌ترین سیاست‌های تبعیض‌آمیز اسرائیل علیه فلسطینی‌ها در حوزه‌هایی همچون ملیت، حقوق شهروندی، حق سکونت و مالکیت قابل مشاهده است. این سیاست به صورت گسترده در سال ۱۹۴۸ و با هدف گرفتن تمام دارایی‌های فلسطینی‌ها شروع شد و در سال ۱۹۶۷ با اشغال کرانه باختری و نوار غزه با شدت بیشتر ادامه یافت. اسرائیل برای اخراج فلسطینی‌ها از منازل و زمین‌های خود سیاست‌های مختلفی را در پیش گرفته است که می‌توان به این موارد اشاره کرد:

لغو حق سکونت فلسطینی‌ها، مخالفت با اعطای حق شهروندی و سکونت، اعمال محدودیت برای ثبت نام کودکانی که پدر و مادر آن‌ها فلسطینی است.

ساخت دیوار حائل و ایجاد ایست‌های بازرسی متعدد با هدف محدود کردن هرچه بیشتر آزادی جابجایی افراد در سرزمین‌های اشغالی مصادره زمین و تخریب خانه فلسطینی‌ها خشونت شهرک نشین‌ها و آزار و اذیت فلسطینی‌ها اخراج انفرادی و دسته جمعی فلسطینی‌ها و سرکوب هرگونه مقاومت از جمله دستگیری‌های گسترده و شکنجه فلسطینی‌ها در زندان‌ها- مخالفت با بازگشت فلسطینی‌ها به خانه‌های خود و جداسازی سیاسی و جغرافیایی کرانه باختری، نوار غزه و قدس شرقی اعمال محدودیت در دسترسی شهروندان فلسطینی‌ها به منابعی همچون آب و سخت‌تر کردن شرایطی زندگی فلسطینی‌ها

افزون بر این، از مهم‌ترین قوانین مؤید استقرار آپارتاید در اسرائیل می‌توان به دو قانون ذیل اشاره کرد:

- ۱_ قانون بازگشت
- ۲_ قانون تابعیت

امیرحسین بهرنوران



پژوهشگر اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق علیه السلام

انگور اسرائیلی آری، عنب فلسطینی نه!؟؟

همزمان با اوج گرفتن عملیات طوفان الاقصی توسط محور مقاومت در سرزمین‌های اشغالی در جهت احقاق حقوق ملت فلسطین، سران کشورهای مختلف اروپایی و غربی با استنادار دوگانه خود و عوض کردن جای اشغالگر و اشغال شده در حمایت از رژیم غاصب اسرائیل بر آمدند و با ادعاهایی همچون دفاع از حقوق بشر و... سعی در مظلومیت‌نمایی اشغالگر دارند.

این امر در حالی رخ می‌دهد که اگر جنایات رژیم صهیونیستی در آینه حقوق بین‌الملل قرار دهیم، ددمنشی و خوی جفاگری این رژیم جعلی بیش از پیش برای جهانیان خواهد شد.

اشغالگری رژیم صهیونیستی

مطابق ماده ۴ کنوانسیون چهارم لاهه ۱۹۰۷ یک سرزمین هنگامی که تحت اشغال و حاکمیت ارتش دشمن قرار بگیرد، سرزمین اشغالی محسوب می‌گردد. سرزمین‌های واقع مابین خط سبز و مرز شرقی سابق فلسطین، در سال ۱۹۶۷ به اشغال اسرائیل درآمد؛ بنابراین، طبق حقوق بین‌الملل عرفی این سرزمین‌ها اشغالی محسوب می‌شود. به همین جهت طبق بند ۷ منشور سازمان ملل دولت

فلسطین از حق حاکمیت خود بر سرزمین‌شان که در منشور سازمان ملل به رسمیت شناخته شده دفاع می‌کند و دفاع مشروع تلقی می‌شود.

نقض معاهده سازمان ملل مبنی بر احترام به حق حاکمیت بر تمامیت اراضی دولت‌ها

محدودیت‌های رفت و آمد و حق دسترسی به خدمات درمانی و تحصیلی و همچنین منع آزادی برای انجام اعمال مذهبی در بیت‌المقدس توسط رژیم صهیونیستی اعمال می‌شود؛ حاکمیت یک دولت بر تمامیت ارضی خود و احترام سایر دولت‌ها به تمامیت ارضی سایر کشورها و استقلال سیاسی کشورها جزئی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل است که در ماده ۵۳ معاهده سازمان ملل است. هیچ قاعده و معاهده‌ای نیز نمی‌تواند بالاتر از قواعد آمره باشد.

حفظ حرمت اموال خصوصی

تعهد قدرت اشغالگر به حفظ حرمت اموال خصوصی با صراحت در ماده ۴۶ مقررات لاهه توجه شده است؛ قدرت اشغالگر باید به مالکیت خصوصی در سرزمین‌های اشغالی احترام بگذارد. از این رو، انهدام اموال خصوصی بدون ضرورت مبرم نظامی، یا در صورتی که صرفاً در جهت هدف‌های انتقام‌جویانه یا خسارت بار به دشمن باشد، ممنوع است. اسرائیل برای احداث دیوار حائل، ده‌ها هکتار از زمین‌های کشاورزی، باغ‌های میوه و زیتون کشاورزان را مصادره و تخریب کرده است. ساخت دیوار حائل و نقض مقررات عهدنامه ۱۹۰۷ لاهه و کنوانسیون چهارم ژنو

ساخت دیوار حائل و ترتیبات مربوط به آن که با تخریب و انهدام اموال خصوصی و عمومی فلسطینیان در سطح وسیع همراه است، با مواد ۲۷، ۴۹، ۵۲، ۵۳، ۵۹، ۶۴ و ۱۴۷ چهارمین کنوانسیون ژنو مغایر است. دیوان بین‌المللی دادگستری به صراحت نقض مقررات کنوانسیون چهارم ژنو توسط اسرائیل را در سرزمین‌های اشغالی اعلام کرده است.

نقض قطعنامه سازمان ملل مبنی بر تحت حاکمیت بودن اورشلیم شرقی توسط فلسطین

بنابر قوانین حقوق بین‌الملل اورشلیم شرقی تحت حاکمیت فلسطین تلقی می‌شود. طبق قطعنامه‌های متعدد سازمان ملل از جمله قطعنامه ۲۵۲، ۲۶۷، ۴۷۱، ۴۷۶ و ۴۷۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد، قسمت اورشلیم شرقی را یک بخش جدانشدنی و لاینفک از فلسطین می‌داند و اشغالگری غیرقانونی رژیم صهیونیستی دارای هیچ مبنای قانونی و بین‌المللی ای نیست.

شهرک‌سازی غیرقانونی

مطابق بند ۶ ماده ۴۹ کنوانسیون چهارم ژنو، قدرت اشغالگر نمی‌تواند بخشی از جمعیت غیرنظامی خود را به سرزمین اشغالی منتقل کند. ساخت دیوار حائل در سمت شرق خط سبز و در داخل سرزمین اشغالی فلسطین برای محافظت از شهرک‌های غیرقانونی صورت می‌گیرد و بدین منظور اموال فلسطینیان به صورت غیرقانونی مصادره و تخریب می‌شود. شهرک‌سازی غیرقانونی در سرزمین‌های اشغالی از سوی جامعه بین‌الملل محکوم است.

نقض کنوانسیون حقوق کودک و اساسنامه رم

دیوان بین‌المللی دادگستری معتقد است که اسرائیل با ساخت دیوار حائل، مواد ۱۶، ۲۴، ۲۷ و ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک را نقض کرده است؛ هم‌چنین وقتی عناصر جنایتکار علیه بشریت که در ماده ۷ اساسنامه رم آمده است با کشتن یک نفر می‌تواند محقق شود، کشتن ۴۲ هزار غیرنظامی فلسطینی از جمله ۳ هزار کودک از زمان ۱۹۶۷ مصداق بارز جنایت علیه بشریت می‌باشد.

استفاده از تسلیحات با تخریب گسترده و بمب‌های حاوی فسفر سفید

بند ۲ ماده ۳۵ پروتکل اول ژنو صراحتاً اعلام می‌کند که بکارگیری شیوه‌ها یا سلاح‌های جنگی که هدف از آن وارد ساختن خسارت شدید، گسترده و دراز مدت باشد ممنوع است. پروتکل دوم مربوط به سلاح‌های کلاسیک که در سال ۱۹۸۰ به تصویب رسید در ماده ۵ مقرر می‌کند که در هر شرایطی هدف قراردادن اهداف غیرنظامی با سلاح‌های آتش‌زا

ممنوع است. بدین جهت مبرهن است که استفاده از بمب‌های دارای فسفر سفید مشمول محدودیت‌های بیشتری بوده و اسرائیل حق بکارگیری این تسلیحات علیه اهداف نظامی مستقر در مناطق مسکونی مانند غزه را دارا نمی‌باشد.

حملات کورکورانه رژیم صهیونیستی

حملات رژیم صهیونیستی با استفاده از تسهیلات تخریبی در نوار غزه که در محدوده جغرافیایی کوچکی با ۲ میلیون نفر جمعیت قرار دارد و دارای تراکم جمعیتی بالایی است مغایر اصل تناسب در حقوق بین‌الملل و حقوق بشر و همچنین نقض صریح ماده ۵۱ پروتکل الحاقی اول ژنو بوده و جنایت جنگی علیه غیرنظامیان محسوب می‌شود.

توسل به زور رژیم صهیونیستی

رژیم اسرائیل که خود عضو منشور ملل متحد است با اقدام توسل به زور علیه فلسطینیان بند چهارم از ماده ۲ منشور ملل متحد را کاملاً نقض کرده است که این اقدام عمده‌تاً از سال ۱۹۶۷ شروع شده و تداوم این توسل به زور تا کنون نیز ادامه داشته است. همچنین استقلال سیاسی و تمامیت ارضی فلسطین را محترم شمرده که این موارد نیز از قواعد آمره حقوق بین‌الملل است.

امیررضا عالمیان



پژوهشگر اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق علیه السلام

نقض حقوق خبرنگاران در تهاجم ۲۰۲۳

جنگ و منازعه در فلسطین برای غصب و قبض خاک آن که اکنون حدود هشت دهه است ادامه دارد، زمینه‌ساز ویرانی کشور، خشونت و آسیب‌های فراوان به مردم شده است که اوج این خشونت‌ها را می‌توان در حمله به غیرنظامیان من جمله خبرنگاران مشاهده کرد.

خبرنگاران و اصحاب رسانه به موجب کنوانسیون ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ و پروتکل یک الحاقی آنها، حق دارد در زمان جنگ و مأموریت‌های حرفه‌ای خطرناک، از رفتاری همانند یک غیرنظامی برخوردار باشند.

در ابتدا به گزارش‌هایی مبنی بر قوانین موجود در حمایت از اصحاب رسانه در قوانین بین‌الملل می‌پردازیم: در نتیجه بررسی و تتبع در کنوانسیون‌ها و قطعنامه‌های بین‌المللی، آنچه در قوانین بین‌المللی برای خبرنگاران وضع و پیش‌بینی شده، عمدتاً به مواقع بحرانی و مخاصمات مسلحانه باز می‌گردد؛ چنانچه کنوانسیون لاهه در سال ۱۹۰۷ بر لزوم حمایت از روزنامه‌نگاران که به اسارت در می‌آیند، تأکید کرد و حقوقی برای روزنامه‌نگاران در زمان آزادی نشمرد، اما به صورت تاریخی اولین اظهار نظر جهانی در حمایت از اصحاب رسانه بود.

کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مصوب ۱۹۴۹، اشاره صریح و مستقیمی بر مسئله حمایت از روزنامه‌نگاران و خبرنگاران نداشت اما پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ بطور خاص موادی را به خبرنگاران جنگی پرداخته است و همچنین برخلاف اسناد قبلی به تعریف خبرنگار می‌پردازد. مطابق این پروتکل، خبرنگارانی که در مناطق درگیر جنگ به مأموریت‌های حرفه‌ای خطرناک مشغول‌اند، به عنوان غیرنظامی مورد حمایت هستند و از همان حقوقی که به غیرنظامیان تعلق می‌گیرد، برخوردارند؛ البته مشروط به اینکه اقدامی مغایر وضعیت آنها به عنوان غیرنظامی، انجام ندهند. همچنین مجمع عمومی سازمان ملل متحد در بیست و پنجمین اجلاس سالانه خود در سال ۱۹۷۰ قطعنامه ۲۶۷۳ را تصویب کرد که به موضوع حمایت از خبرنگاران اختصاص داشت که در مناطق درگیر در مخاصمات مسلحانه به مأموریتی خطرناک اشتغال دارند. این قطعنامه بر ضرورت تدوین سند بین‌المللی بشردوستانه‌ای که اختصاصاً به مسئله حمایت از خبرنگاران شاغل به مأموریت‌های خطرناک در مخاصمات مسلحانه بپردازد، تأکید می‌کند. از سوی دیگر، مجمع عمومی با صدور قطعنامه ۵۱/۱۰۸ در سال ۱۹۹۶ که به مسئله حقوق بشر در افغانستان می‌پرداخت از طرف‌های درگیر در افغانستان خواست که ضمن

بازگذاشتن راه ورود آزادانه روزنامه‌نگاران به مناطق بحران‌زده، از آزار و اذیت آنها خودداری کنند که با استناد به همین قطعنامه، آنها را به جنگ فلسطین تعمیم داد و ضمن درخواست حمایت از غیرنظامیان، حمایت و آزادی بیان اصحاب رسانه را خواستار بود. مجمع عمومی سازمان ملل همچنین با صدور قطعنامه ۵۳/۱۶۴ در سال ۱۹۹۸ که به اتفاق آراء کشورهای عضو به تصویب رسید، ضمن محکوم کردن رفتارهای صورت‌گرفته توسط نیروهای صربستان با روزنامه‌نگاران حاضر در کوزوو، از دولت جمهوری فدرال یوگسلاوی و نیز نیروهای آلبانیایی تبار درگیر در منطقه درخواست کرد که از آزار و ارباب روزنامه‌نگاران خودداری کنند.

یونسکو نیز در بیست و نهمین کنفرانس عمومی خود که در سال ۱۹۹۷ در پاریس تشکیل شد، قطعنامه‌ای در خصوص محکومیت خشونت نسبت به روزنامه‌نگاران را صادر کرد که در برگزیده هرگونه خشونت، چه در زمان جنگ و چه در زمان صلح است.

براساس آخرین آمار کمیته حفاظت از خبرنگاران (CPJ) در ۱۰ روز اول جنگ حماس و رژیم صهیونیستی، حداقل ۱۵ روزنامه‌نگار کشته و بسیاری از افراد دیگر مفقود یا مجروح شده‌اند. طبق گزارش کمیته حفاظت از خبرنگاران، ۱۱ خبرنگار فلسطینی، ۳ روزنامه‌نگار رژیم صهیونیستی و یک روزنامه‌نگار لبنانی در حمله موشکی رژیم صهیونیستی کشته شده‌اند. این کمیته می‌گوید روزنامه‌نگاران به ویژه در غزه با خطرات بسیاری مواجه هستند، زیرا تلاش می‌کنند درگیری‌ها را در مواجهه با حملات ویرانگر اسرائیل پوشش دهند. همچنین یک فیلمبردار روتیز مستقر در بیروت هم در جریان حمله روز جمعه در جنوب لبنان کشته شد که واکنش سردبیر آن را در پی داشت: الساندر گالونی سردبیر روتیز، روز دوشنبه از مقامات رژیم صهیونیستی خواست درباره مرگ او تحقیق کنند و خاطر نشان کرد: شاهدان عینی در صحنه گفتند که این فیلمبردار در حمله اسرائیل کشته شده است. همچنین کریستوف دلور، دبیرکل گزارشگران بدون مرز در بیانیه‌ای اعلام کرد: ما رسماً از مقامات اسرائیل می‌خواهیم که به اقدامات نظامی که قوانین بین‌المللی را نقض می‌کند و منجر به کشته شدن غیرنظامیان از جمله خبرنگاران می‌شود، پایان دهند. شریف منصور هماهنگ‌کننده برنامه خاورمیانه و شمال آفریقای کمیته حفاظت از روزنامه‌نگاران نیز در تارنمای متعلق به این نهاد دولتی گفت: کمیته تأکید می‌کند که روزنامه‌نگاران غیرنظامیانی هستند که در مواقع بحران، کار مهمی انجام می‌دهند و نباید هدف طرف‌های متخاصم قرار گیرند.

وی افزود: روزنامه‌نگاران برای پوشش این درگیری مهم فداکاری‌های بزرگی در سراسر منطقه انجام می‌دهند. برای جلوگیری از این تلفات مرگبار و سنگین، باید تدابیری از سوی همه طرف‌ها اتخاذ شود. در پایان در تطبیق مطالبی که بیان شد، نتیجه می‌گیریم که رژیم غاصب اسرائیل علاوه بر جنایاتی که در همه زمینه‌ها مرتکب شده و هیچ ابایی هم در انجام دادن آنها هم نداشت، در موضوع آزادی بیان و انتشار اخبار توسط اصحاب رسانه نیز از هیچ جنایتی دریغ نکرده و صراحتاً قوانین مربوط به این حوزه را نقض کرده و در جنایت علیه خبرنگاران بین فلسطینی و اسرائیلی بودن خبرنگار هیچ تفاوتی قائل نشده و با آزادی بیان و انتشار مطالب موثق مبارزه کرده است و همچنان به اعمال خود ادامه می‌دهد.



حق دارا بودن از مسکن مناسب و دسترسی به غذای مناسب

حق دارا بودن به مسکن مناسب و دسترسی به غذای مناسب از جنبه‌های حیاتی حقوق انسانی مردم محسوب می‌شوند. این حقوق به طور بی‌وقفه به اصول و ارزش‌های حقوق بشری، اقتصادی و اجتماعی ارتباط دارند و در حفاظت از انسان‌ها

در برابر نیازهای ضروری زندگی و سلامتی تأکید می‌کنند. مسکن مناسب به عنوان یکی از جنبه‌های مهم حق بر مسکن شناخته می‌شود. این حق شامل دسترسی به مسکن مناسب، ایمن و قابل قبول به عنوان یک اساس برای زندگی در جامعه است. مسکن مناسب به معنای دسترسی به خانه‌ای با امکانات و شرایط کافی برای محافظت از سلامت و حریم شخصی افراد است. مسکن مناسب از آنجا که به عنوان خانه افراد به عنوان یک فضای حیاتی و ارتباطی در طول تاریخ شناخته شده است، در بهبود کیفیت زندگی و توسعه افراد و جوامع دارای تأثیر مستقیم است.

همچنین، دسترسی به غذای مناسب به عنوان حق دیگری از حقوق انسانی معتبر شناخته می‌شود. این حق تأکید می‌کند که هر انسان حق دارد به غذای کافی و متنوع دست یابد تا سلامت جسمی و روحی خود را حفظ کند. غذای مناسب نقش اساسی در تغذیه، رشد و توسعه انسان‌ها ایفا می‌کند و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. حفظ و اجرای این حقوق اساسی به عنوان جزء اصلی از توسعه پایدار و حقوق بشری انسان‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این حقوق مهم نه تنها به انسان‌ها حق دسترسی به مسکن مناسب و غذای مناسب را می‌دهند، بلکه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی نیز تأمین این حقوق را بر عهده دارند.

از جمله سازمان‌های تأمین کننده این حقوق می‌توان به: سازمان ملل متحد: سازمان ملل متحد تعداد زیادی از اسناد و توافق‌نامه‌های مرتبط با حق به مسکن مناسب و دسترسی به غذای مناسب را تصویب و نظارت می‌کند. این اسناد شامل میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR) و توافق‌نامه‌هایی مانند اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد (Sustainable Development Goals - SDGs) است. این اسناد تعهدات دولت‌ها را در تضمین دسترسی به مسکن مناسب و غذای مناسب تعیین می‌کنند.

در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی ماده‌هایی چون ماده ۱۱ به این دو حق مهم می‌پردازند: ماده ۱۱ (مسکن و غذای مناسب) این ماده تأکید می‌کند که دولت‌ها باید تا حد امکان تأمین مسکن مناسب برای تمامی افراد از جمله زنان باردار و کودکان را تضمین کنند. این ماده به دولت‌ها واجب می‌کند تا به توسعه و بهبود مسکن مناسب افراد اقتصادی و اجتماعی جامعه بپردازند.

متن ماده: کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را به داشتن سطح زندگی کافی برای خود و خانواده‌اش شامل خوراک، پوشاک و مسکن کافی همچنین بهبود مداوم شرایط زندگی به رسمیت می‌شناسند. کشورهای طرف این میثاق به منظور تأمین تحقق این حق تدابیر مقتضی اتخاذ خواهند کرد و از این لحاظ اهمیت اساسی همکاری بین‌المللی بر اساس رضایت آزاد را اذعان (قبول) دارند.

کشورهای طرف این میثاق با اذعان به حق اساسی هرکس به این که از گرسنگی فارغ باشد منفرداً و از طریق همکاری بین‌المللی تدابیر لازم از جمله برنامه‌های مشخصی به قرار ذیل اتخاذ خواهند کرد:

الف) بهبود روش‌های تولید و حفظ و توزیع خواربار با استفاده کامل از معلومات فنی و علمی با اشاعه اصول آموزش تغذیه و با توسعه یا اصلاح نظام زراعی به نحوی که حداکثر توسعه مؤثر و استفاده از منابع طبیعی را تأمین نمایند. ب) تأمین توزیع منصفانه ذخایر (منابع) خواربار جهان بر حسب حوائج با توجه به مسائل (مبتلا به) کشورهای صادرکننده و واردکننده خواربار (غذا). همانطور که واضح است در بند اول نص صریح میثاق به حق دسترسی به غذا و مسکن مناسب پرداخته است.

سازمان بهداشت جهانی: این سازمان، که به عنوان یک سازمان تخصصی سازمان ملل متحد عمل می‌کند، نقش مهمی در ترویج و تعمیم حق دسترسی به غذای مناسب دارد. این سازمان بهداشت جهانی در اجرای برنامه‌ها و تدابیر بهداشتی و تغذیه‌ای جهانی نقش ایفا می‌کند و به جلوگیری از کم‌توانی‌های غذایی و ارتقاء سلامت جامعه کمک می‌کند. پر واضح است که این سازمان این حق را برای آحاد انسان‌ها به رسمیت شناخته است البته باید توجه داشت این سازمان و اسنادش الزام حقوقی ندارند و برای صرف بیان اهمیت موضوع و وضوح آن مورد اشاره قرار می‌گیرند.

رژیم سفاک صهیونیستی با جلوگیری از ورود آب و غذا به غزه این حق واضحی که در ماده ۱۱ کنوانسیون حقوق اقتصادی فرهنگی سیاسی (که این رژیم در سال ۱۹۶۶ میلادی) را که توسط سازمان‌های دیگر چون سازمان بهداشت جهانی توضیح و تبیین شده را از مردم آن منطقه سلب کرده است و این حق را پایمال نموده؛ و همچنین با تخریب‌های گوناگون و ممانعت از ورود کمک‌های بشردوستانه برای اسکان دادن آوارگان و اردوگاه‌های پناهندگان فلسطینی همه و همه مصداق بارز سلب حق بر مسکن است و در مجموع نشان‌دهنده بی‌بند و باری و ضعف این رژیم است که به این حره‌ها متوسل گردیده است.

امیرعلی زارعی

پژوهشگر اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق علیه السلام



بررسی نقض قوانین و پیمان شکنی‌ها و اعمال ضد حقوقی صهیونیست‌ها

بخش نخست (بررسی مفهوم آتش بس و نمونه‌های تاریخی آن)

اتش بس به توقف موقتی هر جنگی گفته می‌شود که در آن هرکدام از طرفین جنگ با تعلیق کارهای تجاویزگرانه موافقت می‌کنند. آتش بس‌ها می‌توانند بخشی از یک قرارداد رسمی یا بخشی از تفهیم غیررسمی تعلیق جنگ میان نیروهای مخالف باشند. آتش‌بس در صورتی که پایدار بماند به قرارداد ترک مخاصمه منجر می‌شود ولی هنوز وضعیت در حالت جنگی باقی می‌ماند. یک نمونه تاریخی: جنگ کره برای توقف جنگ و ساخت یک منطقه غیرنظامی آتش بسی در ۲۷ ژوئیه ۱۹۵۳ اجرا شد. تاکنون پیمان صلحی امضا نشده ولی کره شمالی و جنوبی از حالت جنگی خارج شده‌اند.

بررسی نقض صلح و پیمان شکنی در مسئله فلسطین: کنوانسیون ژنو

پیش از بررسی موردی این مبحث لازم است این موضوع را کمی از زاویه حقوقی مورد نظر قرار بدهیم. کنوانسیون چهارم ژنو در خصوص حفاظت از افراد غیرنظامی در هنگام جنگ است که در اوت ۱۹۴۹ تصویب و در اکتبر ۱۹۵۰ اجرا شد. سه کنوانسیون ژنو که ابتدا تصویب شده بودند مربوط به رزمندگان جنگ بودند اما کنوانسیون چهارم اولین معاهده‌ای بود که به حفاظت بشردوستانه از غیرنظامیان در هنگام جنگ توجه کرد. بعضی از مفاد این کنوانسیون عبارتند از:

ماده(۲۷): لزوم احترام به حقوق و شرافت افراد

ماده(۲۹): مسئولیت دولت بابت اقدامات مأمورین

ماده(۳۲): ممنوعیت قتل و شکنجه و آزار جسمی افراد تحت حمایت

ماده(۳۳)و(۳۴): ممنوعیت مجازات دسته جمعی و غارت و گروگان‌گیری: افراد تحت حمایت یا همان افراد حفاظت شده یک عبارت حقوقی در چارچوب حقوق بین‌الملل بشردوستانه می‌باشد و نقراتی را در بر می‌گیرد که در حین درگیری مسلحانه تحت حفاظت ویژه کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ و حقوق انسان دوستانه بین‌الملل معمول قرار می‌گیرند.

برای جمع‌بندی باید گفت نهایتاً براساس این کنوانسیون که مصوب ۱۹۴۹ می‌باشد و پروتکل‌های الحاقی آن‌ها که مصوب ۱۹۷۷ است تمامی کسانی که در جنگ مشارکت ندارند نباید تحت هیچ

شرایطی هدف حمله قرار گرفته و باید مصون و مورد حمایت باشند.

حال به بررسی اعمال یا عدم اعمال این کنوانسیون در جنگ‌های مربوط به اسرائیل و فلسطینیان می‌پردازیم. فارغ از تعداد زیاد کشته‌های مردمی اتفاقات اخیر در فلسطین اشغالی که خود نقض آشکارای این قاعده حقوقی بود، اکنون یک حادثه خاص در باب نقض این قاعده حقوقی را بررسی می‌کنیم.

طی یک روند تاریخی آمریکا با عرفات مذاکره می‌کند که از لبنان خارج شود. عرفات هم می‌خواهد بعد از او امنیت اردوگاه‌های فلسطینی تأمین شود. فرمانده فلائرها هم رئیس جمهور لبنان می‌شود. سپس در سپتامبر ۱۹۸۲ انفجاری در لبنان منجر به کشته شدن رئیس جمهور بشیر جمیل می‌شود. شارون (وزیر جنگ اسرائیل) دستور بر محاصره پناهگاه آوارگان فلسطینی لبنانی صبرا و شتیلا می‌دهد. سپس فاجعه انسانی غیرقابل هضمی در دو روز یعنی ۱۶ تا ۱۸ سپتامبر ۱۹۸۲ رخ می‌دهد. در جریان این قتل عام دسته جمعی در طول دو روز بین دو تا سه هزار و پانصد آواره فلسطینی و غیرنظامی لبنانی به شکل فجیعی به شهادت رسیدند.

بخش دوم(نسل کشی)

مستند قانونی این بخش اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی می‌باشد.

این اساسنامه شامل ۱۲۸ ماده است که یکی از آن‌ها صریحاً به نسل‌کشی مربوط می‌باشد.

ماده(۶) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مقرر می‌دارد: نسل‌کشی عبارت است از ارتکاب هر یک از اعمال ذیل به قصد نابود ساختن کل و یا بخشی از یک گروه قومی یا ملی یا نژادی یا مذهبی مانند:

۱. کشتن اعضای آن گروه

۲. وارد آوردن صدمه شدید جسمی یا روانی به اعضای آن گروه

۳. با یک حرکت حساب شده عمداً ایجاد شرایط دشوار زندگی برای یک گروه به قصد نابودساختن کل و یا بخشی از آنان

۴. تحمیل اقداماتی به قصد جلوگیری از زاد و ولد در آن گروه

۵. انتقال اجباری کودکان از آن گروه به گروهی دیگر

همچنین ماده هفتم از این اساسنامه که موسوم به جنایت علیه بشر می‌باشد دارای تبصره‌هایی است که برای این بحث حائز اهمیت است. مفاهیمی مانند نابودسازی و قتل و اخراج و انتقال اجباری که در ادامه به بعضی از آنها اشاره خواهد شد.

مصادیقی از نقض این قواعد بین‌المللی

فاجعه اردوگاه صبرا و شتیلا خود مصداق بسیار روشنی از نسل‌کشی می‌باشد. ناظر به مباحث امروزه و جنگ اخیر رد‌بای نسل‌کشی به وضوح قابل فهم است. حمله گسترده به غیرنظامیان و حمله به بیمارستان المعمدانی و بمباران عظیم مناطق و ساختمان‌های مسکونی مصادیق بارزی از اعمال نسل‌کشی می‌باشد. بطوری که هفته گذشته اعلام شد چند ده خانوار از لیست خانوارهای فلسطینی بصورت کامل حذف شده‌اند.

علیرغم عدم امضا و تصویب اساسنامه رم بوسیله رژیم صهیونیستی نه تنها اساسنامه رم را می‌توان سندی معتبر برای تعریف و تبیین جنایت علیه بشریت دانست بلکه می‌توان دیوان بین‌الملل کیفری را مرجعی صالح در جهت بررسی جنایات صورت گرفته از سوی این رژیم دانست، زیرا دیوان کیفری بین‌المللی علاوه بر صلاحیت محاکمه و تعیین مجازات برای اشخاص حقیقی تابع دول عضو و جنایات بین‌المللی ارتكابی در سرزمین دول عضو مطابق ماده(۱۲) اساسنامه ممکن است با ارجاع شورای امنیت در قالب ماده (۱۳) در خصوص جنایات ارتكابی در خارج از سرزمین دول عضو و غیر از اعضای دول عضو نیز اعمال صلاحیت نمایند. ضمن آنکه تعقیب و محاکمه مقامات رژیم صهیونیستی در دیوان بین‌المللی کیفری به لحاظ نظری و حقوقی امکان‌پذیر است. چرا که وجود

صلاحیت جهانی یکی از اقداماتی است که جامعه بین‌المللی آن را در خصوص جنایت علیه بشریت لحاظ نموده است تا با قاطعیت در مقابل ارتکاب این جنایات بایستد. قابل ذکر است که وجود صلاحیت جهانی در نظام عرفی حقوق بین‌الملل در خصوص جنایت علیه بشریت در رأی دادگاهی که در اسرائیل در سال ۱۹۶۲ برای محاکمه یکی از افسران گشتاپو صادر شد مورد تأکید واقع شده است.

اکنون به برخی تبصره‌های ماده (۶) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی اشاره و مصادیق نقض آن را توسط رژیم صهیونیستی بیان می‌داریم.

قتل: قتل یکی از موارد مشترک در میان جنایت علیه بشریت و نسل‌زدایی است. از زمان آغاز انتفاضه مسجدا لاقصی در سال ۲۰۰۰ تا اواخر سال ۲۰۱۱ تعداد شهدای فلسطینی در حدود ۷۵۰۰ نفر بود. تعداد شهدا در سال اول به ۸۴۳ شهید رسید. از این میان ۵۷۸ تن توسط نیروهای نظامی صهیونیستی به شهادت رسیده‌اند. ۲۳ تن توسط شهرک‌نشینان صهیونیستی و ۲۲ فلسطینی به دلیل جلوگیری نیروهای صهیونیستی از ادامه حرکت آمبولانس جان سپردند. ۳۰ تن هم در عملیات شهادت‌طلبانه به شهادت رسیدند. حداقل ۲۴۷ شهید از نوار غزه و ۳۷۶ شهید از کرانه باختری ۱۳ شهید از مناطق ۱۹۴۸ و ۶۳ تن هم به دلیل محاصره مناطق شهید شده‌اند. ۱۷۹ شهید کودک و نوجوان و ۶ شهید زیر چهار سال. با آغاز انتفاضه اول در سال ۱۹۷۸ تنها در ناپلس ۱۴۱ زن به شهادت رسیده اند و...

نابودسازی: عنوان کننده عملی است که با هدف از بین بردن گروه خاصی ارتکاب می‌یابد و نتیجه حاصل از این عمل نباید صرفاً به کلیت جمعیت محول شده باشد بلکه چنانچه عمل مرتکب با قصد نابودسازی همراه باشد و دامنه آن به هر دلیلی محدود به تعدادی از افراد آن گروه یا جمعیت شود عمل ارتكابی از خصوصیات جرم نابودسازی برخوردار است. حمله گسترده به روستاها و قتل عام غیر نظامیان در راستای تحقق هدف اسرائیل در باب نابودسازی ملت فلسطین انجام می‌شد. در سال ۱۹۴۸ سیاست اسرائیل عملاً معطوف به تجاوز به روستاها و شهرک‌ها بود تا از این طریق بتوانند مرزهای خود را به بیش از آنچه که در قطعنامه ۱۸۱ مشخص شده بود گسترش دهد و در راستای همین سیاست بود که نیروهای خود را متمرکز کرد تا با انواع و اقسام اقدامات غیر انسانی از جمله تخریب روستاها و آتش‌زدن مزارع و تخریب باغات و مراتع کشت مردم بی‌سلاح فلسطین به گسترش مرزهای خود اقدام ورزد. به عنوان مثال کشتار دیر یاسین یکی از هزاران اسنادی است که نمایانگر ظلم این غده سرطانی است. (در سپیده دم روز جمعه ۹ آوریل کماندوهای ایرگون به رهبری مناخم بگین و با همکاری شبه نظامیان لهی به روستای دیر یاسین با ۷۵۰ سکنه حمله کردند و تمام ساکنان این روستا از جمله زنان و کودکان قتل عام شدند.

اخراج و انتقال اجباری: اخراج یکی از جرائمی است که پیش از اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در قسمت ۳ ماده (۶) نورمیرگ و قسمت ۳ ماده (۵) منشور توکیو و در قسمت ۳ بند د ماده (۳) اساسنامه دیوان رواندا در قسمت ۴ ماده (۵) اساسنامه یوگوسلاوی سابق به عنوان جنایت علیه بشریت معرفی شده است. تعداد فلسطینی‌هایی که توسط رژیم صهیونیستی با هدف پاکسازی نژادی و کشتار دسته جمعی و قتل عام غیرنظامیان با استفاده از حملات هوایی آواره شده‌اند به ۷۵۰۰۰۰ نفر رسیده‌اند که در حال حاضر این تعداد به ۵ میلیون نفر رسیده است. تخلیه اجباری در نیمه فوریه ۱۹۴۸ شروع شد. روز دهم مارس ۱۹۴۸ برنامه دالت تصویب شد. هدف اولیه این برنامه مراکز شهری فلسطین بودند.

حبس یا محروم کردن شدید دیگری از آزادی جسمانی: محروم کردن شدید دیگری از آزادی جسمانی یکی دیگر از موارد نقض فاحش حقوق بشر و حقوق بین‌الملل است که در زمره جنایات علیه بشر محسوب می‌شود. این جنایت در بند ۵ ماده ۵ اساسنامه دیوان یوگوسلاوی سابق و بند ۵

ماده (۳) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مورد کاربرد واقع شده است. زندانی کردن در بند ماده (۷) اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری به آن اشاره شده عبارت است از حبس‌هایی که بر خلاف اصول آیین دادرسی عادلانه و بدون طی شدن روند قانونی اعمال می‌شود. در مواردی متهمین بیش از هشت روز پیش از محاکمه در دادگاه نظامی به بازداشت به سر می‌برند. به علاوه قوانین سختگیرانه‌ای مانع ملاقات متهم با وکیل می‌شوند.

شکنجه: شکنجه نه تنها امری مضموم به حساب می‌آید بلکه یکی از روش‌های رایج برای اعتراف‌گیری محسوب می‌شود. اما با رشد و ظهور مفاهیم والای حقوق بشر حقوق بین‌الملل از جمله کنوانسیون‌های لاهه و ژنو در مورد مخاصمات مصلحانه و میثاق بین‌الملل حقوق مدنی و سیاسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر و حتی در اسناد و کنوانسیون‌های منطقه‌ای از جمله در کنوانسیون اروپایی و کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها این عمل را منع می‌کنند. در ماده یک کنوانسیون منع شکنجه مصوب ۱۹۸۴ شکنجه به عنوان عملی تعریف شده که بواسطه تحمیل درد و رنج شدید اعم از جسمی یا روحی بصورت عمدی در جهت نایل شدن به اهدافی همچون کسب اطلاعات و... وارد شده است. رژیم صهیونیستی در ۲۲ اکتبر ۱۹۸۶ این کنوانسیون را امضا و در ۱۳ اکتبر ۱۹۹۱ تصویب نموده است ولی طی چند دهه اخیر به کرات به نقض آن اقدام نموده. یکی از شکنجه‌های رایج در زندان‌های اسرائیلی روش شیخ است که اکثر زندانیان این روش را چشیده‌اند. در این روش شخص بازداشت شده برای مدت طولانی آویزان می‌شود. روش دیگر نشان دادن زندانی روی یک صندلی کج است تا فشار فزاینده‌ای بر ستون فقرات وارد شود و...

تبعیض نژادی: عبارت است از هرگونه اقدام یا رفتاری که به واسطه آن یک گروه بر گروه دیگر به لحاظ بهره‌مندی از حقوق و فرصت‌ها و امکانات متمایز می‌شوند. از جمله قوانین مرتبط می‌توان به اعلامیه چهاردهم دسامبر ۱۹۶۰ مربوط به اعطای استقلال به کشورها و ملل مستعمره و اعلامیه بیستم نوامبر ۱۹۶۳ ملل متحد اشاره کرد. تبعیضات به قدری است که عرب بودن همانند ستون پنجم بودن تعبیر می‌شود و عرب بودن به معنای از دست دادن همه حقوق اساسی است.

به عنوان یک جمع‌بندی می‌توان گفت با مطالعه جنگ‌هایی که بین اسرائیل و فلسطین واقع شده می‌توان فهمید هیچگونه قاعد حقوقی نمی‌تواند مانع این حوادث تلخ شود. فارغ از روحیه دمنشانه رژیم صهیونیستی، این رژیم از خدعه‌های به ظاهر منطقی‌ای استفاده می‌کند. دفعه‌ای با اتهام به حماس که چند نوجوان اسرائیلی را کشته و دفعه بعد با این بهانه که حماس نقشه حمله به ما داشته و... جالب است که هیچگاه این دعوی مطروحه به مرحله ثبوت نرسیده است. سال‌ها از این جنایات می‌گذرد و مجازاتی بر عاملان اصلی اعمال نمی‌شود. نهایتاً به نظر می‌رسد قوانین بین‌المللی در این زمینه بازدارندگی ندارند.

حسین فتاحی

پژوهشگر اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق علیه السلام



بررسی کوچاندن اجباری مردم شمال غزه از نظر قوانین بین‌المللی

رژیم صهیونیستی که از عملیات طوفان الاقصی (از سنگین‌ترین شکست‌های تاریخ ۷۵ ساله خود) به شدت تحت فشار قرار گرفته، طرح کوچ اجباری مردم شمال غزه را با هدف آغاز جنگ زمینی مطرح کرده است. ارتش رژیم صهیونیستی از فلسطینیان ساکن در شمال غزه خواست تا محل خود را ترک کرده و به جنوب این منطقه بروند. این رژیم مهلت کوتاه ۲۴ ساعته را به ساکنان شمال غزه برای تخلیه این منطقه اعلام کرده است. بهانه اصلی این اقدام، ادعای ارتش اسرائیل مبنی بر حضور و اختفاء اعضای گردان‌های عزالدین قسام در تونل‌ها و زیر منازل غزه و همچنین در ساختمان‌هایی

که غیرنظامیان در آن زندگی می‌کنند، می‌باشد. بنابراین، برای اینکه غیرنظامیان در حمله رژیم کشته یا زخمی نشوند، باید شمال غزه را ترک کنند. کوچاندن اجباری افسرد از وطن خود در نظام بین‌المللی از جمله رفتارهایی است که نقض حقوق بشر به شمار می‌آید و در اعلامیه حقوق بشر سازمان ملل متحد، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی محکوم شده و از موارد جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود.

مطابق ماده (۷) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، این دیوان نسبت به جرائم زیر دارای صلاحیت رسیدگی است:

جنایت نسل‌کشی یا کشتار جمعی

جرائم علیه بشریت

جنایت جنگی

جنایت تجاوز

در این نوشته بند ۲ و ۳ مد نظر است. ماده (۷) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی جرائم علیه بشریت را به عنوان اعمالی تعریف می‌کند که به عنوان جزئی از یک حمله سیستماتیک یا گسترده نسبت به یک جمعیت غیرنظامی، با علم به آن حمله ارتکاب یافته باشد. مطابق این ماده، این قسمت از جرائمی که این دیوان صلاحیت رسیدگی به آن را دارد، شامل جرائمی همچون قتل، ریشه‌کن کردن، به بردگی گرفتن، اخراج یا کوچ اجباری یک جمعیت و... می‌شود. همان‌گونه که مشهود است کوچ اجباری جزئی از جرائم علیه بشریت است که دیوان بین‌المللی صلاحیت رسیدگی به آن را دارد. البته در قسمت جنایت جنگی نیز در ماده (۸) اساسنامه دیوان، برخی از مصادیق جنایت جنگی ذکر شده است که عبارتند از: کشتار جمعی، شکنجه، رفتارهای غیرانسانی، تبعید، کوچ اجباری و... بدین ترتیب با توجه به آنچه که گفته شد، کوچ اجباری هم در صورتی که جنگی در میان نباشد و حکومتی در داخل خود عده‌ای را مجبور به خروج از محل سکونت خود کند به عنوان جرم علیه بشریت در این دیوان قابل پیگیری و صدور حکم مجازات است (ماده ۷ اساسنامه دیوان) و هم در هنگام جنگ که حکومت‌های درگیر یا گروه‌های تروریستی اقدام به کوچاندن اجباری افراد نمایند یا سبب کوچاندن اجباری مردم به علت ترس از جان خویش شوند مرتکب جنایت جنگی شده‌اند. (ماده ۸ اساسنامه)

علاوه بر اساسنامه دیوان مذکور که صراحتاً کوچ و انتقال اجباری را جرم علیه بشریت دانسته در موارد دیگری نیز به این موضوع اشاره شده است. یکی از این موارد اعلامیه حقوق بشر سازمان ملل متحد است. البته این اعلامیه در حقیقت الزام‌آور نبوده و فاقد ضمانت اجرایی است. لیکن هم‌اکنون پابندی و پذیرش حقوق بین‌الملل عرفی تا حدودی، قواعد آن را الزام‌آور ساخته است. در رابطه با کوچ اجباری در ماده (۱۲) اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: «هیچ فردی نباید در قلمرو خصوصی، خانواده، محل زندگی یا مکاتبات شخصی تحت مداخله و مزاحمت خودسرانه قرار گیرد. به همین سیاق شرافت و آبروی هیچکس نباید مورد تعرض قرار گیرد. هرکسی سزاوار و محق به حفاظت قضایی و قانونی در برابر چنین مداخلات و تعرضاتی است.» در ماده (۱۳) این اعلامیه نیز آمده است: الف) هر انسانی سزاوار و محق به داشتن آزادی جابجایی و اقامت در هر نقطه‌ای درون مرزهای مملکت است.

ب) هر انسانی محق به ترک هر کشوری از جمله کشور خود و بازگشت به کشور خویش است. بدین ترتیب همان‌گونه که مشخص است در مواد (۱۲) و (۱۳) اعلامیه حقوق بشر سازمان ملل متحد، کوچ اجباری به صراحت رد شده و برای هر انسانی، چه در شرایط جنگ و چه در شرایط صلح، حق زندگی یا ترک اختیاری محل سکونت قابل شده است. هیچ حکومت و دولتی نمی‌تواند در عرصه خصوصی زندگی شخصی و خانوادگی افراد خودسرانه دخالت کند. جابجایی در اماکن و

سرزمین‌ها از حقوق بنیادین و آزادی‌های اساسی هر فرد و مورد حمایت سازمان ملل متحد است. یکی دیگر از مواردی که در عرصه بین‌المللی در رابطه با کوچ اجباری به آن اشاره شده است، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است. در ماده (۱۲) از این پیمان‌نامه در رابطه با حق سکونت و کوچ اجباری در چهار بند چنین ذکر شده است: هرکس قانوناً در سرزمین دولتی مقیم باشد، حق عبور و مرور آزادانه و انتخاب آزادانه مسکن خود را در آنجا خواهد داشت.

هرکس آزاد است هر کشوری و از جمله کشور خود را ترک کند.

حقوق مذکور فوق تابع هیچگونه محدودیتی نخواهد بود مگر محدودیت‌هایی که به موجب قانون مقرر گردیده و برای حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های دیگران لازم بوده و با سایر حقوق شناخته شده در این میثاق سازگار باشد.

هیچکس را نمی‌توان خودسرانه از حق ورود به کشور خود محروم کرد.

ف لذا، اقدامات رژیم صهیونیستی در کوچاندن اجباری مردم غزه هیچگونه توجیهی نداشته و از نظر قوانین بین‌المللی محکوم و در زمره اقدامات علیه بشریت، جنایت جنگی و برخلاف میثاق‌نامه سیاسی و مدنی و ارزش‌های محترم انسانی در اعلامیه حقوق بشر است.

رسول جعفرزاده

پژوهشگر اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق علیه السلام



مراجع بین‌المللی صالح به رسیدگی جنایات رژیم صهیونیستی در نسل‌کشی ۲۰۲۳

نسل‌کشی (Genocide) به موجب ماده (۲) کنوانسیون جلوگیری از کشتار جمعی و مجازات آن مصوب ۹ دسامبر ۱۹۴۸ به عنوان یک جنایت بین‌المللی شناخته می‌شوند:

ماده ۲: در قرارداد فعلی مفهوم کلمه (ژنوساید) یکی از اعمال مشروحه ذیل است که به نیت نابودی تمام یا گروه ملی و قومی و نژادی و یا مذهبی ارتکاب گردد. از این قرار:

قتل اعضاء آن گروه

صدمه شدید نسبت به سلامت جسمی و یا روحی افراد آن گروه.

قراردادن عمدی گروه در معرض وضعیت زندگانی نامناسبی که منتهی بزوال قوای جسمی کلی یا جزئی آن بشود.

اقداماتی که به منظور جلوگیری از تولد و تناسل آن گروه صورت گیرد.

اقدامات سبعانه رژیم صهیونیستی نظیر دستور وزیر جنگ آن به محاصره کامل، و بیان صریح رئیس هماهنگ‌کننده فعالیت‌های دولتی ارتش اسرائیل درباره قطع آب و برق و ساختن جهنم و حملات هوایی به مسیرهای امن تعیین شده نگرانی‌هایی نسبت به نسل‌کشی مردم نوار غزه ایجاد کرده است. اما پرسشی که مطرح می‌شود این است که چه نهادی صلاحیت رسیدگی به این جنایات را دارد؟ چه ضمانت اجرایی موجود است؟

ماده ۶ کنوانسیون جلوگیری از کشتار جمعی و مجازات آن مصوب ۹ دسامبر ۱۹۴۸ اشعار می‌دارد: "اشخاص متهم به ارتکاب ژنوساید یا یکی دیگر از اعمال مشروحه در ماده ۳ به دادگاه‌های صالح کشوری که جرم در آنجا ارتکاب شده و یا به دادگاه کیفری بین‌المللی که طرف‌های متعاقد صلاحیت آن را شناخته باشد جلب خواهند شد."

با این بیان علاوه بر دادگاه صالح کشوری، دادگاه کیفری بین‌المللی را نیز صالح می‌دانند و از آن‌جا که نسل‌کشی توسط خود رژیم دنبال می‌شود بررسی آن توسط خود رژیم صهیونیستی انتظار نمی‌رود، تنها مرجع صالح دادگاه کیفری بین‌المللی است.

گفتنی است در ماده ۶ اساسنامه رم نیز ذیل صلاحیت قضایی، ماده ۲ کنوانسیون جلوگیری از کشتار جمعی و مجازات آن مصوب ۹ دسامبر ۱۹۴۸ عیناً تکرار می‌شود.

فصل سوم اساسنامه رم به صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی می‌پردازد. ماده ۱۳ اعمال صلاحیت را منوط به ارجاع کشور عضو یا شورای امنیت سازمان ملل و یا تحقیق دادستان کرده است؛ لیکن شرط لازم برای اعمال صلاحیت، عضویت کشور در معاهده یا پذیرفتن اوست یا هم‌آنکه کشور محل وقوع جرم یا متبوع مجرم عضو معاهده باشد. قابل ذکر است که رژیم اشغالگر صهیونیستی این اساسنامه را امضاء نکرده و امکان دادرسی به جنایات او براساس قوانین وجود ندارد.



سید امیرحسین میرزایی
پژوهشگر اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق علیه السلام

بررسی حقوق نهادهای امدادگران در شرایط اضطراری توسط دولت اسرائیل در سال ۲۰۲۳

مقدمه

با توجه به اهمیت حق حیات در حقوق بشر و تبلور آن در ماده ۲۵ اعلامیه حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ و با عنایت به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و دو پروتکل الحاقی به آن و لزوم اجرای آنها توسط دول درگیر جنگ و ضمانت اجرای آن در خصوص نقض حق حیات که اعم از حقوق سلبی، ایجابی، بهداشتی و... است و در صورت احراز عنوان نسل‌کشی توسط دادگاه بین‌المللی کیفری مورد تعقیب و محاکمه می‌باشد، با عنایت به نقش نهادهای امدادگران در خصوص نسل‌کشی صورت گرفته در غزه آن را بررسی کنیم.

کلیات: برای بررسی هر پدیده حقوقی باید سه رکن اساسی را بررسی کرد که مشتمل است بر: ۱. موضوع حق ۲. من له الحق ۳. من علیه الحق

در نوشته حاضر برای بررسی نهادهای امدادگران در شرایط اضطراری باید به حق و تکالیف آنها پرداخت اما ابتدا موضوع حق باید مشخص شود و آن چیزی نیست جز حق حیات و با توجه به گستره این مفهوم که اعم است از سلبی، ایجابی، بهداشتی و رسیدگی به مجروحان و... خواهان و مخاطب این حق تمامی آحاد بشریت است. (له الحق) فلذا هر حقی دارای محقی می‌باشد و هر محقی دارای طلبی از من علیه الحق می‌باشد که در این نوشته تکلیف نهادهای امدادگران و نهادهای دولتی دیگر برای ایفای این تکلیف می‌باشد (من علیه الحق)، مضافاً طبق نظر برخی اساتید حقوق اگر این حق، دارای ضمانت اجرایی نباشد اساساً وجود چنین حقی محل ابهام می‌باشد.

در اینجا به تکلیف و کسانی که این مسئله را بر عهده دارند می‌پردازیم که اعم از موارد ذیل هستند: ۱. نهادهای تکلیفی: صلیب سرخ و هلال احمر و نهادهای دولتی شامل این بخش می‌شوند. ۲. نهادهای غیرتکلیفی: نهادهای غیردولتی مثل سازمان پزشکان بدون مرز شامل این بخش می‌شوند.

نهادهای تکلیفی:

۱. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر «در زمان درگیری، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ مسئول هدایت و ایجاد هماهنگی در فعالیت‌های امدادی نهضت است. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به عنوان متولی کنوانسیون‌های ژنو، براساس حقوق بین‌الملل مسئولیتی دائمی برای بازدید از زندانیان، ساماندهی به عملیات امداد، بازپیوند اعضای خانواده‌ها و اجرای دیگر فعالیت‌های بشردوستانه در زمان درگیری مسلحانه برعهده دارد. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ همچنین سعی دارد تا به نیازهای آوارگان داخلی رسیدگی کند، در رابطه با خطرات مین و مهمات عمل نکرده در بین عموم آگاهی رسانی کند، و کسانی را که در زمان درگیری مسلحانه مفقود شده‌اند جستجو نماید.»

۲. نهادهای دولتی

طبق ماده ۲۵ اعلامیه حقوق بشر افراد حق برخورداری از تأمین اجتماعی و مراقبت‌های بهداشتی و... را دارند که متولی این نهادها در فلسطین وزارت بهداشت غزه و در ذیل آن بیمارستان‌های دولتی که اعم از نظامی و غیرنظامی می‌باشند. با

عنایت به تحریم غزه توسط اسرائیل و گزارش‌های معاون سخنگوی سازمان ملل مبنی بر در آستانه فروپاشی بودن بیمارستان‌ها و ادامه فعالیت‌های خود با حداقل ظرفیت و خاموشی و قطعی برق بیمارستان‌ها به این نتیجه می‌رسیم که نهادهای دولتی تمام ظرفیت‌های موجود خود را بکار برده‌اند و اینک جامعه جهانی تنها راه نجات غزه از بحران و نسل‌کشی می‌باشد.

نهادهای غیر تکلیفی

نهادهای غیردولتی و خصوصی یا داوطلب و مستقل مانند پزشکان بدون مرز بنا بر داوطلبانه بودن فعالیت‌های خودشان هیچگونه تکلیفی نسبت به من له الحق‌های یاد شده ندارند بلکه خود در فرایندی دیگر طبق کنوانسیون‌هایی که در ادامه آمده له الحق هستند، نسبت به فعالیت‌های پزشکی و علیه الحق این مسئله دول در حال جنگ می‌باشند و تکلیف آنها مبنی بر حفاظت از اینگونه فعالیت‌ها می‌باشد.

تحلیل

۱. لازم به ذکر است طبق توافق هلال احمر و صلیب سرخ که اساسنامه آن در سایت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران موجود است، طبق اصل یگانگی تنها صلیب سرخ یا نهاد مذکور می‌تواند در یکجا به امدادسانی بپردازد، اما با این حال صلیب سرخ مسئولیتی گسترده‌تر از نهاد یاد شده دارد و در شرایط اضطراری کمک‌های هر دو نهاد منعی ندارد بلکه نکته فوق ناظر به شرایط غیراضطراری می‌باشد.

۲. طبق اعلام کمیته بین‌المللی صلیب سرخ این نهاد مسئول و متولی کنوانسیون‌های ژنو می‌باشد؛ لیکن با توجه به تکالیفی که بر دوش این نهاد گذاشته شده، برای اجرای آن نیز دارای حقوقی است که در صورت عدم وجود آن حقوق، ایفای آن بی‌معنی است و اساساً تعهد منسوخ می‌باشد، چرا که ایفای آن محال است، مانند ممنوعیت دولت اسرائیل برای ارسال کمک‌های بشردوستانه به غزه در شرایط اضطراری.

۳. بنا بر کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و ملحقات آنها هیچکس نباید اصولی را که کنوانسیون مشخص نموده است نادیده گرفته و یا کسی را مجبور به نادیده گرفتن آنها نماید. افراد تحت الحمایه باید بتوانند در هر شرایطی به یک نیروی حمایت کننده (دولت بی‌طرفی که مسئول حمایت از منافع آنهاست) یا کمیته بین‌المللی صلیب سرخ یا هر سازمان بشردوستانه بی‌طرف دیگر مراجعه کنند.

۴. کلیه واحدهای پزشکی نظامی و یا غیرنظامی که تحت کنترل یک مقام مسئول به مجروحان، بیماران و کشتی‌شکستگان خدمت‌رسانی می‌کنند باید تحت حمایت این قانون قرارگیرند، بدان معنا که پرسنل، مواد، ساختمان‌ها و تأسیسات پزشکی و همچنین حمل و نقل وسایلی که برای اهداف پزشکی به کار می‌روند و با نشان صلیب یا هلال قرمز در زمینه سفید مشخص شده‌اند باید تحت حمایت این قانون قرارگیرند.

۵. هرگونه تبعید و انتقال غیرنظامیان به جای دیگر بطور کلی ممنوع است. نیروهای اشغالگر مسئول تأمین رفاه کودکان، تأمین دارو و خدمات پزشکی و تأمین مواد غذایی برای کل مردم هستند. بنابراین، آنها باید ورود و انتقال محموله‌های امدادی را تسهیل نمایند.

باتوجه به مطالب کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های فوق الذکر، رفتار رژیم اسرائیل که اعم است از فعل و ترک فعل در حوزه جنایات جنگی از مورد ۳ الی ۵ با توجه به موضوع این نوشته قابل دادخواهی است، مضافاً آنکه این جنایات علیه نهادهای امدادگران منجر به نسل‌کشی فلسطینیان ساکن غزه و کرانه باختری شده است.

چنانچه در ماده ۲ کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی در ۹ دسامبر ۱۹۴۸ یکی از مصادیق نسل‌کشی بیان شده است:

الف) کشتن اعضای گروه

ج) تحمیل عمدی شرایط زندگی گروهی که برای نابودی کامل یا جزئی فیزیکی آن محاسبه شده است.

چنانچه در این خصوص طبق گزارش سازمان بهداشت جهانی (WHO) اسرائیل به تخلیه ۲۲ بیمارستان در شمال غزه دستور داده است که این نهاد دولتی دارای ۲۰۰۰ مجروح ناشی از جنگ می‌باشد و در ادامه این سازمان، اقدام رژیم اسرائیل را به منزله حکم اعدام تلقی کرد.

نتیجه‌گیری.

با توجه به تحقیق مختصر و ارائه مستندات بین‌المللی یاد شده، ایجاد ممنوعیت‌ها برای نهادهای امدادگران که اعم از تکلیفی و غیرتکلیفی بودند، نسل‌کشی در فلسطین توسط رژیم اسرائیل محرز شده و رفتار این دولت جعلی که اعم از فعل و ترک فعل است، کاملاً خلاف کنوانسیون‌های چهارگانه بین‌المللی و ملحقات آنها و سایر کنوانسیون‌های الزام‌آور بین‌المللی و اعلامیه حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ می‌باشد.



سید حمیدرضا پورمرشد
پژوهشگر اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق علیه السلام

تبعیض نژادی و اعمال و انتشار خشونت ناظر به توثیق‌های نژادپرستانه حنا نیا نفتالی

چند روز پس از آغاز عملیات طوفان الاقصی و شروع بمباران مناطق مختلف غزه توسط صهیونیست‌ها حنا نیا نفتالی عضو بخش امنیتی این رژیم با انتشار عکس کودکان به شهادت رسیده توثیق را منتشر کرد:

هدف از نوشتن این مقاله، اثبات خشونت و تبعیض نژادی است که این شخص به نمایندگی ساختار صهیونیستی بروز داده (این توثیق پس از مدتی به واسطه واکنش‌های منفی جهانی به سرعت حذف شد)

براساس کنوانسیون ژنو، جمعیت غیرنظامی منفرداً یا مجتمعاً نباید مورد حمله واقع شوند. اعمال و تهدیدات خشونت‌آمیزی که هدف اولیه آنها گسترش خشونت و ترور در میان جمعیت غیرنظامی است ممنوع است.

سواً انجام اعمال خشونت‌آمیز براساس این کنوانسیون، در صورتی که ترور را به معنای ایجاد رعب و ترس در نظر بگیریم؛ امر انتشار متهورانه و عدم پشیمانی نام برده هم نوعی عمل خشونت‌آمیز محسوب می‌شود.

همانطور که می‌دانید رژیم صهیونیستی به دنبال تسخیر نوار غزه است و بارها و به روش‌های مختلف به آن اشاره کرده؛ یکی از اهداف انتشار این توثیق می‌تواند ترساندن مردم عادی غزه برای ترک خانه‌های خود به سمت گذرگاه رفح (مرز غزه و مصر) باشد.

بند ۱ ماده ۱۳ اشاره می‌کند: «برای تأثیر این قوانین، این احوال و مواد باید تحت هر شرایطی رعایت شوند.» تشبیه کودکی که توان دفاع از خود ندارد و اعمال خشونت‌آمیز انجام نمی‌دهد به بمب ساعتی، علاوه بر سلب حق حیاتی که سابقاً انجام شده (اعلامیه جهانی حقوق بشر، م ۳) موجب تنزل مقام انسانی آنها هم می‌شود. (همان، م ۵) مزید بر اینها، رفتار نژادپرستانه نامبرده و عدم رعایت اصل برابری و برادری (همان، م ۱) هم به وضوح مشهود است. حتی دیدبان‌های حقوق بشر که مأمورین سازمان ملل متحد هستند این رفتارها اعم از حملات و بعد نشر آن هم به دلیل غیرنظامی بودن افراد جنایت جنگی می‌دانند.

کشورهای عضو، طبق تعهدات ناشی از حقوق بین‌الملل بشردوستانه مربوط به حمایت از افراد غیرنظامی در مخاصمات مسلحانه، کلیه اقدامات امکان پذیر را برای تضمین حمایت و مراقبت از کودکانی که به علت مخاصمات مسلحانه در معرض آسیب قرار می‌گیرند، به عمل خواهند آورد (کنوانسیون حمایت از حقوق کودکان یونسف، م ۳۸، بند ۴) علی‌رغم عضویت این رژیم در سازمان ملل و پذیرش این کنوانسیون، کشتن کودکان و انتشار آن در فضای مجازی امری کاملاً عادی برای آن‌ها به شمار می‌رود!

از مصادیق رفتارهای نژادپرستانه این توثیق می‌توان به منع اعضای یک گروه نژادی از حق حیات یا

آزادی و همچنین اذیت و آزار گروه‌های نژادی از طریق مقامات و یا سازمان‌های مختلف مانند پلیس و سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی اشاره کرد. (منشور لندن، اساسنامه دادگاه ویژه نورنبرگ، م ۲ کنوانسیون ۱۹۷۶)

نتیجه‌گیری:

تلاش‌های صهیونیست‌ها به وسیله رسانه برای تطهیر چهره، از بین بردن مدارک دال بر مجرم بودنشان و ارائه چهره دروغین به روی حماس و جبهه مقابل‌شان همچنان ادامه دارد. علی‌رغم تمامی این‌ها باز هم افکار عمومی جهانی علیه رژیم صهیونیستی و حامیان آن‌هاست.

چیزی از وظایف ما در تبیین هویت ظالم و حمایت از مظلوم کم نمی‌کند! حتی با اسنادی که خودشان نوشتند و خیلی از مسائل سهواً یا عمداً در نظر گرفته نشده؛ باز هم رژیم صهیونیستی طبق همین قوانین مرتکب جنایات بسیاری شده است.

سیدرضا موسوی زارع

پژوهشگر اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق علیه السلام



دروغ پراکنی یا پخش اطلاعات نادرست توسط رژیم صهیونیستی

مقدمه

امروزه یکی از پربازدیدترین موضوعات بین‌المللی، مسئله جنگ فلسطین و رژیم صهیونیستی است؛ شاهد ما بر این موضوع صفحه اول رسانه‌های خبری داخلی و خارجی است به خصوص با پیروزی فلسطین در عملیات طوفان الاقصی و در مقابل آن قتل مظلومانه کودکان در پی انهدام بیمارستان‌های معمدانی طی هفته گذشته این اخبار و پیگیری‌ها شدت گرفته است. اما مسئله این است جبهه جنگ فقط در میدان نبرد و توپ و تانک نیست، بلکه بخش مهم‌تری از جنگی که امروز در فلسطین جریان دارد، جنگ روایت‌هاست. جنگی که رسانه‌های مدافع رژیم اسرائیل به آن دامن می‌زنند تا از رژیم صهیونیستی چهره یک رژیم مظلوم و قربانی را نشان دهند. در این میان رژیم صهیونیستی نیز تلاش دارد تا جایی خود را با قربانی و مظلوم اصلی نبرد یعنی فلسطینیان تغییر دهد. شاید در ابتدا این موضوع نمایی کاملاً رسانه‌ای داشته باشد اما در انتهای این یادداشت با بررسی منشور حقوق بشر در خواهیم یافت که برای اثبات و حمایت از مظلوم واقعی در این معرکه نیازمند آگاهی مردم به علاوه درک نسبی کشورها و مسئولان دادگاه کیفری بین‌المللی و دیگر مراجع بین‌المللی هستیم. در ادامه این یادداشت ابتدا به تعریف دروغ‌پراکنی (disformation) و بیان مصداق‌هایی چند از دروغ پراکنی‌های رژیم صهیونیستی خواهیم پرداخت و در آخر به تطبیق دروغ‌پراکنی و نقض حقوق بشر توسط رژیم صهیونیستی خواهیم پرداخت.

تعریف دروغ‌پراکنی یا پخش اطلاعات نادرست

در تعریف لغوی کلمه‌ی disinformation یا دروغ‌پراکنی آورده‌اند که به معنای «اطلاعات نادرست دادن یا «دادن اطلاعات عمدتاً گمراه کننده یا مغرضانه، روایت یا حقایق دستکاری شده یا تبلیغات» است. در نهایت اینکه اخبار جعلی اطلاعات عمدی ساخته شده، هیجان انگیز، احساسی، گمراه‌کننده یا کاملاً ساختگی است که از شکل اخبار اصلی تقلید می‌کند.

دروغ پراکنی یا اطلاعات نادرست، به دسته‌های زیر تقسیم می‌شود:

طنز یا تقلید: هیچ قصدی برای آسیب رساندن وجود ندارد، اما امکان فریب وجود دارد.

اتصال نادرست: زمانی که سرفصل‌ها، تصاویر یا شرح‌ها از محتوا پشتیبانی نمی‌کنند.

محتوای گمراه‌کننده: استفاده گمراه‌کننده از اطلاعات برای چارچوب‌بندی یک موضوع یا فردی.

زمینه نادرست: زمانی که محتوای واقعی با اطلاعات متنی نادرست به اشتراک گذاشته می‌شود.

محتوای تقلبی: زمانی که منابع واقعی جعل هویت شوند.

محتوای دستکاری شده: زمانی که اطلاعات یا تصاویر واقعی برای فریب‌دادن دستکاری می‌شوند.

محتوای ساختگی: زمانی که محتوا ۱۰٪ نادرست است و برای فریب و آسیب طراحی شده است. جدای از تعاریف برای یافتن مصداق‌هایی از پذیرش disformation در سطح قوانین و سیاست‌های ملی می‌توان به این دو اشاره کرد: قانون حفاظت از دروغ‌های آنلاین و قانون دستکاری سنگاپور یا اعلامیه اتیوپی برای جلوگیری از گسترش سخنان نفرت‌انگیز و اطلاعات نادرست

همچنین در سطح بین‌المللی می‌توان از آیین نامه رویه اتحادیه اروپا در مورد اطلاعات نادرست و کمپین تأیید شده توسط سازمان ملل متحد نام برد. در نهایت باید گفت که طیف گسترده‌ای از ذی‌نفعان در سراسر جهان در حال تلاش برای یافتن نحوه واکنش برای پاسخ دادن به دروغ پراکنی هستند. نمونه‌هایی از دروغ‌پراکنی یا disinformation توسط اسرائیل

Bottom of Form

براساس اعلام رسمی منابع فلسطینی تا روز پنجم بمباران رژیم صهیونیستی علیه نوار غزه، بیش از ۳۰۰ کودک فلسطینی به شهادت رسیده‌اند. جنبش حماس با انتشار بیانه‌ای ضمن تکذیب قتل کودکان توسط نیروهای فلسطینی، جنایتکار اصلی را رژیم صهیونیستی توصیف و اعلام کرده است: «رژیم اشغالگر از طریق بمباران هوایی و شلیک موشک‌های ممنوعه بین‌المللی تا این لحظه ۱۰۵۵ غیرنظامی فلسطینی از جمله بیش از ۳۰۰ کودک و ۲۰۰ زن را به شهادت رسانده و ۵۱۵۰ غیرنظامی دیگر که بیش از ۱۲۰۰ نفر از آنان کودک و ۱۰۰۰ نفر نیز زن هستند را مجروح کرده است و ده‌ها نفر از کادر پزشکی را هم شهید یا زخمی کرده است و هنوز هم ده‌ها نفر از شهروندان اعم از زن و کودک و سالخورده زیر آوارها در حال جان دادن هستند. غیرنظامیان همچنان به شیوه‌ای هدفمند مورد هدف قرار می‌گیرند و این رژیم اقدام به قطع برق و آب به روی ساکنان غزه کرده و مانع از ورود کمک‌های غذایی و دارویی برای آنان می‌شود.

جلوگیری اسرائیل از حضور خبرنگاران و قتل آن‌ها این در حالی است که اسرائیل سعی دارد آمارها را کاملاً وارونه نشان دهد؛ نمونه اندکی برای اثبات دروغ‌گویی‌های پیاپی اسرائیل کشتار ۳۵ نفر از خبرنگاران کشورهای مختلف است که از سال ۲۰۰۰ تا کنون انجام شده است.

کارنامه سیاه کودک‌کشی رژیم صهیونیستی فقط محدود به نبرد اخیر طوفان الاقصی نیست، بلکه صهیونیست‌ها سال‌هاست مشغول کودک‌کشی در فلسطین هستند. براساس گزارش سازمان ملل متحد که وب‌سایت دفاع از حقوق کودکان فلسطینی آن را منتشر کرده، نیروهای صهیونیستی و شهرک‌نشینان از سال ۲۰۰۸ تاکنون حداقل ۳۷۵۲ غیرنظامی فلسطینی را در سراسر کرانه باختری اشغالی از جمله بیت‌المقدس شرقی و نوار غزه به شهادت رسانده‌اند. همچنین براساس اسناد جمع‌آوری شده توسط بنیاد دفاع از حقوق کودکان فلسطینی، از سال ۲۰۰۰ تاکنون نیروهای صهیونیستی و شهرک‌نشینان بیش از ۲۳۰۰ کودک فلسطینی را به شهادت رسانده‌اند. با این حال رژیم صهیونیستی اجازه انتشار خبرها درباره وضعیت انسانی نوار غزه هم‌زمان با بمباران را نمی‌دهد و دو روز پیش از تلگرام خواسته بود تا حساب‌های خبری مربوط به مقاومت فلسطین و تحولات نوار غزه را مسدود کند، هرچند تلگرام به این درخواست مقامات تل‌آویو پاسخ منفی داده بود. همچنین رئیس دانشگاه تل‌آویو اعلام کرده است که با دانشجویانی که اقدامات حماس را توجیه می‌کنند، قاطعانه برخورد می‌کنیم.

جعل تصاویر توسط رژیم صهیونیستی دروغی که از سوی یک خبرنگار با نام "نیکول زدک" مطرح شد و پس از آن، خبرنگار "شبکه سی ان ان" نیز به آن اشاره داشت و چه در قالب رسانه‌های تصویری خبری و چه شبکه‌های اجتماعی، به سماع و نظر میلیون‌ها انسان در اقصی نقاط جهان رسید. بر اساس این ادعای دروغین، رزمندگان حماس اقدام به بریدن سر شماری از نوزادان و کودکان ساکن در شهرک‌های اراضی اشغالی کرده‌اند!

جعل تصویر و تلاش برای وارونه جلوه دادن تحولات فلسطین از سوی دستگاه‌های تبلیغاتی ارتش رژیم صهیونیستی مورد انتقادات زیادی قرار گرفته است، تا آنجا که سازمان نظارت بر حقوق بشر یورو - مدیترانه، ارتش رژیم اسرائیل را به جنایت جنگی و جعل تصاویر ویدئویی متهم کرد. این سازمان در رسانه اجتماعی ایکس (تویتر سابق) خود نوشت که «سربازان اسرائیلی چند مرد فلسطینی که خود را تسلیم کرده بودند از پشت مورد هدف قرار داده‌اند و سپس با رها کردن چند قبضه سلاح در کنار اجساد آنها مدعی شدند که رزمندگان مقاومت را کشته اند.»

جالب اینکه اندکی بعد، هم نیکول زدک، هم خبرنگار شبکه سی ان ان و هم "اورین زیو"، یک خبرنگار اسرائیلی که به منطقه اعزام شده، همه و همه این مساله که رزمندگان حماس اقدام به کشتار کودکان و نوزدان اسرائیلی کرده‌اند را رد کردند و آن را کذب خواندند. حتی خبرنگار شبکه سی ان ان ابراز تأسف کرده و گفته که باید تحقیق بیشتری را قبل از انتشار خبر مذکور انجام می‌داده است. نکته جالب اینکه براساس همین دروغ، شاهد روانه شدن سیلی از اقدامات تبلیغاتی و روانی جریان‌های سیاسی و رسانه‌ای غربی علیه مقاومت فلسطین بوده‌ایم.

انتساب انهدام بیمارستان الممعدانی به حماس بعد از کشتار دسته جمعی کودکان و زنان در بیمارستان الممعدانی جو بایدن و نتانیاهو آن را تکذیب کرده و آن را به حماس نسبت داده بودند درحالی‌که راکت‌های حماس قدرت انهدامشان به این اندازه نبود. این اتفاق دارای جزئیات زیادی است اما در این یادداشت نمی‌گنجد.

قتل ابوعاقله توسط اسرائیل و تکذیب آن یکی دیگر از مواردی که از سوی رسانه‌ها یادآوری شد، رویکرد رژیم صهیونیستی در شهادت «شیرین ابوعاقله» بود؛ خبرنگاری که موقع حمله نظامیان صهیونیست به اردوگاه جنین در کرانه باختری، هدف گلوله مستقیم قرار گرفت. رژیم صهیونیستی طبق رویه خود ابتدا نه تنها مسئولیت این حادثه را قبول نکرد، بلکه «نفتالی بنت» نخست‌وزیر وقت رژیم اسرائیل، فلسطینی‌ها را متهم کرده و گفت: «طبق اطلاعاتی که ما جمع‌آوری کرده‌ایم، به نظر می‌رسد که فلسطینی‌های مسلح - که در آن زمان بی‌رویه تیراندازی می‌کردند- مسئول مرگ ناگوار این روزنامه‌نگار بوده‌اند.»

اگرچه مشخص بود گلوله‌ای که باعث شهادت ابوعاقله شد از سلاح یک نظامی اسرائیلی شلیک شده اما آمریکا مانند همیشه به کمک شریک راهبردی خود آمد و با این ادعا که شلیک به خبرنگار الجزیره عمدی نبوده، این موضوع را به یک اشتباه پیش‌پا افتاده تقلیل داد اما رژیم صهیونیستی بعد از یک سال پذیرفت که شیرین ابوعاقله بر اثر شلیک گلوله اسرائیل جان باخته است.

تطبیق دروغ‌پراکنی اسرائیل با قوانین بین‌المللی سوالی که مطرح می‌شود این است که چرا دروغ‌پراکنی یک موضوع حقوق بشری است؟ دروغ‌پراکنی رژیم صهیونیستی یک موضوع حقوق بشری است، زیرا به زبان ساده، انتشار اطلاعات نادرست می‌تواند باعث قضاوت نادرست مسئولین حقوق بشر شده و بر مظلومیت مردم فلسطین افزوده شود:

حق بر سلامت (ماده ۱۲، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی): این ماده در مورد مراقبت‌های بهداشتی می‌باشد که اخیراً در مورد موضوع بیمارستان الممعدانی رژیم صهیونیستی صریحاً آن را نقض کرد حال توجه کنید اگر دروغی که اسرائیل در مورد انتساب این کشتار دسته جمعی به حماس توسط عده‌ای پذیرفته شود، باعث می‌شود که عامل این موارد به کلی تغییر کرده و آراء ICC تحت تأثیر قرار گیرد.

حق آزادی از تعرض غیرقانونی به ناموس و آبروی خود (ماده ۱۷، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی): اطلاعات نادرست اغلب به یک فرد خاص - به ویژه شخصیت‌های سیاسی و عمومی و همچنین روزنامه‌نگاران - مربوط می‌شود و

برای آسیب رساندن به شهرت آن شخص طراحی شده است، بنابراین اگر انتساب انهدام بیمارستان الممعدانی به حماس باور شود باعث آسیب به شخصیت و آبروی این شخص حقوقی و گروه شده و اعضای آن مورد تعرض قرار می‌گیرند.

حق عدم تبعیض (ماده ۲ و ۲۶، ICCPR): بطور کلی در این موضوع برای مثال کشتار کودکان یا دیگر موارد باعث نقض حقوق فلسطینیان شده و به علاوه امکان حمایت دادگاه کیفری بین‌المللی را نیز از غیرنظامیان فلسطین می‌گیرد.

حق آزادی بیان ماده ۱۹: با این حال، واکنش‌های نامناسب سیاسی به دروغ‌پراکنی اسرائیل، خود می‌تواند خطرناکی را برای حقوق بشر، به ویژه حق آزادی بیان ایجاد کند زیرا نظرات مردم در رسانه‌های اجتماعی مورد خدشه قرار می‌گیرد و همچنین موجب درگیری‌های واهی افراد شود.

علی رجایی

پژوهشگر اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق علیه السلام



استفاده رژیم غاصب صهیونیستی از بمب‌های فسفوری در حمله به غزه (۲۰۲۳)

با توجه به گزارش‌های منتشر شده، نیروهای ارتش رژیم غاصب صهیونیستی در حملات خود به لبنان و غزه در تاریخ ۱۰ و ۱۱ اکتبر ۲۰۲۳ از بمب‌های فسفوری استفاده کردند. بمب‌های فسفر سفید، که می‌توانند به عنوان دود گرفته یا سلاح استفاده شوند، به دلیل سوختگی شدید و اثرات طولانی مدت آن بر بازماندگان، می‌توانند به مردم آسیب بزنند. استفاده از آن در مناطق پرجمعیت غزه، نقض قوانین بین‌المللی انسان دوستانه محسوب می‌شود که باید برای جلوگیری از صدمات مردم تمام تلاش‌های جامعه جهانی انجام شود.

در درجه اول نشان می‌دهد که نقض صریح پروتکل سوم کنوانسیون سلاح‌های معمولی الحاقی ژنو وجود دارد که قانونی برای منع استفاده از موادی شیمیایی در جنگ است که باعث خفگی و مسموم ساختن می‌شود.

از جهت دیگر ماده ۲ کنوانسیون نسل‌کشی را چنین تعریف می‌کند هر یک از اعمال زیر که به قصد نابودی کلی یا جزئی یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی انجام شده‌است:

الف) کشتن اعضای گروه؛

ب) ایجاد آسیب جدی جسمی یا روحی به اعضای گروه.

ج) تحمیل عمدی شرایط زندگی گروهی که برای نابودی کامل یا جزئی فیزیکی آن محاسبه شده‌است.

نقض بند الف، ب، ج این ماده مزید برعلت برای علمیات هولناک نسل‌کشی مردم مظلوم فلسطین است

پیمان ژنو، پیمانی است که بین کشورهای امضاکننده بسته شده‌است و پراهمیت‌ترین ماده حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. کنوانسیون ژنو مفادی را برای زمان جنگ وضع کرده‌است که از افرادی که دیگر در جنگ نیستند حفاظت و حمایت می‌کند. بنیان‌گذاری و گسترش کنوانسیون ژنو بر اساس تجربه‌هایی است که حکومت‌ها در دوران جنگ‌هایشان گرد آورده بودند.

۱۹۴۹ در کنوانسیون چهارم پس از به پایان رسیدن جنگ دوم جهانی در ژنو کنفرانسی بر پا کرد. کشور ایران در تاریخ ۸ دسامبر ۱۹۴۹ این کنوانسیون را امضا کرد و در تاریخ ۲۰ فوریه ۱۹۵۷ به تصویب مجلس رسید. این کنفرانس درباره گسترش مفاد کنوانسیون‌های پیشین مفادی را تصویب کرد:

کنوانسیون چهارم ژنو ناظر بر حمایت از غیرنظامیان، شامل آت‌هایی که در مناطق تحت اشغال هستند می‌باشد. این کنوانسیون متشکل از ۱۵۹ بند بوده و شامل بخش کوتاهی است که به طور گسترده به حمایت از افراد در برابر پیامدهای خاص ناشی از جنگ می‌پردازد؛ هرچند، نحوه هدایت مخصصات در این بخش مورد بحث قرار نمی‌گیرد. بیشتر این کنوانسیون به وضعیت و رفتار با اشخاص مورد حمایت، تمایز میان وضعیت بیگانگان در سرزمین

های تحت کنترل یکی از طرفین درگیری و وضعیت غیرنظامیان در سرزمین اشغال شده می‌پردازد. این کنوانسیون وظایف قدرت اشغالگر در خصوص غیرنظامیان را تصریح کرده و شامل جزئیاتی راجع به امداد بشردوستانه برای اشخاصی که در سرزمین‌های تحت اشغال هستند می‌باشد. به علاوه این کنوانسیون حاوی یک رژیم خاص درباره رفتار با زندانیان غیرنظامی است.

پروتکل‌های الحاقی:

طی دو دهه پس از تصویب کنوانسیون‌های ژنو، درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی و جنگ‌های آزادی ملی تکرر بیشتری یافت.

در پاسخ، در سال ۱۹۷۷ دو پروتکل الحاقی به کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو تصویب شدند.

آنها حمایت از قربانیان درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی (پروتکل الحاقی اول) و غیر بین‌المللی (پروتکل الحاقی دوم) را تقویت نموده و بر نحوه جنگیدن در نبرد محدودیت اعمال می‌کنند.

پروتکل الحاقی دوم اولین معاهده بین‌المللی بود که منحصرأ به شرایط درگیری مسلحانه غیرنظامی پرداخت.

از منظر بحث مادر رابطه با استفاده این بمب‌ها اصل حمله نظامی و نظایر آن به غیرنظامیان ممنوع شده استفاده از این بمب‌ها در این مناطق مسکونی بمعنای صریح حمله به غیرنظامیان بوده است

علی شالیکار

پژوهشگر اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق علیه السلام



نقض حقوق کودکان در تهاجم رژیم صهیونیستی به نوار غزه ۲۰۲۳

در ۹ اکتبر ۲۰۲۳، اسرائیل محاصره کامل نوار غزه را اعمال کرد، این محاصره باعث مسدودیت ورود غذا، آب، دارو، سوخت و برق به غزه شد. اقدامات خشونت‌بار رژیم صهیونیستی سبب شد که غیرنظامیان فلسطینی بسیاری به شهادت برسند که در این میان کشته شدن کودکان و زنان بی‌گناه و بمباران مراکز درمانی به صورت هدفمند انجام می‌شود و مصداق نسل‌کشی است. هم‌اکنون شرایط کودکان فلسطینی در منازعه اخیر، روایتی تلخ و تکان‌دهنده است که می‌بایست در قبال آن تدبیری جدی از طرف جامعه جهانی علی‌الخصوص سازمان ملل متحد صورت گیرد.

ماده (۱) کنوانسیون حقوق کودک اشعار می‌دارد: کودک به کلیه افراد انسانی زیر ۱۸ سال گفته می‌شود مگر آنکه سن کودک طبق قانون داخلی کمتر از آن تعریف شده باشد.

تصمیم به قتل عام و نسل‌کشی فلسطینیان در حالی اتفاق می‌افتد که باتوجه به ماده (۲) کنوانسیون نسل‌کشی، مصوب ۹ دسامبر ۱۹۴۸، می‌توان اقدامات این روزهای اسرائیل را صریح و شفاف مصداق بارز نسل‌کشی دانست؛ جرمی که به عنوان یکی از مهم‌ترین جرائم مورد توجه مجامع بین‌الملل از جمله دیوان بین‌المللی کیفری بوده است؛ اما گویا به نظر مدعیان حقوق بشر نمی‌رسد.

کودکان از محروم‌ترین گروه‌های انسانی هستند که همیشه در جنگ، بحران‌های سیاسی و بلاای طبیعی اولین تیر به سمت آنان نشانه می‌رود، به طوری که در بیشتر موارد کودکان آواره و پناهنده در معرض انواع وضعیت‌های بحرانی قرار می‌گیرند و مجبور می‌شوند شهر و دیار خود را ترک کنند. پیمان‌نامه حقوق کودک یک کنوانسیون بین‌المللی است که حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودکان را بیان می‌کند. دولت‌هایی که این معاهده را امضا کرده‌اند موظف به اجرای آن هستند و شکایت‌های راجع به آن به کمیته حقوق کودک ملل متحد تسلیم می‌شود.

بر اساس ماده (۵۴) کنوانسیون حقوق کودکان مصوب ۲۳ نوامبر ۱۹۸۹، اقدامات صورت گرفته از سوی رژیم صهیونیستی علیه کودکان و نوجوانان جرم محسوب شده و قابل پیگیری است اما علی‌رغم محکومیت‌هایی که از سوی برخی نهادهای بین‌المللی صورت گرفته، اقدامات عملی

برای توقف رفتارهای غیرانسانی این رژیم جعلی در غزه دیده نمی‌شود.

ماده (۱۸) کنوانسیون چهارم ژنو بیان می‌دارد: بیمارستان‌های غیر نظامی که برای پرستاری مجروحین و بیماران و معلولین و زنان باردار تشکیل می‌شوند در هیچ موردی نباید مورد حمله قرار گیرند بلکه در هر زمان باید توسط دولت‌های متخاصم محترم شمرده و حمایت شوند.

اما رژیم غاصب صهیونیستی باهدف نسل‌کشی و ازبین‌بردن کودکان که همان آینده‌سازان و امیدهای یک ملت برای ساختن فردایی بهتر هستند به بیمارستان‌ها و خانه‌های مسکونی حمله می‌کند و با این عمل حقوق کودکان را نقض می‌کند.

صندوق کودکان ملل متحد (یونیسف): سازمانی است که ایجاد شد برای تأمین غذای اضطراری و خدمات بهداشتی - درمانی کودکانی که در اثر جنگ جهانی دوم کشورهایشان تخریب شده بود.

این سازمان حمایت از کودکان بی‌سرپرست و بی‌خانمان فلسطینی را بر عهده دارد؛ اما این سازمان به تعهدات خود در مقابل این کودکان عمل نکرده است. بر اساس بند ۱ ماده (۶) کنوانسیون حقوق کودکان که مقرر می‌دارد: حق ذاتی هر کودک برای زندگی، به رسمیت شناخته شده است.

اما این حق ذاتی توسط رژیم صهیونیستی نقض شده است. حاکمان رژیم صهیونیستی در حالی به نقض حقوق کودکان فلسطینی ادامه می‌دهند که کودکان هیچ نقشی در برافروختن آتش جنگ ندارند و قادر به دفاع و محافظت از خود نیستند؛ به همین دلیل، کشتن و آسیب رساندن به کودکان عملی غیرانسانی، ظالمانه و توجیه‌ناپذیر است و تمامی معاهدات حقوق بشری و حقوق بشردوستانه را نقض می‌کنند درحالی‌که مجازاتی برای آنان رقم زده نمی‌شود و بی‌کیفری سیستماتیک برای آنان وجود دارد و هم اکنون نیز این جنایات در مقابل دیدگان جهانیان به فجیع‌ترین شکل ممکن در حال وقوع است.

علی شهبازی



پژوهشگر اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق علیه السلام

بمباران و تخریب محله‌های مسکونی و بیمارستان و کادر پزشکی غزه

در پی تهاجم رژیم صهیونیستی و بمباران مناطق غیرنظامی و محله‌های مسکونی و همچنین حمله به بیمارستان و کادر پزشکی؛ آن رژیم حرامزاده به شدت محکوم به جنایت جنگی و نسل‌کشی است. مطابق قواعد بین‌المللی همچون اصول اساسی حقوق بشر، اساسنامه رم، کنوانسیون نسل‌کشی، کنوانسیون چهارگانه ژنو و ... مورد هدف قراردادن غیرنظامیان کاملاً ممنوع و قابل مجازات در محاکم بین‌المللی است ولی همانطور که شاهد هستیم مجامع بین‌المللی اقدام عملی علیه آن رژیم را در منفعیت خود نمی‌بینند.

نسل‌کشی (Genocide) هرگونه اقدام و مبادرت به نابودی و حذف فیزیکی بخش یا کلیت یک گروه نژادی، قومی، ملی، مذهبی یا ایدئولوژیکی توسط یک گروه دیگر است.

یکی از اصول اساسی حقوق بشر تفکیک میان اهداف نظامی و غیرنظامی است. طبق کنوانسیون چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و دو پروتکل الحاقی آن (۱۹۷۷)، به صورت مشخص و آشکار از بیماران، مجروحان جنگی و کادر پزشکی در برابر حملات نیروهای نظامی حمایت شده است.

هفدهم اکتبر ۲۰۲۳ در تاریخ جنایت‌های جنگی رژیم صهیونیستی ثبت شد. در این روز ماشین جنگی صهیونیستی با هدف قراردادن بیمارستان الممعدانی بیش از هزار و صد زن، کودک و مجروح فلسطینی را به شهادت رساند. رئیس سازمان بهداشت جهانی، این حمله را به‌شدت محکوم کرد. به گزارش منابع فلسطینی، در این حمله حتی به کودکان خردسالی که زیر دستگاه احیای تنفسی قرار داشتند، رحم نشد. تهاجم و قتل عام گسترده افراد غیرنظامی، مقام‌های سیاسی و فرماندهان نظامی رژیم صهیونیستی را

در زمره جنایتکاران جنگی قرار داده است. حال مطالبه جامعه جهانی برگزاری دادگاه عادلانه و محاکمه قاتلان کودکان و زنان فلسطینی است. ماده (۸) اساسنامه رم که سند مؤسس دیوان کیفری بین‌المللی است. از جمله ارتکاب اقدامات زیر علیه غیرنظامیان: قتل عمد، شکنجه یا رفتار غیرانسانی از جمله واردکردن رنج شدید یا آسیب جدی به بدن یا سلامت افراد، تخریب و تصرف اموال در سطح گسترده که به صورت غیرقانونی و مغرضانه انجام گیرد و نتوان آن را به دلیل ضرورت نظامی توجیه نمود، حمله عمدی به غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی مانند شهرها، روستاها، مدارس، بیمارستان‌ها، بناهای تاریخی و هر مکانی که هدف نظامی محسوب نشود و بکارگیری سلاح‌های مسموم‌کننده و گازها یا مایعات مهلک و سمی؛ از مصادیق جنایت جنگی هستند که همگی در تهاجم اخیر رژیم صهیونیستی به نوار غزه رخ داد. دیدبان حقوق بشر نیز «هدف قراردادن عمدی شهروندان غیرنظامی» را در طی یک جنگ، جنایت جنگی می‌داند.

طبق ماده (۲) و (۳) کنوانسیون منع نسل‌کشی: کشتار جمعی و قتل اعضای یک گروه ملی و قومی و نژادی یا مذهبی به عنوان یکی از اعمال مفهوم نسل‌کشی است.

دیدبان حقوق بشر اروپا - مدیترانه اعلام کرد، ارتش رژیم صهیونیستی به اندازه یک چهارم بمب هسته‌ای در نوار غزه بمب رها کرده است. همچنین در حملات به مناطق پرجمعیت شمال غربی از بمب‌های ممنوعه فسفری استفاده شده که فارغ از نبرد رژیم صهیونیستی با مقاومت اسلامی فلسطین (حماس)، آنچه در نوار غزه جریان دارد نسل‌کشی گسترده مردم فلسطین است. کارشناسان معتقدند، صهیونیست‌ها با ارتکاب جنایت جنگی گسترده در این منطقه قصد دارند مردم غزه را مجبور به ترک وطن و کوچ اجباری به سمت مصر یا اردن کنند.

سازمان عفو بین‌الملل گفت: اسرائیل با تخریب غیرقانونی منازل فلسطینیان که اکثراً بدون هیچ نوع ضرورت نظامی انجام گرفت، در درگیری اخیر با نوار غزه در ماه مه گذشته، مرتکب جنایت مجازات دست جمعی غیرنظامیان شد.

علیرضا فقیه



پژوهشگر اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق علیه السلام

نقض حقوق دسترسی به تولیدات دارویی

یکی از حقوق اولیه انسانی بشر حق بر حیات به حساب می‌آید و حق بر سلامت هم به عنوان یکی از مصادیق و نمونه‌هایی است که در راستای تضمین حق بر حیات محسوب می‌شود؛ در همین راستا حق بر دسترسی به دارو هم به عنوان یکی از اصلی‌ترین موارد تحقق حق بر سلامت مورد توجه قرار می‌گیرد.

در جنایت اخیر رژیم صهیونیستی علیه مردم فلسطین و غزه در سال ۲۰۲۳ مصداق نقض حق بر سلامت یعنی منع دسترسی مردم غزه به تولیدات دارویی توسط رژیم صهیونیستی در دستور کار قرار گرفته است و این به عنوان یکی از مصادیق علنی نقض حق بر سلامت به حساب آمده و باید بطور کامل توسط مجامع بین‌المللی حقوق بشر و کشورهای مختلف دنیا محکوم گردد.

از عنوان حق دسترسی به تولیدات دارویی در متن کنوانسیون‌های بین‌المللی اشاره‌ای بطور مستقیم نشده است؛ اما آنچه مشخص است این است که حق دسترسی به تولیدات دارویی به عنوان یکی از مصادیق مهم حق بر سلامت قابل بحث است. در ماده ۲۵ اعلامیه حقوق جهانی بشر ۱۹۴۸ هرکس حق دارد از سطح یک زندگانی برخوردار باشد که سلامت و رفاه او و خانواده‌اش از جمله خوراک و لباس و مسکن و رسیدگی‌های پزشکی آنان را تأمین کند. صریحاً به حق بر سلامت به عنوان یکی از حقوق انسانی اشاره شده است و طبیعتاً عدم اجازه و

قطع دسترسی رژیم صهیونیستی به تولیدات دارویی تحت موارد رسیدگی پزشکی در اتفاقات اخیر غزه به عنوان مصداق علنی نقض این حق به حساب می‌آید.

در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حقوق بشر ۱۹۷۶ هم در ماده ۱۲ بند۱(کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را به تمتع از بهترین حال سلامت جسمی و روحی ممکن‌الحصول به رسمیت می‌شناسند) به حق بر سلامت به عنوان یکی از حقوق اساسی ملت‌ها اشاره شده است و این ماده به نوعی الهام گرفته شده از اساسنامه سازمان بهداشت جهانی ۱۹۴۶ است که در مقدمه آن (بهره‌مندی از بالاترین استاندارد قابل حصول سلامتی، یکی از حق‌های بنیادین هر انسانی است) به این حق به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر اشاره شده است و در همین راستا عمل رژیم صهیونیستی نافی این موضوع و به عنوان ناقض این اساسنامه و میثاق به حساب می‌آید.

علاوه بر آن در کنوانسیون جلوگیری از کشتار جمعی و مجازات آن مصوب ۹ دسامبر در ۱۹۴۸ در ماده ۲ بند های ۲ و ۳ (بند ۲: صدمه شدید نسبت به سلامت جسمی و یا روحی افراد آن گروه بند/۳: قراردادن عمدی گروه در معرض وضعیت زندگانی نامناسبی که منتهی به زوال قوای جسمی کلی یا جزئی آن شود) یکی از مصادیق ژنوساید که در این معاهده اشاره شده، این است که ارتکاب عملی منجر به موضوع این بندها شود و این عمل جنایتکارانه رژیم منحوس صهیونیستی در عدم اجازه دسترسی به تولیدات دارویی می‌تواند منجر به تحقق بندهای ۲ و ۳ مصداق نسل‌کشی این قانون به حساب بیاید. بطور کلی در اسناد دیگر بین‌المللی (از قبیل: الف) ماده ۵ کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی ب) مواد ۱۱ و ۱۲ کنوانسیون امحاء کلیه اشکال تبعیض علیه زنان ج) ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق کودک د) ماده ۱۱ منشور اجتماعی اروپا ه) ماده ۱۶ منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم) نیز به حق سلامت اشاره شده و این عمل رژیم صهیونیستی در راستای منع دسترسی به تولیدات دارویی در واقع ناقض هر یک از این موارد است و بطور صریح عملی مجرمانه و جنایتکارانه علیه ملت فلسطین و بشریت به حساب می‌آید و باید توسط همه کشورهای و مجامع بین‌المللی مورد محاکمه و بازخواست قرار گیرد.

علی محمد حسینی



پژوهشگر اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق علیه السلام

حق دفاع مشروع در تنش بین رژیم صهیونیستی و غزه در عملیات طوفان الاقصی سال ۲۰۲۳

با توجه به حمله جنبش حماس به مواضع اسرائیل از طرق زمینی و هوایی این شبهه مطرح است که آیا رژیم صهیونیستی می‌تواند در پاسخ حق حیات مردم فلسطین را سلب کند و خاک غزه را مورد هدف قرار دهد و اقدام به تخریب منازل و بیمارستان‌ها و آواره کردن هزاران خانواده و تحریم‌های مختلف نماید یا خیر؟

استناد به حق ذاتی دفاع مشروع که در ماده ۵۱ منشور ملل متحد نیز درج شده یکی از مهمترین مبانی حقوقی بین‌المللی است که نقش پُررنگی را برای اسرائیل در مشروعیت بخشیدن به اقدامات نظامی خود در خاک فلسطین ایفاء نموده. شایان به ذکر است که ماده ۵۱ منشور در کنار فصل هفتم آن به عنوان تنها استثنای بند ۴ ماده ۲ منشور که کلیه اعضای ملل متحد را در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد مایبند داشته باشد، منع می‌کند، شناخته می‌شوند.

برای بیان مفهوم دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل باید ابتدا واژه تجاوز مورد شناسایی قرار گیرد و آیا اینکه حملات فلسطین و حماس به اسرائیل تجاوز محسوب می‌شود یا خیر؟

ماده ۱ قطعنامه تعریف تجاوز، تصریح می‌کند:

تجاوز عبارت است از کاربرد نیروی مسلح توسط یک دولت علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولتی دیگر، یا کاربرد آن از دیگر راه‌های مغایر با منشور ملل متحد آنچنان که در تعریف آمده است.

همانطور که در تعریف آمده تجاوز دولتی علیه حاکمیت و تمامیت ارضی یا استقلال ارضی دولت دیگر، اما ما در مسئله عملیات طوفان الاقصی با رژیمی مواجه هستیم که مشروعیت آن زیر سوال است.

با توجه به موارد زیر ما رژیم صهیونیستی اسرائیل را به عنوان یک کشور مستقل و حکومت شناسایی نمی‌کنیم:

۱. مبنای شکل‌گیری رژیم صهیونیستی و عدم مشروعیت آن: با وجود (قطعنامه مشکوک ۱۸۱ مجمع عمومی سازمان ملل) در بیست و نهم نوامبر ۱۹۴۷ مبنی بر تشکیل یک دولت جدید به نام اسرائیل مبنای استقرار این دولت، مشروعیت ایجاد و تداومی ندارد. اسرائیل براساس وعده انگلیسی‌ها به یهودیان صهیونیست جهت ایجاد یک دولت یهودی برای آنها با اعلامیه بالفور که متضمن بخشش سرزمینی به صهیونیست‌ها است که متعلق به انگلیسی‌ها نبود و متعاقب آن (قطعنامه ۱۸۱ ایجاد می‌شود) و با اجبار و بهره‌بردن از نیروی نظامی حق تعیین سرنوشت فلسطینیان را به کلی ضایع کرده است.

۲. عدم توان کنترل قلمرو ادعایی و نرسیدن به آرمان حکومت از نبل تا فرات

۳. با توجه به تعریف حقوق بین‌الملل از کشور، رژیم غاصب هیچ کدام از عناصر جمعیت، سرزمین، استقلال و حاکمیت کامل ندارد.

۴. اعمال تروریستی

پس با توجه به موارد بالا در عملیات طوفان الاقصی تجاوزی صورت نگرفته که نیازمند دفاع مشروعی باشد و حملات حماس و فلسطینیان در پاسخ به اقدامات رژیم غاصب بوده است. اقداماتی همچون:

کوجاندن اجباری مردم از سرزمین اصلی خود: ۷۲ درصد فلسطینی‌هایی که به غزه آمدند، آوارگان سال ۱۹۴۸ هستند که از مناطق عسقلان و بئر السبع آمدند و به اجبار از آنجا اخراج شدند.

شهرک سازی و تخریب منازل فلسطینیان: قطعنامه ۲۳۳۴ شورای امنیت سازمان ملل ۲۳ دسامبر ۲۰۱۶ در این راستا تصویب شد. این قطعنامه خواستار پایان دادن به شهرک سازی‌های اسرائیل در سرزمین‌های اشغال‌شده طی جنگ شش‌روزه ۱۹۶۷ بود.

حفاری و به آتش کشیدن مسجد الاقصی و تلاش برای ورود به آن

اشغال سرزمین‌هایی که غیر از قطعنامه تقسیم معین شده بود.

تجاوز به حقوق بشر و حقوق بشردوستانه: مجموعاً تاکنون بیش از ۱۸۰ قطعنامه سازمان ملل (مجمع عمومی، کمیسیون حقوق بشر، شورای حقوق بشر، آنروا و...) به محکومیت اقدامات رژیم صهیونیستی پرداخته‌اند. این اقدامات از یک سوبه دلیل اعمال رفتارهای نژاد پرستانه اسرائیلی‌ها نسبت به اخراج فلسطینیان و تصرف اراضی آنها می‌باشد و از سوی دیگر به دلیل عدم رعایت قواعد حقوق جنگ و توسل دروغین به مسئله «دفاع مشروع» می‌باشد. مضافاً اینکه اسرائیلی‌ها نشان داده‌اند تصفیه نژادی و نسل‌کشی فلسطینی‌ها و مردم کشورهای همسایه از جمله لبنان از مهمترین سیاست‌های راهبردی آنها در بدست آوردن سرزمین می‌باشد.

اکنون پس از بیان تعریف تجاوز به بیان دفاع مشروع می‌پردازیم:

دفاع مشروع را در حقوق بین‌الملل می‌توان این چنین تعریف کرد: «دفاع مشروع حقی است که کشورها براساس آن می‌توانند از خود و همچنین از کشورهایایی که با آنها همبستگی سیاسی و امنیتی دارند در مقابل حمله مسلحانه با عکس العمل نظامی فوری به طور انفرادی یا جمعی دفاع نمایند.»

بنابراین در مسئله اسرانبیل هرگونه اعمال زور بر اساس دفاع مشروع در موردی که تجاوزی صورت نگرفته باشد، خود ماهیت تجاوزکارانه خواهد داشت و رژیم غاصب حق سلب حیات فلسطینیان را نخواهد داشت.

دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان رکن قضایی سازمان ملل متحد گرچه دفاع مشروع را مطابق با حقوق بین‌الملل عرفی حق ذاتی دولت‌ها به حساب می‌آورد اما در قضایای مختلف بر دو اصل اساسی «ضرورت» و «تناسب» تأکید می‌کند و بکارگیری قوای نظامی را در چارچوب حق دفاع مشروع بر پایه این دو اصل عملی مجاز بر می‌شمارد. به موجب اصل ضرورت، دفاع از آسیب جبران‌ناپذیر به حقوق اساسی دولتی که مورد تجاوز قرار گرفته است نباید جز از راه توسل به زور امکان پذیر باشد و به موجب اصل تناسب دفاع باید در مقیاس و اندازه حمله یا کمتر از آن باشد و نه بیشتر از آنچه که در حمله صورت گرفته است.

اما همانطور که در عملیات طوفان الاقصی شاهد آن هستیم، اصل تناسب رعایت نشده است و اسرانبیل در پاسخ به حملات راکتی حماس به مواضع نظامی رژیم غاصب، در مقیاس بزرگتری اقدام به حمله و سلب حق حیات فلسطینیان نموده که در ادامه به چند مورد از آن اشاره می‌شود:

۱. هدف قرار دادن بیمارستان المعمدانی و کشته شدن بیش از ۲۰۰۰ زن و کودک بی‌گناهی که به آنجا پناه برده بودند و ماده ۱۵ کنوانسیون چهارم ژنو به صراحت ممنوعیت حمله به بیمارستان‌های غیرنظامی را ممنوع اعلام می‌کند.

۲. بمباران و تخریب محله‌های مسکونی و غیرنظامی با استفاده از بمب‌های فسفری. از جمله اصول حاکم بر جنگ در نظام حقوق بین‌الملل معاصر، اصل تمکیک است. براساس مواد ۴۸، ۵۱ و ۵۲ پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون‌های ژنو، حملات فقط می‌تواند علیه رزمندگان انجام گیرد و نباید متوجه افراد غیرنظامی باشد.

۳) نقض حقوق دسترسی به تولیدات دارویی

۴) تحریم کالاها اساسی به ویژه آب و برق

۵) نقض حقوق اسرای نظامی و غیرنظامی فلسطینی در زندان‌های رژیم صهیونیستی

۶) بایکوت خبری اسرانبیل و قطعیت اینترنت در فلسطین و تعارض آن با حقوق ارتباطات انسانی

۷) ممانعت از ارسال کمک‌های بشردوستانه به مردم فلسطین

با توجه به عدم رعایت اصول و موارد مذکور در دفاع مشروع توسط اسرانبیل و همچنین نامشروع بودن دفاع پیش‌دستانه، جنایات انجام شده در غزه از مصادیق بارز جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی می‌باشد و مراجع بین‌المللی صالح به رسیدگی جنایات علیه حقوق بشر و جرائم نسل‌کشی باید موضوع را مورد بررسی قرار دهند و اقدامات رژیم صهیونیستی را محکوم کنند.



ابعاد حقوقی حمله به تأسیسات عمومی و منابع زیستی

خبری که طی هفته اخیر بسیار مورد بازتاب خبری، سیاسی و بین‌المللی قرار گرفته، حملات جبهه مقاومت اسلامی حماس در مقابل رژیم صهیونیستی بر پایه دفاع مشروع است و حادثه مذکور ابعاد حقوقی بسیاری به جا گذاشته است. در این یادداشت سعی شده هر چند کوتاه به مسئله حمله رژیم منحوس صهیونیستی به تأسیسات عمومی و منابع زیستی بپردازیم.

حملات اخیر نمونه بارزی از نقض قواعد متعدد عرفی، کنوانسیون‌ها و برخی از آراء دادگاه کیفری بین‌المللی در حقوق بین‌الملل بوده است. در این حملات مراکز آتش‌نشانی، بیمارستان‌ها و مراکز درمانی و تأسیسات مربوط به آب آشامیدنی و فاضلاب هدف بمباران‌های سنگین و هدفمند رژیم مذکور قرار گرفته است. ابتدا به ابعاد حقوقی حمله به تأسیسات آب آشامیدنی می‌پردازیم.

این مسئله معمولاً در دو پروتکل الحاقی مصوب سال ۱۹۷۷ مورد بررسی و استناد قرار می‌گیرد (ماده ۵۴ پروتکل اول الحاقی و ماده ۱۴ پروتکل دوم الحاقی) بخشی از مواد مذکور:

ماده ۱۴: حمله، تخریب، حذف یا بی‌مصرف کردن اشیاء ضروری برای بقای مردم از جمله تأسیسات و تجهیزات آب آشامیدنی

به دلیل اهمیت این مسئله این ماده تقریباً بطور کامل در ماده ۵۴ پروتکل دوم الحاقی همان سال (۱۹۷۷م). تکرار گردیده و به آن قسمتی برای تبیین هدف و انگیزه حملات اضافه گردیده است. ماده ۵۴: حمله، تخریب، حذف... اشیاء مورد استفاده غیرنظامیان مانند... تأسیسات و تجهیزات آب آشامیدنی و آبیاری ممنوع است. هدف خاص از انکار آن‌ها بخاطر ارزش رزق و روزی آن‌ها برای جمعیت غیرنظامی یا طرف مخالف، صرف نظر از انگیزه، خواه به منظور گرسنگی دادن به غیرنظامیان، کوچ کردن آنها یا هر انگیزه‌ای. در ماده ۵۴ به هدف و انگیزه نیز اشاره شده است.

براساس شواهد و قرائن موجود، کیفیت آب آشامیدنی فلسطین در حالت غیرجنگی دارای استاندارد کافی نیست. پس می‌توان عملیات‌های نظامی رژیم منحوس صهیونیستی را تیر خلاصی برای منابع زیستی آب آشامیدنی ملت مظلوم فلسطین دانست از جمله این عوامل مخرب می‌توان تأثیرات مخرب بمب‌ها و سلاح بیولوژیکی فسفری (کنوانسیون ژنو ۱۹۲۵) و خرابی‌های ناشی از عملیات نظامی را برشمرد. موضوع مورد بحث بعدی حمله به تأسیسات عمومی بهداشتی و آتش‌نشانی‌ها است که در قانون حقوق بشردوستانه و قرارداد ژنو در مورد حمایت از غیرنظامیان و برخی کنوانسیون‌های دیگر به آن اشاره شده است. در مواد ۱۸ و ۲۱ قرارداد ژنو در مورد حمایت از غیرنظامیان به آن پرداخته شده است. بمباران این مراکز با هدف ایجاد مشقت برای غیرنظامیان و تحمیل کوچ اجباری به این ملت مظلوم ناقض جدی حقوق بشر و کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ می‌باشد. ماده ۱۸ به عدم حمله به بیمارستان‌ها توسط دولت متخاصم می‌پردازد. ماده ۲۱ نیز به عدم حمله دولت متخاصم به وسایل نقلیه بیمارستانی می‌پردازد.

علاوه بر موارد فوق اینگونه عملیات‌های نظامی هدفمند با روش بخطر انداختن اشیاء ضروری برای بقای غیرنظامیان شامل ماده ۷ و ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز می‌باشد.

از جهت اشاره به منابع دینی و حقوق بشر در اسلام نیز این عمل منفور شمرده می‌شود. در بند (ب) ماده ۳ اعلامیه حقوق بشر در اسلام ۱۹۹۰ قاهره به این مورد اشاره گردیده است. از مقررات شرعی موجود در فقه امامیه از جمله کتب جواهر الکلام و آثار الحرب فی فقه الاسلام و آیات قرآن و احادیث در مورد جنگ می‌توان به اصول مرتبط ذیل اشاره کرد:

- خودداری از مسموم کردن آب و طبیعت مورد استفاده دشمن و محروم ساختن وی از آب

- آلوده نکردن آب یا غذای دشمن

از جامعه جهانی علی‌الخصوص امت اسلام انتظار می‌رود ضمن محکوم کردن اشغال فلسطین در جستجوی راه حلی بلندمدت و کاربردی و در عین حال اصولی برای قضیه فلسطین باشند.



حمایت آمریکا و دول اروپایی از جنایت‌های رژیم صهیونیستی علیه زنان و کودکان و غیرنظامیان فلسطینی

در سال ۲۰۲۳ درگیری شدیدی میان گروه‌های مقاومت و رژیم غاصب صهیونیستی رخ داد که در عین قساوت و در تقابل با قوانین بین‌الملل شاهد آن هستیم که رژیم صهیونیستی اقدام به کشتار جمعی زنان و کودکان بی‌گناهی کرده که هیچ نقشی در درگیری نداشته‌اند و بر فرض داشتن نقش، مقاومت در برابر رژیمی متخاصم، مهاجم و متجاوز را طریقت

خویش قرار داده‌اند.

در عرض این جنایت شاهد آن هستیم که ایالات متحده آمریکا و دول اروپایی رسماً و بطور مستقیم از این رژیم حمایت کرده و نزدیکان ترقی جنایت او و آتش‌افروزی کوره آدم‌کشی‌اش شده‌اند. این نوشته به بررسی ابعاد و نقد این همکاری خواهد پرداخت.

خداوند متعال در سوره مبارکه هود آیه ۱۱۳ می‌فرماید: «ولا تركنوا إلى الذين ظلموا فتمسکم النار و ما لکم من دون الله من اولیاء ثم لا تقولون» (تکیه بر ظالمان نکنید که آتش شما را فرا می‌گیرد و جز خدا ولسی و سرپرستی نخواهید داشت و از سوی هیچ‌کس یاری نمی‌شوید.) این یک اصل عقلی است که هرکس ظالم را در ظلمش همراهی و معاونت کند مانند او ذغال‌اندود ننگ این هم‌پایی خواهد شد.

در چارچوب قصاب این نوشته غم‌آلود نمی‌گنجد که از مصادیق جنایات رژیم صهیونیستی علیه مردم مظلوم فلسطین سخن گوید لاجرم از مصادیق به خرد و به رشحه‌ای از آن اکتفا خواهد شد.

رژیم صهیونیستی بیمارستان المعمدانی در حالی هدف بمب آمریکایی قرار داد که چندی پیش خود آنجا را مکانی امن برای غیرنظامیان ترسیم کرده بود. طبق آمار رسمی ۵۰۰ نفر و طبق برخی دیگر از منابع بیش از هزار نفر در این بمباران به شهادت رسیده‌اند. دو دیگر حمله به یک مدرسه که محل تجمع آوارگان فلسطینی که چندی پیش خانه‌هایشان ویران شده بود و حمله به کلیسایی که قدمت آن از هزار و پانصد سال تجاوز می‌کرد. سه‌دیگر بمباران کور و بدون هدف مناطق مسکونی که منجر به شهادت هزاران نفر گردیده است. طبق کنوانسیون پیشگیری و مجازات نسل‌کشی ۱۹۴۸ پاریس این موارد مصداق بارز نسل‌کشی (ژنوساید) است. این کنوانسیون نسل‌کشی را چنین تعریف می‌کند: تلاش عمدی برای نابودی کامل یا جزئی یک گروه براساس ملیت، قومیت، نژاد یا مذهب آن‌ها.

این در حالی است که ایالات متحده آمریکا و دول اروپایی رسماً از این جنایت حمایت کرده و مهر تأیید بر جنایتی می‌زنند که در تمام معاهدات و قطعنامه‌ها و میثاق‌های بین‌المللی منفور و ممنوع است. همانطور که اشاره شد بمبی که تازیانه بر رگ و پی حیات زن و کودک مقیم در بیمارستان المعمدانی زد ساخته آمریکا و ارسالی از سمت آن‌ها بوده است. همچنین بایدن رئیس جمهور آمریکا اظهار داشت: «من فقط برای یک پیام ساده به اسرانبیل رفتم تا به آن‌ها بگویم تا زمانی که آمریکا هست شما تنها نیستید.» ضمناً سنای آمریکا با ۹۷ درصد رأی مثبت و بدون رأی مخالف قطعنامه‌ای برای حمایت از رژیم صهیونیستی تصویب کرد و در آخر هم شاهد بودیم که سوناک نخست‌وزیر انگلیس پشتیبانی تمام‌قد از اسرانبیل و جنایات وحشیانه او علیه فلسطین به عمل آورد.

تمام مصادیق مزبور نقض واضح حقوق بشر در مقابل انظار جهانیان است.

در سال ۱۹۴۸ وقتی منشور حقوق بشر تصویب شد، بشر رویایی در سر پروراند که فرض عدم آن را الزام می‌کرد. در ماده ۳ این منشور از حق حیات سخن به میان می‌آید، حقی که بس بزرگ و بنیادین برای هر فرد است.

در منشور سازمان ملل متحد ماده (۱) را می‌بینیم که اهداف و مقاصد ملل متحد را بر پیشانی تاریخ زرکوب می‌کند از حفظ صلح و امنیت و توسعه روابط دوستانه سخن به میان می‌آورد. ماده ۶ کنوانسیون حقوق کودک سخن از حقوق ذاتی کودک برای زندگی می‌گوید، در حالیکه جرگه عظیمی از کشتگان حملات رژیم صهیونیستی کودکان بودند، همچنین در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در ماده ۲ و ۵ شاهد اذعان به حق حیات و حق آزادی و امنیت هستیم. پله بعد میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است. در بند ۳ ماده ۲ شاهد تعهد دول مبنی بر تضمین ترتیب اثر نسبت به تظلماتی که حقانیت آن محرز شده، هستیم و در ماده ۶ مکرراً تکرار می‌کند که حق حیات و زندگی حقی

غیرقابل سلب است.

ماده ۳ قرارداد ژنو راجع به حمایت از افراد غیرنظامی اشاره به وجوب رفتار انسانی با کسانی دارد که دخالت در جنگ ندارند. حال با وجود این همه جنایت رژیم صهیونیستی شاهد هستیم که آمریکا و دولت‌های اروپایی تمام‌قد در کنار اسرانبیل ایستاده‌اند و از او همه‌جانبه حمایت می‌کنند. معاهده تجارت تسلیحات ۲۰۱۴ که ۱۰۱ عضو دارد دقیقاً هدفی دارد که این جرگه به وضوح آن را نقض می‌کند، بدین قرار که هدف جلوگیری از انتقال غیرقانونی اسلحه به تروریست‌ها و سازمان‌های جنایتکار است.

حال شاید این پرسش مطرح شود که مگر اسرانبیل یک گروه تروریستی است؟ چه بسیار کشورها او را به عنوان یک دولت به رسمیت شناخته‌اند.

در فصل ۲۲ بند ۳۸۶ قانون اساسی آمریکا تعریفی از تروریست به چشم می‌خورد: ارتکاب خشونت از پیش اندیشیده یا انگیزه سیاسی علیه اهداف غیررزمی توسط گروه‌های فرعی ملی یا زیرزمینی یا در جای دیگر تروریست ارتکاب خشونت از پیش اندیشیده برای تغییر مذهبی یا ایدئولوژیک تعریف شده است. همچنین نماینده کویت در سازمان ملل از ترکیب ارهاب الدولی (تروریست دولتی) استفاده کرد که بسیار شایسته این رژیم است.

محمد روشنی

پژوهشگر اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق علیه السلام

ممانعت از ارسال کمک‌های بشردوستانه به مردم فلسطین در سال ۲۰۲۳

کمک‌های انسان دوستانه (انگلیسی: Humanitarian aid) ارائه کمک‌هایی به صورت مواد و تدارکات به مردم نیازمند است. معمولاً این کمک‌ها کوتاه مدت است تا در دراز مدت توسط دولت و نهادهای دیگر جایگزین شوند و اغلب به آوارگان، قربانیان بلایای طبیعی، جنگ و قحطی تعلق می‌گیرد. هدف اصلی کمک‌های انسان دوستانه نجات جان انسان‌ها و کاهش درد و رنج و احترام به کرامت انسانی است. کمک‌های انسان دوستانه ارائه مواد یا کمک‌های تدارکاتی با اهداف بشردوستانه است که به طور معمول در مقابل یک بحران انسانی مانند بلایای طبیعی و فاجعه‌هایی که انسان مسبب آن است انجام می‌شود. هدف اصلی از کمک‌های انسان دوستانه نجات زندگی افراد، کاهش درد و رنج و حفظ کرامت انسانی آن‌ها است؛ بنابراین ممکن است از کمک‌هایی که برای توسعه ارائه می‌شود و به دنبال تحول‌های اساسی عوامل اجتماعی-اقتصادی است که می‌تواند به یک بحران یا اضطرار منجر شود متمایز باشد.

تعریف کمک‌های بشردوستانه

کمک‌های بشردوستانه یا انسان دوستانه از جمله کمک‌هایی است که به مردم نیازمند می‌شود. این دسته از کمک‌ها می‌تواند از نوع تدارکاتی و یا احساساتی باشد. کمک‌های بشردوستانه اغلب به افرادی می‌شود که قربانیان جنگ، بلایای طبیعی و... هستند. هدف از این کمک‌ها نجات زندگی افراد، کاهش درد و رنج، حفظ کرامت انسانی و... است. در زمانی که مردم یک شهر دچار یک بلای طبیعی می‌شوند؛ مردم سراسر کشور همکاری می‌کنند تا نیازها و تدارکات موردنیاز آن‌ها را فراهم کنند. انسان‌ها نه تنها حق دارند بلکه مکلفند به انسان‌های نیازمند در هر جای دنیا کمک کنند. در زمان بروز فجایع انسانی ناشی از جنگ یا حوادث طبیعی هر انسانی تعهد اخلاقی دارد به کمک که قابل پیش‌بینی و یا پیشگیری نیستند در جای جای دنیا رخ می‌دهد و انسان‌هایی را متأثر می‌سازد.

افزون بر بلایای حاصل از حوادث طبیعی جنگ‌ها و خشونت‌های متأسفانه روز افزون حیات سلامتی آرامش و آسایش انسان‌هایی را بر هم می‌زند که نه تنها دخالتی در آن منازعات ندارند، بلکه از رخداد آن خرسند هم نیستند. در مواردی دولت‌های مبتلا به بحران و وضعیت اضطراری توان تأمین نیازمندی‌های ضروری مردم را ندارند یا در تأمین

آنها در مشقت شدید قرار دارند در چنین وضعیتی بی گمان همه ملت‌ها و دولت‌ها تعهد اخلاقی دارند تا برای رفع معضلات و نجات ملت آسیب دیده مساعدت کنند، چنانکه دولت ناتوان اخلاقاً ملزم است کمک‌های انسان دوستانه را بپذیرد و شرایط رساندن آن به نیازمندان را فراهم سازد. ارائه کمک‌های بشردوستانه از بارزترین مصداق‌های روابط دوستانه و همکاری در قلمرو جهانی محسوب می‌شود که بیگمان بر پایه اخلاق استوار است. تفاوت حقوق بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشر

بین الملل

حقوق بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشر بین الملل دو نظام حقوقی متمایز از یکدیگر و در عین حال مکمل هستند. هر دو نظام دغدغه حمایت از جان، سلامت و کرامت افراد را دارند. حقوق بین‌المللی بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه بکار می‌رود در حالی که حقوق بشر ناظر بر تمامی زمان‌ها، چه در جنگ و چه در صلح، است. هر دو حقوق بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشر در زمان مخاصمات مسلحانه اعمال می‌شوند. تفاوت اصلی در کاربرد آنها در آن است که حقوق بشر بین الملل به دولت‌ها اجازه می‌دهد تا چنانچه با شرایط اضطراری مواجه شدند تعدادی از حقوق انسانی را به حالت تعلیق درآورند. حقوق بین‌المللی بشردوستانه را نمی‌توان به حالت تعلیق درآورد (مگر در شرایط عنوان شده در ماده ۵ کنوانسیون چهارم ژنو)

با این وجود، دولت‌ها نمی‌توانند حقوق اساسی خاصی را که باید در تمامی شرایط محترم شمرده شوند به حالت تعلیق درآورند. این حقوق عبارتند از حق حیات، ممنوعیت شکنجه و مجازات یا رفتار غیرانسانی، ممنوعیت برده داری و کار اجباری، اصل مشروعیت و عطف به ماسبق نشدن قانون و حق آزادی اندیشه، عقیده و مذهب.

دولت‌ها برای احترام و پیاده سازی حقوق بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشر مسئولیت حقوقی دارند. پذیرش حقوق بین‌المللی بشردوستانه مستلزم آن است که دولت‌ها قوانین ملی مربوط به پیاده سازی الزامات این حقوق را معرفی نموده و ارتش خود را در این زمینه آموزش داده و افرادی که این حقوق را نقض کنند به پای میز محاکمه کشانند. حقوق بشر نیز حاوی مفادی است که دولت‌ها ملزم به وضع قوانین و انجام اقدامات مناسب با پیاده سازی قواعد آن و مجازات ناقضان می‌کند. حقوق بین‌المللی بشردوستانه بر مبنای کنوانسیون‌های ژنو و لاهه، پرتکل‌های الحاقی و مجموعه معاهدات حاکم بر ابزار و روش‌های جنگ افروزی همچون معاهدات منع سلاح‌های لیزری کورکننده، مین‌های زمینی و سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی، و همین‌طور حقوق عرفی قرار داده شده است.

ممانعت اسرائیل از ارسال کمک‌های بشردوستانه به مردم فلسطین بنا بر گزارش رویترز، دفتر بنیامین نتانیاهو اعلام کرد: در حال حاضر هیچ توافقی در مورد آتش‌بس یا ورود کمک‌های بشردوستانه به غزه در ازای خروج اتباع خارجی‌ها وجود ندارد.

بررسی قوانین در سطوح بین الملل

۲- تعهد دولت به ارائه و پذیرش کمک‌های بشردوستانه

۱-۲- تعهد به ارائه کمک‌های بشردوستانه

در نظام حقوق بین‌الملل دولت‌ها تعهد حقوقی بر ارائه کمک‌های بشردوستانه ندارند. در این فقدان تعهد حقوقی تفاوتی میان موقعیت مخاصمه مسلحانه و فجایع حاصل از سوانح و مصائب طبیعی وجود ندارد البته استنادی غیر الزامی ارائه چنین کمک‌هایی را توصیه می‌کنند که تأکیدی است بر تعهد اخلاقی دولت‌ها دومین کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ در سال ۱۸۶۹ به این نکته اشاره داشت که جوامع صلیب سرخ باید کمک‌های بشردوستانه را در زمان بروز فجایع که انسان‌هایی نیازمند امداد فوری و سازمان یافته‌اند، ارائه نمایند در بیست و یکمین کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ و هلال

احمر در سال ۱۹۶۹ اصول و قواعد صلیب سرخ برای عملیات امدادی در زمان بروز بلایا به تصویب رسید این سند تنها یک سند داخلی برای کمیته صلیب سرخ و هلال احمر محسوب نمی‌شود بلکه سندی است که پاره‌ای از دول عضو کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو نیز آن را مورد پذیرش قرار داده‌اند. این سند ارائه و نیز دریافت کمک‌های بشردوستانه را از حقوق اساسی مردم تلقی نموده اعضای کمیته را موظف کرده است که کمک‌های بشردوستانه را با رعایت اصل بی طرفی و بدون هیچگونه تبعیض به آسیب دیدگان و نیازمندان ارائه نمایند (۲۰:۲۰۱۱ Spieker, Heike) پر واضح است تلقی دریافت کمک‌های بشردوستانه به عنوان حقوق اساسی مردم دلالت روشنی دارد بر تعهد دولت‌ها به ارائه با این همه این سند را باید تأکید فوق العاده بر تعهد اخلاقی دولت‌ها تلقی نمود.

(قطعه‌نامه ۱۸۲/۴۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد) از دیگر اسنادی است که بر کمک‌های بشردوستانه تأکید می‌کند اصول راهنمایی که به این سند پیوست است، بر لزوم ارائه کمک‌های بشردوستانه به قربانیان بلایبای طبیعی و سایر وضعیت‌های اضطراری تصریح کرده است (۱۹۹۱ UNDOC, مجمع در قطعه‌نامه دیگری در سال ۲۰۰۲ بر این نکته تأکید می‌ورزد که تعهدات رسمی دولت‌ها برای ارتقای همکاری‌های بین‌المللی در حوزه حقوق بشر و برای رفع مشکلات بشر کاملاً با منشور ملل متحد مطابقت دارد.

۲-۲- تعهد به پذیرش کمک‌های بشردوستانه

بی تردید تأمین حقوق اقتصادی مردم چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ تکلیف دولت‌هاست دولت‌ها در رعایت نسل دوم از حقوق بشر یعنی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تعهد مثبت و به تعبیر درست‌تر و رساتر تعهد به مداخله و اقدام دارند. گرچه تعهد به تأمین این حقوق تعهد به وسیله است نه نتیجه اما این مسئله مسلم است که دولت‌ها نباید از هیچ‌گونه تلاشی برای تحقق و تأمین این دسته از حقوق پر اهمیت دریغ ورزند. این تعهد اولیه که در ادبیات حقوق بین‌الملل امروز از آن به «مسئولیت حمایت» یاد می‌شود، در وضعیت بروز فجایع انسانی ناشی از رخداد بلایبای طبیعی یا مخاصمات مسلحانه داخلی و بین‌المللی پر اهمیت تر جلوه می‌کند بر پایه نظریه مسئولیت حمایت که به باور نگارنده از پایه‌های محکم اخلاقی برخوردار است تعهد اولیه در تأمین نیازمندی‌های قربانیان وضعیت‌های اضطراری ناشی از جنگ یا سوانح طبیعی بر عهده دولت متبوع آنان است. تکلیف به پذیرش کمک‌های بشردوستانه نتیجه قطعی مسئولیت حمایت است. اگر دولتی که فاجعه انسانی در قلمرو و تحت صلاحیت او رخ داده است از تأمین نیازمندی‌های قربانیان ناتوان است، نه تنها نباید خودسرانه و به بهانه نقض حاکمیت از دریافت امداد و کمک دولت‌های دیگر خودداری کند بلکه همچنین موظف است از هیچ‌گونه کوششی برای جذب این کمک‌ها مضایقه نکند و به دولت‌ها سازمان‌های بین‌المللی و نیز نهادهای مردم نهاد در ایصال کمک‌های بشردوستانه مساعدت کنند در غیر این صورت از عهده مسئولیت حمایت و تعهد در تأمین حقوق اقتصادی بشر بر نیامده است به ویژه در حالتی که به سبب وضعیت بحرانی فقدان خوراک و پوشاک و سرپناه حق حیات انسان‌ها در معرض مخاطره قرار دارد حق حیات بنیادی‌ترین حق انسان به شمار می‌رود که حق پر اهمیتی چون حق بر کرامت منزلت و حیثیت متوقف بر حیات انسان است.

آنچه گفتیم مطابق تفسیر موسع از نظریه «مسئولیت حمایت» است. بر پایه تفسیر مضیق حاکمیت مدار که در سند نهایی اجلاس سران نیز منعکس است مسئولیت حمایت منحصراً بر تعهد جامعه بین‌المللی بر صیانت از اتباع دیگر دولت‌ها در قبال چهار جرم دهشتناک نسل زدایی، جرائم جنگی جنایات علیه بشریت و پاکسازی قومی متمرکز است سران دولت‌ها در اجلاس ۲۰۰۵ مجمع عمومی ملل متحد گزارشی از دبیر کل را به عنوان

سند نهایی مورد تصویب قرار دادند که «مسئولیت حمایت» را به رسمیت شناخته است. دو بند ۱۳۸ و ۱۳۹ این سند به مسئولیت حمایت اختصاص دارد مطابق بند ۱۳۸ هر دولتی مسئول حمایت از مردم خود در برابر جرائم چهارگانه مزبور. است این مسئولیت، تعهد به پیشگیری را هم در بر دارد. جامعه بین‌المللی باید با استفاده از طرق مناسب دولت‌ها را به اجرای این مسئولیت تشویق و مساعدت کند. در بند ۱۳۹ نیز نخست بر مسئولیت جامعه بین‌المللی تأکید می‌کند که از طریق سازمان ملل متحد و با استفاده از روش‌های دیپلماتیک انسان دوستانه و دیگر طرق مسالمت آمیز مطابق با فصل ۶ و ۸ منشور در امر حمایت از مردم در قبال نسل زدایی جنایت جنگی جرائم بر ضد بشریت و پاکسازی قومی مساعدت نماید.

تعهد دولت‌ها به پذیرش کمک‌های بشردوستانه در وضعیت مخاصمات مسلحانه ادله و مستندات روشن‌تری دارد بر پایه (ماده ۷۰ پروتکل اول الحاقی) در مواردی که غیر نظامیان یک طرف مخاصمه امکانات کافی مانند غذا و تجهیزات پزشکی ندارند دولت متعهد است با عملیات امدادی در سرزمین خود که ماهیت بشردوستانه دارد و بیطرفانه و بدون تبعیض اعمال می‌شود موافقت نماید و نباید این کمک رسانی را عملی غیر دوستانه تلقی کند. کنوانسیون چهارم ژنو دولت‌ها را ملزم می‌کند که نه تنها عبور آزاد و بلا مانع محموله‌های دارویی و بیمارستانی که باید به غیرنظامیان برسد را اجازه دهند بلکه آنها را مکلف می‌کند چنین عبوری را تسهیل نمایند (ماده ۲۳ کنوانسیون چهارم ژنو). دولت‌ها همچنین باید «عبور آزاد و بدون مانع محموله‌های مواد اصلی، غذایی، پوشاک داروهای تقویتی برای کودکان زیر پانزده سال و مادران باردار را اجازه داده و تسهیل نمایند.» (بند ۲ ماده ۷۰ پروتکل اول الحاقی). کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تعهد دولت‌ها به تسریع و تسهیل در ایصال کمک‌های بشردوستانه را قاعده عرفی حقوق بین الملل تلقی نموده که در درگیری‌های مسلحانه بین المللی و غیر بین‌المللی قابل اعمال است.

(قاعده ۵۵ قواعد عرفی بشردوستانه بین‌المللی) که به وسیله کمیته تدوین شده است، چنین مقرر داشته است: «طرفین مخاصمه بایستی ضمن حفظ حق خود برای اعمال کنترل همه گونه تسریع و تسهیلی را برای رسیدن کمک‌های بشردوستانه به غیرنظامیان یا بی طرفی و بی غرضی به عمل آورند. قاعده لزوم تسریع در رساندن کمک‌های بشردوستانه به غیر نظامیان در پیش نویس پروتکل دوم الحاقی نیز قید گردید و توسط کمیته دوم کنفرانس دیپلماتیک که طی آن پروتکل‌های الحاقی پذیرفته شدند نیز مورد پذیرش قرار گرفت ولی متأسفانه در آخرین لحظات به دلیل ضرورت تصویب متنی ساده‌تر حذف گردید (همان ۳۱۲). شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعنامه‌های متعدد بر این امر تصریح و تأکید کرده است. شورا در قطعنامه ۱۲۶۱ از همه طرفهای درگیر درخواست نمود: «همه توان و تلاش خود را برای کمک رسانی به کودکان و تسهیل این کمک رسانی‌ها به کار گیرند.»

به موجب (ماده ۵۴ پروتکل اول الحاقی) گرسنه نگاه داشتن غیر نظامیان به عنوان یک روش جنگی ممنوع است هیچ طرف مخاصمه مسلحانه نمی‌تواند از گرسنه نگاه داشتن غیرنظامیان به عنوان ابزار جنگی استفاده کند. ممنوعیت گرسنگی دادن به عنوان یک روش جنگی که در ماده مزبور تبلور یافته است در زمان تدوین پروتکل امری بدیع به نظر می‌رسید، اما امروز به عنوان یک قاعده مستحکم و ریشه دار در حقوق بشر دوستانه قراردادی و عرفی جای خود را باز کرده است به نوعی که در مواردی که دولت‌هایی از این قاعده تخطی کرده‌اند با تقبیح جهانی مواجه شده و یا عمل خلاف خود را انکار کرده‌اند.

ممکن است دولتی به ویژه در منازعه مسلحانه داخلی به قصد استفاده از گرسنگی به عنوان ابزار و روش جنگی از رسیدن کمک‌های بشردوستانه به نظامیان و غیرنظامیان حامی معارضان ممانعت به

عمل آورد چنین اقدامی را می‌توان نقض ماده ۵۴ دانست. شایان ذکر است که مطابق (بند ۲ ماده ۷۰ پروتکل اول الحاقی) نه تنها طرفهای مخاصمه مجاز نیستند که از رسیدن کمک‌های بشردوستانه ممانعت، نمایند بلکه دول عضو پروتکل نیز موظفند رسیدن چنین کمک‌هایی را تسهیل نمایند این تعهد در پیش نویس پروتکل دوم الحاقی نیز لحاظ گردید و توسط کمیته دوم در کنفرانس دیپلماتیک مورد پذیرش قرار گرفت ولی متأسفانه در آخرین لحظات به این دلیل که متن ساده‌تری باید در این باره تدوین شود حذف گردید (همان، ۲۱۷)

پاره‌ای از نویسندگان امتناع از پذیرش کمک‌های بشردوستانه و ممانعت از رسیدن آن به نیازمندان را با سه عنوان مجرمانه بین‌المللی، جرم جنگی جنایت علیه بشریت و نسل زدایی قابل جرم انگاری دانسته‌اند (Rottensteiner, Christa ۱۹۹۹ ۱۱-۱۰). امتناع نه تنها در مخاصمات مسلحانه بلکه در زمان بلایبای طبیعی نیز قابل تصور است. ممکن است در نتیجه رفتار عمدی اشخاصی از جمله نمایندگان دولت‌ها یا نمایندگان شورشیان کمک‌های بشردوستانه به آسیب دیدگان نیازمند نرسد و حیات سلامتی یا حیثیت آنان در معرض خطر قرار گیرد. امتناع از پذیرش کمک‌های بشردوستانه در شرایط مخاصمات مسلحانه داخلی یا بین‌المللی می‌تواند یک جنایت جنگی موضوع (ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی) تلقی گردد؛ چرا که چنین ترک فعلی می‌تواند به قتل و کشتار عامدانه تعداد زیادی از مردم منجر شود، چنانکه اگر چنین امتناع یا ممانعتی باعث ایجاد رنج و درد شود مثلاً مانع رسیدن غذا به اسیران جنگی شود می‌تواند شکنجه به شماره آید (Ibid. ۶).

(بر پایه ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری) «تحمیل عمدی شرایط زندگی از جمله محروم کردن افراد دسترسی به غذا و دارو که به نابودی بخشی از جمعیت منتهی گردد در صورتی که به عنوان جزئی از یک حمله گسترده یا نظام مند علیه جمعیت غیر نظامی با علم بدان صورت گیرد جنایت علیه بشریت تلقی می‌گردد.»

در حقوق بین‌الملل مسئولیت کیفری دولت‌ها به رسمیت شناخته نشده است. تنها افراد مسئولیت کیفری دارند و دیوان کیفری بین‌المللی صلاحیت رسیدگی به چهار جرم بین‌المللی را دارد که به وسیله افراد قابل ارتکاب است از قبیل نسل زدایی جرائم علیه بشریت جرائم جنگی و جرم تجاوز بحث ما درباره امتناع دولت‌ها از پذیرش کمک‌های بشردوستانه است. دولت‌ها فاقد مسئولیت کیفری‌اند اما نمایندگان دولت‌ها یا گروه‌های شورشی که مانع از ایصال کمک‌های بشردوستانه می‌شوند را می‌توان دارای مسئولیت کیفری دانست گرچه باید به خاطر داشت که اثبات قصد مجرمانه در ارتکاب چنین ممانعت یا امتناعی دشوار است و در نتیجه اثبات تحقق جرم به آسانی امکان پذیر نیست ولی بیگمان امتناع از پذیرش امدادهای انسان دوستانه و ممانعت از ایصال آن به قربانیان و آسیب دیدگان نیازمند به ویژه در وضعیت مخاصمه مسلحانه می‌تواند فجایع انسانی عظیمی به بار آورد بنابراین در مواردی امکان تأیید مجرمانه بودن اقدام وجود دارد.

(ماده ۲۳ کنوانسیون چهارم ژنو) به آزادی عبور برای طرفین منازعه مسلحانه پرداخته و دولت‌ها را ملزم نموده است عبور آزاد و بدون مانع را برای محموله‌های دارویی و بیمارستانی که باید به غیرنظامیان برسد، اجازه دهند و تسهیل نمایند همچنین به موجب ماده مزبور دولت‌ها موظف هستند عبور آزاد و بدون مانع محموله‌های مواد اصلی، غذایی پوشاک داروهای تقویتی برای کودکان زیر پانزده سال و بانوان باردار و مادران را اجازه دهند و تسهیل نمایند.

(کنوانسیون چهارم در مواد متعدد از جمله ۵۰، ۵۵ و ۵۶). به بیان تعهدات دولت اشغالگر پرداخته و مقرر داشته است در صورتی که تمام یا بخشی از غیرنظامیان در سرزمین‌های اشغالی امکانات لازم را نداشته باشند قدرت اشغالگر موظف است

کمک‌های امدادی سازمان‌های بشر دوستانه را بپذیرد. زمانی که کنترل دو فاکتو یک سرزمین به دولت اشغالگر واگذار شده است، رضایت او لازم است. رضایت او لازم است البته لزوم رضایت بدین معنا نیست که قدرت اشغالگر می‌تواند به صلاحیت خود از رضایت دادن امتناع ورزد در واقع قدرت اشغالگر باید از اینکه کلیه انسان‌های مقیم در قلمرو تحت اشغال او در حد کافی از چنین امکاناتی بهره مند هستند کسب اطمینان نماید و در موارد لازم کمک‌های بشردوستانه را مطالبه نماید (هنکرتز و دوسوالدیک، پیشین: ۳۱۵).

در زمان مخاصمه مسلحانه داخلی، بر پایه (بند ۲ ماده ۱۸ پروتکل دوم الحاقی) «اگر جمعیت غیر نظامی از شرایط طاقت فرسا در رنج باشند عملیات بشر دوستانه و بیطرفانه در صورت رضایت قدرت حاکم انجام می‌شود اما در شرایط استثنایی که تعیین قدرت حاکم غیر ممکن است با توجه به این حقیقت که کمک به قربانیان مهم‌ترین اولویت است و تأخیر در آن مجاز نیست، رضایت قدرت حاکم مفروض تلقی می‌شود» (Sandoz, ۱۴۷۰; Yaves, et al., OP.Cit).

کارکنان هیئت‌های امداد بشردوستانه باید محترم شمرده شوند و مورد حمایت قرار گیرند. این مسئله را می‌توان جزء قواعد عرفی حقوق بین الملل بشردوستانه دانست که طرفهای درگیر در مخاصمه باید آزادی حرکت کارکنان مجاز از ارائه کمک‌های بشر دوستانه را که برای انجام دادن وظایفشان ضروری است تضمین نمایند طرفین منازعه تنها در صورتی که ضرورت قطعی نظامی ایجاب کند می‌توانند حرکت آنها را به طور موقت محدود نمایند (آنتونی پ و مالرب، ۱۳۸۲ ۱۹۸ و ۳۱۹).

(بر پایه بند ۲ ماده ۸ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری) ممانعت عمدی از کمک‌رسانی بشر دوستانه که خود زیر مجموعه گرسنگی دادن جمعیت غیر نظامی به عنوان یک روش جنگی است در مخاصمات مسلحانه بین المللی، جنایت جنگی به شمار می‌رود.

(ماده ۹ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی) نیز در مقام بیان جنایات جنگی مشمول صلاحیت دیوان هدف قرار دادن عمدی هیئت‌های امداد و کمک‌های بشردوستانه را جنایت جنگی تلقی نموده است. ولی با این همه روشن است که حمایت از انسان‌ها به طور کلی و به فرجام رسیدن کمک‌های بشردوستانه به طور خاص بیش از آنکه به ضمانت اجرای حقوقی اعم از مدنی و کیفری وابسته باشد بر تقویت روح انسانیت، عاطفه و روحیه جوانمردی و احیاء و توسعه اخلاق در روابط میان انسان‌ها و نیز دولت‌ها متوقف است ضمانت اجرای حقوقی خصوصاً نوع کیفری آن ضعف‌هایی دارد که به اجرا در آمدن مکانیسم آن را دشوار می‌سازد رژیم صهیونیستی در تاریخ ۳۱ می ۲۰۱۰ به کاروانهای کمک‌رسانی در نوار غزه به نحو ددمنشانه ای حمله برد که به کشته شدن و جراحت چندین غیر نظامی منجر گردید. در نتیجه این اقدام تنها شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد ارتش رژیم اشغالگر را به سبب نقض قواعد بین المللی شدیداً محکوم نمود و ارتکاب عمل خلاف او را قابل پیگرد دانست اما پیگیری حقوقی به وقوع نپیوست.

از منظر کمیته دولت‌ها برای ایفای تعهد به تأمین حق بر غذا ملزم به انجام دادن سه وظیفه اند:

۱- متعهدند امکان دسترسی مردم به غذا را تسهیل کنند بنابراین باید فعالانه در اقداماتی که مربوط به گسترش امکانات دسترسی مردم به منابع و تضمین حیات آنهاست شرکت نمایند (۱۵).
(ESCE/C, ۱۲/۱۹۹۹/۵, Para).

۲- در صورتی که فرد یا گروهی از افراد نمی‌توانند با تکیه بر منابع به غذا دست یابند دولت‌ها متعهدند این حق آنان را به طور مستقیم فراهم کنند.

۳- اگر دولتی نتواند شخصاً تعهد خود در تأمین حق بر غذا را ایفا کند موظف است پیشنهاد کمک‌های بشر دوستانه را بپذیرد (Ibid).

کمیته مزبور در (تفسیر ماده ۱۲ میثاق بین المللی

حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی) و در بیان ماهیت تعهد دولت‌ها گفته است «مانعت از دستیابی نیازمندان به کمک‌های غذایی در مخاصمات مسلحانه داخلی یا دیگر وضعیت‌های اضطراری ممکن است به نقض حق بر غذا منجر شود».

شرایط بشر دوستانه بودن، کمک اثر رضایت و امتناع دولت

دو نکته مهم درباره کمک‌های بشر دوستانه را نباید مغفول نهاد اول شرایطی که فقدان هر یک از آنها اتصاف کمک‌ها به وصف بشر «دوستانه» را با تردید مواجه می‌کند و دوم تأثیر رضایت دولت آسیب دیده و آثار امتناع از پذیرش کمک‌های بشر دوستانه.

شرایط اتصاف کمک به وصف بشر دوستی

با رعایت چند شرط مهم کمک‌هایی که دولت‌ها در وضعیت اضطراری پیشنهاد آن را به دولت مضطر ارائه می‌کنند ماهیت بشر دوستانه می‌یابد و مشمول احکام اخلاقی و حقوقی کمک‌های بشردوستانه خواهد شد. قصد و نیت بشر دوستی، عدم جانبداری، بی طرفی و استقلال در ارائه کمک‌ها، شروطی است که الزاماً باید مورد توجه قرار گیرند. کمک‌هایی که با قصد محض نوع دوستی ارائه می‌شود، ملاحظات غیر اخلاقی در آن مطمح نظر نیست، تبعیض آمیز و جانبدارانه نیست نمی‌تواند و نباید غیر دوستانه و دخالت در امور داخلی دولت بحران زده محسوب شود. آنگاه که انسان‌هایی در شرایط و موقعیت‌های اضطراری ناشی از منازعه مسلحانه یا بلایا و سوانح طبیعی در رنج شدید و طولانی به سر می‌برند و از حقوق اولیه خود از جمله حق بر غذا و بهداشت محروم هستند، نوع دوستی اخلاق و عاطفه انسانی به تنهایی کمک به آنان را اقتضاء دارد. اگر محرک دولت‌ها، سازمان‌ها و افراد در ارائه، کمک قصد بشر دوستی است باید بدون جانبداری صورت گیرد به این ترتیب که وابستگی افراد نیازمند به جبهه معین یا موقعیت آنان در درگیری لحاظ نشود شرط اقدام بی طرفانه مقتضی آن است که سازمان‌ها و هیئت‌های امدادگر نباید بین طرفهای منازعه مسلحانه تمایز قائل شوند بی طرفی، سیاسی، نظامی، مذهبی و ایدئولوژیک باید در ارائه کمک‌های بشر دوستانه ملحوظ نظر قرار گیرد. تفسیر کمیته بین المللی صلیب سرخ حاکی از این است که زمانی که هدف کمک به غیر نظامیان است و فعالیت بیطرفانه است جنبه بشر دوستانه چنین فعالیت‌هایی مفروض است همچنین اولویت دادن به افراد آسیب پذیرتر در دریافت کمک‌های بشر دوستانه تأثیری بر بی طرفانه بودن این کمک‌ها نخواهد داشت (ممتاز و رنجبری ۱۳۸۶: ۱۴۱). شرط استقلال بدان معناست که اقدامات بشردوستانه باید بدون تأثر از فشارهای سیاسی و مانند آن صورت پذیرد.

اثر رضایت و امتناع دولت نیازمند

در خلال مباحث گذشته به نقش رضایت دولت زیان دیده و نیازمند در دریافت کمک‌های بشر دوستانه اشاره کردیم پروتکل دوم الحاقی رضایت دولت حاکم را شرط ارائه کمک‌های بشر دوستانه در جریان مخاصمه مسلحانه داخلی دانسته است بیگمان موفقیت در کمک‌رسانی به رضایت دولتی بستگی تام دارد که عملیات امداد در قلمرو آن انجام می‌شود ولی اهمیت رضایت دولت هرگز بدین معنا نیست که اتخاذ تصمیم تنها به صلاحیت او بسته است. در شرایطی که حیات جمعیت غیر نظامی در خطر است و دولت توان و یا تمایل به رفع نیازمندی‌ها ندارد و از سوی دیگر حضور سازمان‌های امدادگر بیطرف می‌تواند اوضاع را بهبود بخشد عملیات امداد باید به عنوان تنها راه مبارزه با گرسنگی انجام شود.

(تفسیر صحیح از ماده ۱۴ پروتکل دوم الحاقی) که ایجاد قحطی در بین غیر نظامیان را به عنوان روش و ابزار جنگ ممنوع دانسته است اقتضاء دارد امتناع از پذیرش امداد‌های بشردوستانه بدون دلیل قانونی موجه از سوی حاکمیت به معنای نقض اصل ممنوعیت استفاده از گرسنگی به عنوان یک

روش جنگی بر ضد جمعیت غیر نظامی تلقی شود (همان، ۱۴۳). در صورتی که پیشنهاد کمک با قصد بشر دوستانه، بی طرفانه و غیر جانبدارانه ارائه می‌شود، دولت نیازمند دلیل موجهی برای امتناع از پذیرش آن نخواهد داشت. دولتی که خودسرانه چنین پیشنهادی را رد می‌کند نه تنها مسئولیت اخلاقی سنگینی را متوجه خود می‌سازد بلکه ناقض یک قاعده مهم از حقوق بشر دوستانه محسوب خواهد شد. شاید با همین استدلال است که کمیته بین المللی صلیب سرخ بدون کسب موافقت حکومتی که همچنان نماینده کلیت دولت در عرصه بین المللی است به خود حق ورود به سرزمین آن دولت و انجام دادن عملیات امداد‌رسانی را می‌دهد (Sandoz, Yaves, et al., OP.Cit: ۱۴۷۹).

در زمان بروز فجایع انسانی ناشی از حوادث طبیعی یا مخاصمات مسلحانه هر انسانی تعهد اخلاقی دارد به کمک انسان‌های نیازمند بشتابد در این تعهد اخلاقی نه دین و مذهب تأثیری دارد نه زبان و نژاد و نه تقاضا یا عدم تقاضای شخص. نیازمند تنها شرط لازم برای پدید آمدن چنین تعهدی آگاهی شخص توانمند از نیاز همنوع اوست. در فرهنگ و ادبیات دینی بر این تعهد اخلاقی تأکید شده است. در سوی مقابل کسانی که در شرایط جنگ و یا، زلزله، سیل، سونامی و مانند آن نیازمند کمکند اخلاقاً مستحق دریافت مساعدت هستند.

مسئله مهم این است که آیا چنین حقیقی چهره حقوقی دارد یا نه؟ اگر برای چنین حقیقی فراتر از چهره، اخلاقی ماهیت حقوقی قائل شویم بیگمان می‌تواند به این نتیجه منتهی شود که دولت متبوع انسان‌های نیازمند در صورتی که خود نتواند نیازهای آنان را تأمین کند مکلف به مطالبه و پذیرش کمک دولت‌های دیگر است. در نظام حقوق بین الملل دولت‌ها تعهد حقوقی به ارائه کمک‌های بشردوستانه ندارند. در این فقدان تعهد حقوقی تفاوتی میان وضعیت مخاصمه مسلحانه و فجایع حاصل از سوانح و مصائب طبیعی وجود ندارد اسنادی غیر الزامی ارائه چنین کمک‌هایی را توصیه می‌کنند که تأکیدی است بر تعهد اخلاقی دولت‌ها اما دولت‌ها مطابق موازین حقوقی حق دارند با رعایت شرایطی کمک‌های بشردوستانه را به دولت نیازمند ارائه کنند با رعایت چند شرط مهم کمک‌هایی که دولت‌ها در وضعیت اضطراری پیشنهاد آن را به دولت مضطر ارائه می‌کنند ماهیت بشر دوستانه می‌یابد قصد و نیت، بشردوستی عدم، جانبداری بی طرفی و استقلال در ارائه کمک‌ها شرایطی است که به آن وصف بشردوستانه می‌بخشد در عین حال هیچ دولتی بدون رضایت دولت دیگر نمی‌تواند به طور مستقیم کمک‌های بشر دوستانه را به قربانیان و نیازمندان برساند این مسئله هم انکار ناپذیر است که دولتی که در سرزمین او به سبب مخاصمه مسلحانه و یا به علت بلایای طبیعی فجایع انسانی بروز کرده است برای امتناع از پذیرش امداد و کمک‌های بشردوستانه آزادی مطلق ندارد چه آنکه هر دولتی متعهد است برای همه کسانی که تحت صلاحیت آن هستند دسترسی به حداقل غذای ضروری را که به لحاظ تغذیه، کافی، مناسب و ایمن است تأمین کند و راهی آنان از گرسنگی را تضمین نماید. چنانکه کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تصریح کرده است بین نقض حق بر غذا و جلوگیری از دسترسی نیازمندان به کمک‌های انسان دوستانه در مخاصمات مسلحانه داخلی یا دیگر وضعیت‌های مشابه پیوند محکمی برقرار است بنابراین دولت بحران زده ای که به تنهایی نمی‌تواند از عهده رفع معضلات بر آید متعهد است از کمک‌های بشر دوستانه استقبال کند و تا زمانی که این کمک‌ها به صورت بیطرفانه و بدون تبعیض ارائه می‌شود به آن وصف مداخله نامشروع ندهد و از دریافت و ایصال آن به قربانیان و نیازمندان خودداری نکند چنین دولت‌هایی همچنین ملزم هستند امکان فعالیت را برای سازمان‌های بین المللی غیر دولتی فراهم کنند و به آنان اجازه دهند کمک‌های خود را به قربانیان در هر جایی که لازم است برسانند. کمیته بین المللی صلیب سرخ

به درستی تعهد دولت‌ها به تسریع و تسهیل در ایصال کمک‌های بشر دوستانه را قاعده عرفی قابل اعمال در درگیری‌های مسلحانه داخلی و بین المللی محسوب نموده است.

امتناع از پذیرش امداد انسان دوستانه و ممانعت از رساندن آن به آسیب‌دیدگان به‌ویژه در وضعیت منازعات مسلحانه و نیز ممانعت عمدی از کمک‌رسانی بشردوستانه که خود زیر مجموعه گرسنگی دادن به جمعیت غیرنظامی به‌عنوان یک روش جنگی است در مخاصمات مسلحانه می‌تواند با تحقق شرایطی جنایت جنگی مشمول صلاحیت دیوان بین المللی کیفری تلقی گردد، چنانچه هدف قراردادن عمدی هیئت‌های امداد و کمک‌های بشردوستانه جنایت جنگی به شمار می‌رود. شرط رضایت دولت هرگز به او حق نمی‌دهد که به‌دلخواه خود عمل کند و مانع کمک‌رسانی شود. در نتیجه اگر دولتی درحالی که خود نمی‌تواند نیازهای ضروری آسیب‌دیدگان را تأمین کند از رضایت دادن امتناع، ورزد می‌تواند با به‌کارگیری روش‌های مسالمت‌آمیز موافقت او را اخذ و یا به رساندن کمک مبادرت نمود؛ اما باید به‌خاطر داشت که امتناع حتی مداوم دولت از موافقت با عبور آزادانه کمک‌ها به‌هیچ‌روی موجهی برای توسل به‌زور مگر در چهارچوب فصل هفتم منشور ملل متحد نخواهد بود.

محمد امیر عرب

پژوهشگر اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق علیه السلام



نقض حقوق کادر درمان در تهاجم ۲۰۲۳ رژیم صهیونیستی به غزه

طوفان الاقصی اسم یکی از موفق‌ترین عملیات‌های رزمندگان مقاومت و جنبش حماس در سال ۲۰۲۳ است که خیلی سر و صدای رسانه‌ای به پا کرد و جهانیان را به حیرت برد. عملیاتی که رژیم صهیونیستی با ۶ دستگاه اطلاعاتی از جمله موساد و شاباک و... را سردرگم و غافلگیر کرد و به یکی از بزرگترین عملیات‌های جنبش حماس علیه رژیم صهیونیستی با حدود تلفات ۱۳۰۰ شه‌رک‌نشین مسلح تبدیل گشت. این در حالی بود که رزمندگان مقاومت بسیار محتاط بوده و کاری با غیرنظامیان و زنان و کودکان نداشتند. گواه این موضوع اعتراف خود شه‌رک‌نشین‌ها در برنامه‌های تلویزیونی خود رژیم است. اما متأسفانه رژیم صهیونیستی در جواب عملیات طوفان الاقصی که از شناسایی نظامیان جنبش حماس عاجز بود مردم و غیر نظامیان از جمله کودک و زن و پیر و از همه مهم‌تر کادر درمان را که موضوع این تحقیق است هدف قرار داد و از هیچ خشونت‌ی دریغ نکرد.

در اینجا قصد داریم نقض حقوق کادر درمانی غزه را براساس کنوانسیون‌های بین‌المللی در اثر حملات رژیم صهیونیستی بررسی کنیم.

«حقوق بین‌الملل بشردوستانه»، مجموعه‌ای از قوانینی است که به دنبال روش‌های بشردوستانه، برای محدودکردن اثرات مخاصمات مسلحانه می‌باشد. این شاخه از حقوق از افرادی که در مخاصمه مشارکت ندارند یا در حال حاضر از جنگیدن کناره‌گیری کرده‌اند، محافظت کرده و روش‌ها و متدهای مخاصمه را محدود می‌کند. به عبارت دیگر، حقوق بین‌المللی بشردوستانه می‌کوشد که با وضع مقرراتی از خشونت بی‌اندازه در جنگ‌ها جلوگیری کند. عمده مباحثی که در حقوق بین‌الملل بشردوستانه مطرح است در کنوانسیون ژنو آمده و امروزه بیش از ۱۹۰ کشور جهان به عضویت آن در آمده‌اند.

«افراد حفاظت شده یا افراد حمایت شده» عبارتی حقوقی در حقوق بین‌الملل بشردوستانه می‌باشد و نقرات و افرادی را شامل می‌شود که در حین یک درگیری مسلحانه مورد حفاظت کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ و... قرار می‌گیرند. پرسنل پزشکی و سایر ملزومات مرتبط به آن (بیمارستان‌ها و...) در حفاظت کامل چهار کنوانسیون ژنو قرار دارند.

بر اساس «ماده ۸ پروتکل اول الحاقی ژنو ۱۹۷۷»

مقصود از کارکنان بهداری اشخاصی هستند که منحصراً برای اهداف امدادی یا سرپرستی واحدهای امدادی یا اداره و اجرای حمل و نقل امدادی به همراه یکی از طرفین متخاصم فرستاده می‌شوند خواه دوره مأموریت آنها دائم یا موقت باشد. البته شرط اینکه مورد حمایت قرار این کنوانسیون قرار بگیرند رزمنده نبودن کادر پزشکی و درمان است. نکته جالب دیگر اینکه بر مبنای مواد ۴۱ و ۴۲ کنوانسیون اول و ۴۳ کنوانسیون دوم ژنو و ماده ۱۸ پروتکل الحاقی کادر درمان و پزشکی (بیمارستان‌ها و آمبولانس‌ها) در حین انجام وظیفه باید توسط علائم صلیب یا هلال ماه بر پس‌زمینه‌ای سفید علامتگذاری شوند و اینکه علائم طوری باشد که بزرگ قرار گرفته شود تا برای افراد متخاصم به راحتی قابل رؤیت شود و در نتیجه مورد حمله قرار ندهند.

ماده ۴۶ کنوانسیون اول و ماده ۴۷ کنوانسیون دوم مقابله به مثل علیه افراد زخمی و بیمار و نیز کارکنان در جنگ‌های زمینی و دریایی را ممنوع بیان نموده و ماده ۲۰ پروتکل الحاقی اول نیز این ممنوعیت‌ها را نسبت به کارکنان بهداری و پزشکی، ساختمان‌ها، هواپیماها و خودروهای بهداری توسعه داده است و حمایت از این افراد به آن دلیل می‌باشد که ماهیت عمل آنها نظامی نیست. بر اساس «ماده ۸ شماره ۲۴ از مودب با اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری» حملات عمدی به ساختمان‌ها، وسایل، واحدها و خودروهای پزشکی و کارکنانی که از آرم‌های مشخص کنوانسیون‌های ژنو مطابق با حقوق بین‌الملل استفاده می‌کنند را جز جنایات جنگی در نظر می‌گیرد. همچنین در ماده ۱۸ باب اول مقدمات کنوانسیون ژنو بیمارستان‌ها محترم شمرده شده و هرگونه حمله به آنها ممنوع دانسته شده.

ماده ۱۸ - بیمارستان‌های کشوری که برای پرستاری زخم‌داران و بیماران و معلولین و زنان تازه‌زا تشکیل می‌شوند در هیچ موردی نباید طرف حمله قرار گیرند بلکه در هر زمان باید توسط دول متخاصم محترم شمرده و حمایت شود.

در تهاجم اخیر رژیم صهیونیستی به غزه هیچ کدام از این مواد کنوانسیون‌ها رعایت نشده، این رژیم از هیچ جنایتی نه تنها علیه کادر درمان بلکه دیگر افراد از کودکان تا بیماران و زخمی‌ها دریغ نکرده از مهم‌ترین مصادیق جنایات جنگی رژیم در این تهاجم اخیر حمله هوایی به بیمارستان المعمدانی بود که بر اساس ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی جنایت جنگی محسوب می‌شود که باعث شهادت ۱۰۹۰ نفر از اطفال و بیماران و مصدومین بی‌گناه شد.

قانون الزام دولت به حمایت همه‌جانبه از مردم مظلوم فلسطین، طرحی است که در تاریخ ۱۱ دی ۱۳۸۷ مطابق با اصل ۱۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این قانون به کمک‌های بشردوستانه ملت ایران به ملت فلسطین و محکومیت اقدامات رژیم صهیونیستی علیه آنها اشاره دارد.

ماده ۳- بر اساس قواعد حقوق بین‌الملل، جنایات انجام شده در غزه، از مصادیق بارز جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی می‌باشد. دولت موظف است از طریق مجامع بین‌المللی از جمله شورای امنیت سازمان ملل متحد، موضوع محاکمه سران رژیم اشغالگر قدس را در دادگاه دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) و محاکم داخلی کشور به عنوان جنایتکار علیه بشریت و عاملان نسل‌کشی پیگیری نماید. طبق ماده ۳ این قانون و طبق ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری جمهوری اسلامی ایران موظف است جنایات جنگی انجام شده در غزه را در دادگاه دیوان بین‌المللی کیفری به عنوان جنایت علیه بشریت پیگیری کند.

حمله به آمبولانس‌ها، بیمارستان‌ها المعمدانی و کادر درمان در تهاجم اخیر رژیم صهیونیستی، طبق ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری جنایت جنگی محسوب می‌شود. با وجود رعایت مواد ۴۱ و ۴۲ کنوانسیون اول ژنو و ۴۳ کنوانسیون دوم ژنو و ماده ۱۸ پروتکل الحاقی توسط کادر درمان غزه.



محمد جواد اسدی امجد
پژوهشگر اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام
نقض بی‌طرفی گزارشگران حقوق بشر در قضیه تهاجم و موضع‌گیری سیاستمداران غرب ۲۰۲۳

مقدمه: در این تقریر قصد داریم که رابطه حقوق بشر و مسئله فلسطین را بطور کلی مورد بررسی قرار دهیم و همچنین موضع‌گیری مدعیان حقوق بشر در این جنگ را واکاوی کنیم و اینکه آیا حقوق بشر توانسته است در جنگ‌هایی از این قبیل، با چارچوب‌بندی مسائیل، حقوق اولیه انسانی را به صورت حداقلی تضمین نماید یا خیر؟

به همین منظور در ابتدا تعریفی از حقوق بشر و بررسی آن در اندیشه‌های مختلف بطور خلاصه خواهیم داشت سپس به بررسی مصداقی و عینی حقوق بشر و قضیه اسرائیل و فلسطین در سال ۲۰۲۳ خواهیم پرداخت. با تطبیق و بررسی این دو موضوع و ارتباط این دو، هر عقل سلیمی می‌تواند قضاوت کند که آیا قواعد حقوقی بین‌المللی حقوق بشر توانسته است مقابل تعرضات و درنده‌خواهی‌های سلطه‌گران بایستد یا تبدیل به بازیچه‌ای کاربردی برای آن‌ها شده است؟

واژه حقوق بشر:

اولاً این که تعریف و تبیین واژه حقوق بشر مجال واسعی را نیازمند است که باید با اندیشه‌های مختلف و مخصوصاً اندیشه اسلام تطبیق و مورد بررسی قرارداد که مقتضی این تقریر نخواهد بود. آنچه که از تعریف حقوق بشر ارائه خواهد شد در حد ضرورت و متناسب با تقریر است.

حقوق بشر (human rights)، یک اصطلاح نسبتاً جدید که پس از جنگ جهانی دوم و تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ وارد محاورات روزمره شده و با توجه به نظریه‌هایی در معانی ماهیت حقوق، معنای حقوق بشر هم متفاوت خواهد بود. شاید بتوان اینگونه معنا کرد که حقوق بشر، آن دسته از حقوقی است که انسان به دلیل انسان بودن و فارغ از اوضاع و احوال متغیر اجتماعی یا میزان قابلیت و صلاحیت فردی او، از آن برخوردار است.

توضیح مختصر حقوق بشر در اسلام و قیاس آن با حقوق بشر بین‌الملل:

گرچه صرف واژه زیبای حقوق بشر برای همگان چه اسلام و چه نوع بشر به علت طبیعت و فطرت او مطلوب می‌باشد، اما باید بررسی کرد که ورای این کلمه زیبا چه محتوایی آن را ارتزاق می‌کند؟ اینجاست که تفاوت‌های اسلام با حقوق بشر مرسوم زیاد می‌شود. چرا؟ به این دلیل که تفاوت مبنایی تعریف از بشر و انسان کاملاً با تعریفی که آن‌ها از بشر دارند متفاوت خواهد بود. قطعاً تفاوت در مبنا تفاوت در محتوا خواهد کرد. به همین علت آن‌ها با در نظر گرفتن یک پیش‌فرض و بدون اهتمام ورزیدن به تجمیع تعریف این واژه با مبانی و ادیان مختلف اعلامیه‌ای را تدوین کرده‌اند که با اتخاذ عنوان کلی خود، سیاست‌های خود را غالب خواهند کرد.

حتی اگر این اعلامیه با برخی از مبانی ما یکسان باشد که است، آیا توانسته است در جنگ‌های مختلف مقابل افراد سلطه‌گر بایستد و تضمینی برای حمایت از کرامت انسانی باشد یا خیر؟

بررسی جنگ غزه و اسرائیل و بررسی کنوانسیون و اعلامیه‌ها و ارتباط با حقوق بشر:

همانطور که مس‌حضرید رژیم غاصب صهیونیسم در سال ۲۰۲۳ علیه مردم غزه حملاتی بکارگرفته است. جنایت‌ها و حملات بسیار متعددی از سوی اسرائیل صورت گرفته است که به برخی از مصادیق مورد نیاز آن می‌پردازیم.

بطور مثال سلب حق حیات بیش از ۳۰۰۰ غیرنظامی (اعم از زن و بچه)، قطع کردن اقلام و موارد اولیه ادامه حیات مانند آب، برق، گاز، عدم اجازه حمایت و کمک‌های غذایی و نظامی به غزه، به انفجار رساندن بیمارستان‌ها المعمدانی که شامل هزاران کودک و مادر بود، اگر چه یکایک این جنایات تحلیل‌های خود را می‌طلبند لیکن این موضوع را از حیث حقوق بشر بررسی خواهیم کرد.

در کنوانسیون‌های بشردوستانه مانند ژنو درج شده است که طبق این کنوانسیون و پروتکل ۱ هرگونه مقابله به مثل با مجروحان، بیماران، کشتی‌شکستگان، پرسنل پزشکی و امدادگران، پرسنل و خدمات دفاع غیرنظامی، اسرای جنگی، افراد غیرنظامی، مکان‌های فرهنگی و غیرنظامی و محیط زیست طبیعی و همچنین تأسیساتی که بر روی انرژی‌ها و نیروی خطرناک کار می‌کنند، ممنوع است. یا بطور مثال در بند ۲ ماده ۲۵ اعلامیه حقوق بشر آمده است که: دوره مادری و دوره کودکی سزاوار توجه ویژه و مراقبت ویژه است. همه کودکان، اعم از آن که با پیوند زناشویی یا خارج از آن به دنیا بیایند، می‌بایست از حمایت اجتماعی یکسان برخوردار باشند.

نتیجه: با تطبیق مقدمه و مواد بین‌المللی، هر عقل سلیمی و انسان منصفی نه تنها عملیات جنایتکارانه اسرائیل را نقض حقوق بشر می‌پندارد بلکه به مخالفت حداکثری حقوق بشر و به منصفانه رساندن عملیات وحشیانه غیرانسانی اذعان خواهد کرد. پس چرا گزارشگران حقوق بشر بعد از این عملیات بی‌طرفی خود را اعلام کردند؟ با توجه به مقدمه پاسخ روشن و واضح است که سیاست‌ها بر این اعلامیه‌ها غلبه دارد و به اصطلاح کاملاً سیاست‌زده هستند. هرگاه این حقوق انسانی، با منش و منافع حیوانی و وحشیگرانه خود مطابقت و تناسب داشته باشد از آن حمایت می‌کنند و خود را مدعی حقوق بشر می‌خوانند. اما هرگاه این اعلامیه‌ها و این تصویب‌ها مطابق منافع خود نباشد، دست به وحشیانه‌ترین کارها می‌زنند گویا که اصلاً چیزی به نام حقوق بشر وجود نداشته است.

در یک جمله باید گفت که حقوق بشر ساخته غرب، صرفاً یک سری الفاظ خشک و بی‌روح و سیاست زده‌ای است که اصلاً عملکرد و تأثیری در جهان بینی انسانی ندارد و اتفاقاً یک حمایتی است که بتوانند چهره پلید خود را ورای یک سری کلمات انسانی و بشرپسند پنهان کنند.

محمد رضا منتظری

پژوهشگر اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام



مسئولیت حقوقی اردن در رابطه با جنایات اسرائیل در قبال فلسطین

پس از اجرای عملیات طوفان الاقصی از سوی مجاهدان فلسطینی علیه رژیم غاصب صهیونیست در اکتبر ۲۰۲۳، اسرائیل طی اعمال متفاوتی من جمله عملیات نظامی، واکنش‌های غیرانسانی، هولناک و خصمانه‌ای را از خود نشان داد. تجاوزات رژیم کودک کش صهیونیستی به نوار غزه با بمباران شدید جنگنده‌ها و هدف قراردادن خانه‌ها و ساختمان‌های مسکونی در جریان است. پس از گذشت چند روز از آغاز این نبرد وحشیانه، اسرائیلی‌ها اقدام به بستن آب و غذا و برق بر روی شهروندان فلسطینی کردند. در حالی که ۶۴ درصد قربانیان این تجاوزات را کودکان و زنان تشکیل می‌دهند، خشم بسیاری از مردم و دولت‌های کشورهای مختلف جهان بر این موضوع برانگیخته شد و مردم کشورهای مختلف با برپایی تظاهرات خواستار توقف حملات اشغالگران به نوار غزه و مردم مظلوم فلسطین هستند. در این متن به بررسی مسئولیت حقوقی اردن در قبال جنایات اسرائیل علیه فلسطین می‌پردازیم.

کشور اردن از لحاظ جغرافیایی در منطقه غرب آسیا و در همسایگی قسمت شرقی فلسطین اشغالی قرار دارد و طول مرز مشترک کشور اردن با فلسطین اشغالی به ۲۳۸ کیلومتر می‌رسد.

سازمان کنفرانس اسلامی منشوری از قوانین را داراست که ۵۷ عضو این کنفرانس متعهد به رعایت آن هستند. در بند ۵ ماده ۲ قانون منشور کنفرانس اسلامی که پادشاهی اردن به عضویت آن درآمده بوده است، آمده است که: تشریک مساعی برای آزاد ساختن و صیانت اماکن مقدسه و پشتیبانی از مبارزات مردم فلسطین و کمک به آنان برای احقاق حقوق حقه خود و آزادکردن اراضی آنها [از اهداف این قانون است]؛ بنابراین ماده مسئولیت کشورهای

عضو این تعهدنامه و این کنفرانس در قبال فلسطین ویژه‌تر از کشورهای دیگر در دنیا است و خاصاً کشورهایی که در همسایگی فلسطین اشغالی قرار دارند شرایط خاص‌تری نسبت به دیگر کشورها دارند.

جنایات بیان شده در ابتدای متن به‌وضوح نشان‌دهنده نقض ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر از سوی دولت اسرائیل است که در آن ماده بیان شده است که: ماده ۲۵؛ الف) هر کس حق دارد از سطح یک زندگانی برخوردار باشد که سلامت و رفاه او و خانواده‌اش از جمله خوراک و لباس و مسکن و رسیدگی‌های پزشکی آنان را تأمین کند. حال آنکه علاوه بر اعمال محدودیت‌ها و جنایات شدید علیه مردم مظلوم فلسطین، اسرائیل طی عملی وحشیانه، بیمارستانی در غزه را مورد هدف قرار می‌دهد که جان‌باختگان و شهدای این فاجعه انسانی به ۳۰۰۰ نفر می‌رسد.

ضمن اینکه در بخش اول فصل چهارم قرارداد کنوانسیون ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن ممنوعیت حملات به غیرنظامیان و تخریب لوازم ضروری زندگی آنان و حمله با تأسیسات عمومی و اماکن عمومی بیان شده است که همه اینها به‌وضوح در جنایات اخیر رژیم صهیونیستی نقض شده است. در این شرایط کمک‌های کشورهای همسایه بیش از هر موضوع دیگری قابل توجه می‌تواند باشد. چرا که باز کردن راه خروج از سوی کشورهای مصر و اردن تسهیل‌کننده برای زنان و کودکان است. اما این دو کشور تا به اینجا از پذیرش مهاجر فلسطینی امتناع نموده و موضع خود را به طور عملی اجرا نکردند. طبق ماده ۲۵ قانون منشور کنفرانس اسلامی، کشورهای عضو این کنفرانس باید کمک به مبارزان فلسطینی و مساعدت آنها را از اهداف خود بدانند.

حال آنکه علاوه بر حملات نظامی، کشور فلسطین به بحران آب، غذا و برق دچار است و شرایط بدی را سپری می‌کند، کشورهای همسایه باید اقدام به برقراری ارتباط و رساندن مساعدت‌های خود نمایند. این کار علاوه بر این است که این کشورها ضمن قطع همکاری و عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی، باید اقدامات لازم جهت توقف این جنایات انسانی را انجام دهند.

محکومیت‌های عادی و خشک از سوی چنین کشوری با این نسبت جغرافیایی نسبت به فلسطین اشغالی دور از انتظار است و نباید به برقراری روابطی که ناقض آنچه است که در منشور کنفرانس اسلامی آمده است بیانجامید. البته که در صورت ادامه شرایط بحرانی در نوار غزه، از کشورهای عضو کنفرانس اسلامی خصوصاً همسایگان فلسطین اشغالی انتظار می‌رود که اقدام به حرکت قاطع حتی اعمال نظامی بنمایند و حمایت خود را از فلسطین مظلوم اعلام بدارند.

محمد سعید باقری

پژوهشگر اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام



مسئولیت حقوقی آمریکا در جنایات رژیم صهیونیستی با تأکید بر جنایات اسرائیل در سال ۲۰۲۳

حمایت آمریکا از رژیم غاصب صهیونیستی امری واضح و مبهرن است و شواهد بسیاری از قبیل درخواست کمک ۱۰ میلیاردی و حضور جو بایدن رئیس جمهور آمریکا در بهیوه جنگ اسرائیل و فلسطین و بسته حمایتی صد میلیون دلاری و حضور ناو جنگی جرارد فورد در دریای مدیترانه بر این امر صرحه می‌گذارد. حال باید دید آیا این حمایت‌های همه جانبه و فروش انواع تسلیحات و بمب‌ها اعم از مجاز و غیرمجاز (mk-۸۴) آمریکا را دچار مسئولیت حقوقی می‌کند یا خیر؟

رژیم غاصب صهیونیستی طی حمله اخیر خود به مردم فلسطین و غزه دچار جنایاتی همچون نقض حق حیات آن‌ها، جنایات ژنوساید و نقض مفاد عهدنامه ژنو از قبیل حمله به بیمارستان‌ها و استفاده از سلاح‌های غیرمجاز شده که با تصریح ماده سه اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده دو معاهده ژنوساید می‌توان اعمال مجرمانه اسرائیل را دچار مسئولیت‌های حقوقی دانست که ماده ۶ اساسنامه

ICC بر مجازات‌های ناشی از این جنایات تصریح کرده است، اما موضوع اصلی در اینجا نمایان می‌شود که آیا کشورهای همچون آمریکا که بر حمایت خود از اسرائیل اذعان دارند نیز دچار این مسئولیت حقوقی هستند؟

بر اساس بند ۵ ماده سه شرکت در جرم ژنوساید و ماده ۴ اشخاصی که مرتکب ژنوساید و یا اعمال مشروح در ماده سوم شوند، اعم از اینکه اعضای حکومت یا مستخدمین دولت و یا اشخاص عادی باشند مجازات خواهند شد. کنوانسیون ژنوساید: آمریکا با حمایت از اسرائیل و تأمین اسلحه و منابع مالی برای این رژیم شرکت در جرم ژنوساید را انجام داده این در حالیست که براساس ماده پنج کنوانسیون مذکور آمریکا می‌بایست جلوی این کار را بگیرد و از اسرائیل بازخواست کند.

از جانب دیگر به طرح ۲۰۰۱ مسئولیت دولت‌ها اشاره کرد که دو ماده آن صریحاً به اعمال مجرمانه آمریکا مربوط می‌شود: در ماده ۱۶ آمده است: کشوری که به کشور دیگر در ارتکاب یک عمل متخلفانه بین‌المللی، معاونت یا مساعدت می‌کند، به دلیل ارتکاب چنین امری، به همراه کشور اخیر از نظر بین‌المللی مسئول است؛ اگر: الف) آن کشور، چنین امری را با علم به کیفیت عمل متخلفانه بین‌المللی انجام دهد؛

ب) اگر از جانب آن کشور ارتکاب یابد، عمل مزبور، از نظر بین‌المللی متخلفانه خواهد بود. اگر این ماده در کنار تفاسیر ارائه شده از نیکولای اوشالوف که نشان می‌دهد حضور غیرمستقیم اما فعال می‌تواند بر شمول کشور در این ماده اثرگذار باشد و سخنان اخیر رئیس جمهور آمریکا که نشانه از علم آمریکا بر رفتارهای متخاصمانه اسرائیل است، قرارگیرد می‌توان مسئولیت حقوقی این ماده بر آمریکا را اظهار کرد، دوم آنکه اگر ثابت شود کمک یا مساعدت یک دولت به دولت دیگر برای ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی بوده که دولت اخیر انجام داده، این مساعدت به خودی خود از نظر بین‌المللی نادرست است ولو اینکه فی نفسه ناقض یک تعهد بین‌المللی نباشد.

مسئولیت حقوقی دیگر آمریکا در جنایات اسرائیل فروش تسحیلات و ارسال نیروهای نظامی و تسهیل جنگ و جنایت برای اسرائیل است که برای یک مثال اجمالی می‌توان به بند ۳ ماده ۵ «معاهده معامله سلاح» اشاره کرد که در ماده مذکوره، تعاریف ملی را محدود به تعاریف سازمان ملل از سلاح‌های متعارف می‌کند و بند ۱ و ۲ ماده ۶ مقرر می‌دارد که «ممنوعیت‌های شامل معاملات سلاح نباید برخلاف تعهداتی باشد که براساس فصل هفتم توسط شورای امنیت یا توافقات بین‌المللی به دوش آن کشور نهاده شده است». مهم‌ترین نکته در بند ۳ همین ماده بیان شده است که «دولت‌های عضو نمی‌توانند اقدام به معامله سلاح‌های متعارف کنند در حالی‌که می‌دانند از این سلاح‌ها در ارتکاب جنایت علیه بشریت، نسل‌زدایی، نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹، حمله مستقیم به اهداف غیرنظامی یا غیرنظامیان تحت حمایت یا دیگر جرائم جنگی مورد استفاده قرار می‌گیرد. قاعده دیگری را به عنوان منبای مسئولیت بین‌المللی آمریکا در قبال فروش اینگونه سلاح‌ها و اثبات سوء نیت و عنصر معنوی جرائم ارتكابی می‌توان به‌شمار آورد. در اثبات مسئولیت کیفری مافوق، بیان می‌شود که او باید جنایات مادون خود را «بداند» یا «باید می‌دانسته است». هرچند این قاعده در خصوص مسئولیت فرماندهان مورد بحث قرار می‌گیرد اما می‌تواند منبایی برای محکومیت دولت‌ها نیز باشد. با توجه به جنایات آشکار بین‌المللی از جانب دولت‌های خریدار سلاح‌های آمریکایی، یقیناً آمریکا نمی‌تواند خود را مبری از مسئولیت فروش اینگونه سلاح‌ها بخصوص سلاح‌های ممنوعه بداند. به علاوه آنکه در موارد بسیاری فروش سلاح از سوی ایالات متحده آمریکا همزمان با ارتکاب جنایات بین‌المللی از جانب خریدار بوده است که نمونه‌های آن را می‌توان در حمله رژیم صهیونیستی به غزه و نیز حمله

عربستان به یمن مشاهده نمود. این درحالی است که آمریکا باید مسئولیت فروش بمب‌های چند تنی و ممنوعه خود به اسرائیل برای بمباران اسرائیل را نیز بر عهده گیرد.

محمد مهدی راضی



پژوهشگر اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق علیه السلام

نقض حقوق اسرای نظامی و غیرنظامی در جنگ فلسطین و رژیم غاصب صهیونیستی ۲۰۲۳

شمار اسرای فلسطینی تا پیش از آغاز طوفان الاقصی به ۵۳۰۰ نفر می‌رسید اما از هفتم اکتبر جاری تاکنون، شمار اسرا به بیش از ۱۰ هزار نفر رسیده است. خبرها حاکی از جنایات رژیم صهیونیستی در زندان‌ها، از قطع آب و برق و محدودیت‌های دیگر بر اسرای فلسطینی است. بازداشتگاه «النقب» در اراضی اشغالی فلسطین مرکزی برای وحشی‌گری و اقدامات وحشیانه علیه اسرای قهرمان فلسطین تبدیل شده است. کنست در پیش‌نویس قانون جدید علیه اسرا حالت فوق‌العاده در زندان‌ها را اعلام کرده است که اجازه می‌دهد شرایط اسارت اسرای فلسطینی تغییر کند.

لزوم رفتار انسانی نسبت به غیرنظامیان و افراد خارج از نبرد در ماده ۸ مشترک کنوانسیون‌های ژنو و همچنین در مقررات ویژه کنوانسیون‌های چهارگانه مقرر شده است. کمیته حقوق بشر در نظریه عمومی دربارهٔ ماده ۴ میثاق بین‌المللی مدنی و سیاسی، ماده ۱۰ میثاق را مورد استناد قرار داده است که مقرر می‌دارد لزوم رفتار انسانی و احترام به کرامت ذاتی اشخاصی که از آزادی محروم شده‌اند، اصلی تعلیق ناشدنی و در تمامی احوال قابل اعمال است. اسیران جنگی در همهٔ احوال، ذیحق به حرمت شخص و شرافت خویش هستند. باید با زنان با کلیهٔ احترام‌هایی که لازمهٔ جنس آنان است رفتار شود و در هر حال باید از همان معاملهٔ مساعدی که در حق مردان اعطا می‌شود، برخوردار شوند. (ماده ۱۹ کنوانسیون سوم ژنو) با اسیران جنگی باید در هر زمان با انسانیت رفتار شود.

هر عمل یا غفلت غیرموجه از سوی دولت بازداشت‌کننده که موجب فوت اسیر جنگی شود یا سلامت او را به شدت در خطر اندازد، ممنوع است و در حکم تخلف مهم از این قرارداد شمرده خواهد شد. (ماده ۱۳ کنوانسیون سوم ژنو) رفتار غیرانسانی یا غیرشرافتمندانه با اسیران جنگی ممنوع است. (مواد ۱۳ و ۱۴ کنوانسیون ژنو) نیروی بازداشت‌کننده باید به اسرای جنگ غذا و لباس رایگان به اندازه کافی بدهد. برای آنها محل سکونتی همانند محل سکونت نیروهای خود تهیه کند. (مواد ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۳۰ کنوانسیون ژنو)

در کنوانسیون سوم ژنو دو نوع اردوگاه موقت پیش‌بینی شده است. نخست اردوگاه‌هایی که قدرت بازداشت‌کننده اجازه دارد برای اسکان موقت اسیران جنگی و پیش از آنکه به اردوگاه‌های دائمی منتقل شوند، براساس بند ۸ ماده ۱۲ به وجود آورد. دسته دوم اردوگاه‌های موقتی هستند که در ماده ۲۴ بیان شده است. این اردوگاه‌ها دارای تأسیسات دائمی هستند که اسیران جنگی را پیش از آنکه به اردوگاه‌های دیگر برده شوند، در خود جای می‌دهند. اردوگاه‌های موقت با برجا باید معیارهای ماده ۱۲ کنوانسیون سوم ژنو را که برای تمامی اردوگاه‌ها پیش‌بینی شده اند، دارا باشند. افسران، زنان و سالخورده‌گان باید از رفتار ترجیحی برخوردار شوند، هر فعل یا ترک فعلی که منجر به مرگ یا به خطر افتادن شدید سلامتی اسیران جنگی شود، نقض اصل رفتار انسانی تلقی می‌شود.

وظیفهٔ تأمین خوراک و پوشاک اسرای جنگی از اصول دیرپای حقوق بین‌المللی عرفی است که در کد لیبر اعلامیه بروکسل و دستورالعمل آکسفورد مورد تأیید قرار گرفته است. این موضوع در دستورالعمل لاهه نیز تدوین شده است و هم‌اکنون به موجب کنوانسیون سوم ژنو قابل اعمال است. (دستورالعمل لاهه ماده ۷ و کنوانسیون ژنو ماده ۳۲-۳۵) مفاد این قاعده نسبت به غیرنظامیانی که در نتیجهٔ درگیری‌های مسلحانه آزادی آنان سلب

شده، نیز قابل اعمال است. قطعنامه حمایت از اسرای جنگی مصوب بیست و یکمین کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ در سال ۱۹۶۹ این موضوع را به رسمیت شناخته است که صرف نظر از مفاد کنوانسیون سوم ژنو، جامعه بین‌المللی، پیوسته بر رفتار انسانی نسبت به اسرای جنگی... شامل تأمین غذا و مراقبت‌های پزشکی تأکید کرده است. رویه بیانگر آن است که تأمین نیازهای اولیهٔ افراد محروم از آزادی با در نظر داشتن امکانات موجود و شرایط محلی باید کافی باشد. پروتکل الحاقی دوم مقرر می‌دارد حد تأمین نیازهای اولیهٔ همانی است که برای غیرنظامیان محلی قابل تأمین است. (پروتکل الحاقی دوم، ماده ۵، بند ۱)

مطابق مقررات بشردوستانه بین‌المللی، این حق متقابل است که اگر سرباز دشمن سلاحش را بر زمین گذاشت و تسلیم یا از کار افتاده تلقی شد، نباید کشته یا مجروح شود یا مورد حمله قرار گیرد. منع قتل افراد غیرنظامی پیش از این در کد لیبر مورد شناسایی قرار گرفته بود. قتل غیرنظامیان و اسرای جنگی در اساسنامه دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ نیز جنایت علیه بشریت شناخته بود. تفتیش و بازجویی اسیران جنگی به منظور شناسایی هویتشان مجاز، ولی غارت اموال، کسب اطلاعات نظامی یا شکنجه‌شان ممنوع است، هیچگونه شکنجه بدنی یا روحی و هیچگونه فشاری نباید به اسیران جنگی وارد آید تا از آنان اطلاعاتی به دست آورده شود. اسیرانی که از دادن اطلاعات خودداری کنند، نباید مورد تهدید یا دشنام قرار گیرند، یا در معرض ناراحتی و سلب مزایا از هر نوع واقع شوند (کنوانسیون ژنو ماده ۱۸ و ماده ۵ اعلامیه حقوق بشر)

ممنوعیت مجازات‌های دسته‌جمعی در مقررات لاهه و کنوانسیون‌های سوم و چهارم ژنو بیان شده است. (کنوانسیون سوم ژنو، ماده ۸۷، بند سوم) این ممنوعیت در پروتکل‌های الحاقی اول و دوم نیز به عنوان ضمانت‌هایی اساسی برای تمامی غیرنظامیان و افراد خارج از صحنه نبرد، مورد شناسایی قرار گرفته است.

رژیم غاصب صهیونیستی در جنگ سال ۲۰۲۳ و در جنگ‌های اخیر حقوق انسانی اسرارا بطور آشکار نقض کرده است. اسرائیل حداقل‌های رفاهی اسرا را نادیده گرفته است، از غذا و لباس مناسب دریغ می‌ورزد و همچنین باید اسرا را در اردوگاه‌های مذکور اسکان می‌دهد اما آن‌ها را در خوفناک‌ترین زندان‌ها من جمله زندان نقب در بنید کرده است. طبق گزارش‌ها در این زندان‌ها اسرا تحت سخت‌ترین شکنجه‌ها و مجازات‌ها قرار می‌گیرند. رژیم کودک‌کش همچنین از مجازات‌های دسته‌جمعی چشم‌پوشی نکرده و طی روزهای جنگ به این کار مبادرت ورزیده است.

محمد مهدی محسن زاده



پژوهشگر اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق علیه السلام

بررسی تحریم کالاهای اساسی با محوریت برق، در نوار غزه

مقدمه

مساله جنگ و غارت‌گری از مسائل قدیمی موجودی به نام انسان است و منطقه فلسطین از دیرباز مورد تهاجم و جنگ بوده است. انسان‌های حیثیت و ظالم عادت‌شان بوده که از هر راهی برای نیل به اهدافشان استفاده کنند حتی اگر راه‌شان خلاف دین و آیین و حتی اصول اخلاقی و انسانی‌شان باشد. از جمله این راه‌ها که بر خلاف اصول انسانی و حقوقی است، تحریم کالاهای اساسی، از جمله آب و برق است که در این نوشته با محوریت برق مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

همان‌طور که در اعلامیه جهانی حقوق بشر هم آمده: «هر انسانی سزاوار یک زندگی با استانداردهای قابل قبول برای تأمین سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش، از جمله تأمین خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری است...» (بند اول از ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر) و تحت عنوان کالاهای اساسی

از آن‌ها یاد می‌کنیم. امروزه از جمله این کالاهای اساسی برق نیز قرار می‌گیرد چراکه وجود برق پیوند عمیقی حتی با وجود آب، پوشاک، سوخت و نیازهای ضروری دیگر انسان دارد. به عنوان مثال در فرایند رساندن آب در چند مرحله از جمله تصفیه و مراتب لوله‌کشی از برق استفاده می‌شود و زمانی که این نیازهای اساسی از دسترس خارج گردد منجر به نسل‌کشی در هر جای جهان که باشد قرار خواهد گرفت.

وزیر جنگ رژیم صهیونیستی در پی تداوم ناکامی‌هایش در برابر مقاومت فلسطین، به ناچار دستور داد نوار غزه به صورت نظامی کاملاً تحت محاصره قرار گیرد. برخی منابع فلسطینی نیز گزارش دادند که این دستور گالانت، با هدف قطع کامل آب و برق در نوار غزه صادر شده تا در نهایت با استفاده از این حربه مقاومت فلسطین را به توقف پیش‌روی‌های خود در اراضی اشغالی وادار کنند و در جایی دیگر وزیر انرژی رژیم صهیونیستی وصل کردن آب و برق غزه را مشروط به آزادی اسرای این رژیم کرد. این مسئله آنچنان در نظام‌های حقوقی جهان واضح و مورد تقبیح است که حتی صدای سازمان ملل هم با چنین اظهارتی درآمد، آنتونیو گوترش دبیر کل سازمان ملل اعلام کرد: «ممانعت از تأمین مواد غذایی و خدمات اساسی برای ساکنان نوار غزه غیرقابل پذیرش بوده و خواستار ارسال کمک‌های انسانی به نوار غزه هستیم.» در بند چهارم از فصل چهارم کنوانسیون ژنو این طور آمده: «غیرنظامیان باید بتوانند تا حد امکان به زندگی خود طبق معمول ادامه دهند. نیروهای اشغالگر مسئول تأمین و حفظ نظم عمومی هستند.» عملکرد متناقض رژیم صهیونیستی در تقابل با این قوانین صراحتاً مورد تأیید بشریت است. در اسلام و ایران هم این شکل از جنگ مورد تأیید نیست چرا که شاهد مثال‌های قوی‌ای در این زمینه در منابع موجود است، از جمله نسبتن آب توسط امیرالمومنین(ع) در برابر دشمنانی که قبلاً آب را بر حضرت بسته بودند و حتی در قوانین ما هم چنان که در بند اول اصل ۴۳ قانون اساسی نیز آمده، این امر مورد تقبیح است.

محمد مهدی مسلم زاده



پژوهشگر اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق علیه السلام

تحریم‌های دارویی و امکانات درمانی

در این سال‌ها که رژیم اشغالگر قدس به اشغال فلسطین و تخریب خانه‌های آن مشغول شده است تحریم‌ها و محدودیت‌های فراوان و ظالمانه را نیز اعمال کرده است. من جمله این اعمال تحریم‌های دارویی و امکانات پزشکی می‌باشد این رژیم حتی به بیمارستان و مرکز درمانی و رفاهی که کودکان و غیرنظامیان در آن ساکن اند رحم نکرد. این تحریم‌های دارویی و پزشکی مصداق بارز نقض حق حیات و حق بر سلامت و بهداشت است و غیره است.

حق حیات به‌عنوان مهم‌ترین و عالی‌ترین حقی که سایر حقوق نیز از آن ناشی شده در ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر ماده (۶) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ماده (۶) کنوانسیون حقوق کودک و بسیاری از اسناد بین‌المللی دیگر بر آن تأکید شده و توسط همه کشورهای به‌عنوان یک حق ذاتی انسان‌ها مورد حمایت قرار گرفته است. حق حیات بی‌تردید جدی‌ترین حق در میان همه انواع حقوق بشر محسوب می‌شود. سایر حقوق بر کیفیت حیات می‌افزایند و لازمه اعمال آنها وجود حیات است. از نظر کسانی که طرفدار سلسله‌مراتب حقوق بشر هستند بی‌شک حق حیات در رأس این سلسله‌مراتب قرار دارد و برای آنان که به بنیادی بودن جهانی حقوق بشر و عدم سلسله‌مراتب آن اعتقاد دارند. حق مزبور یکی از حقوق برجسته‌ای است که تخلف از آن هرگز قابل جبران نیست. در بسیاری از تحریم‌ها به‌ویژه در تحریم‌های جامع، کمبود غذا و دارو، گسترش بیماری و افزایش میزان مرگ‌ومیر را به دنبال دارد. بند ۱ ماده (۶) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

اعلام می‌دارد که: هر انسانی از حق ذاتی حیات برخوردار است. این حق باید به‌وسیله قانون مورد حمایت قرار گیرد. همچنین ماده (۶) میثاق مدنی و سیاسی اعلام می‌دارد: ۱. حق زندگی از حقوق ذاتی شخص انسان است. این حق باید به‌موجب قانون حمایت بشود. هیچ فردی را نمی‌توان خودسرانه از زندگی محروم کرد... فلذا تحریم‌های دارویی رژیم صهیونیستی نقض بارز حق حیات است. بر اساس اعلامیه حقوق بشر هر فردی حق دارد

سطح زندگی، سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش را از حیث خوراک، مسکن، مراقبت‌های طبیی و خدمات لازم اجتماعی تأمین کند. این حق در مواد (۱۱) و (۱۲) میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی به‌صورت مفصل‌تر مطرح شده است. در ماده (۱۱) این میثاق نامه آمده: کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را به داشتن سطح زندگی کافی برای خود و خانواده‌اش شامل خوراک پوشاک و مسکن کافی و همچنین بهبود مداوم شرایط زندگی

به رسمیت می‌شناسد... حق سلامت و بهداشت و برخورداری از امکانات و خدمات پزشکی و درمانی از حقوقی است که مورد تأکید ویژه اسناد حقوق بشر قرار دارد. میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی حق همه انسان‌ها را در برخورداری از بهترین حال سلامت جسمی و روحی به رسمیت شناخته است. ماده ۱۲ این میثاق اعلام می‌دارد: ۱. کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را به تمتع از بهترین حال سلامت جسمی و روحی

ممکن الحصول به رسمیت می‌شناسد. همچنین طبق ماده (۷) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز محروم کردن بخشی از یک جمعیت از دارو و غذا به هدف منهدم کردن آنها را مصداق جنایت جنگی معرفی می‌کند و این عمل رژیم صهیونیستی از مصدایق جنایت جنگی محسوب می‌شود. فلذا تحریم مردم فلسطین توسط رژیم مذکور با قوانین بین‌المللی در تضاد بوده و ضدارزش‌های انسانی است.

انديشكده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق (ع) به مناسبت روز حقوق بشر اسلامی و کرامت انسانی برگزار می‌کند:

آسیب‌شناسی عملکرد دولت های اسلامی پیرامون دفاع از مقدرات



دکتر محمدحسین بنی‌شعربی
فایز دانشگاه و معاون
احیای حقوق عامه اندیشکده



دکتر مهدی غفاری
دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی و
مشاور معاون حقوقی رئیس جمهور



دکتر مسعود رازی
استاد دانشگاه
آزاد اسلامی واحد نجف، آباد

سه شنبه، ۱۷ مرداد ۱۴۰۲
ساعت ۲۰

با انطای گواهی معتبر به شرکت کنندگان

آدرس و بینار: قائم مقام اندیشکده

<https://vc.isu.ac.ir/ch/human-rights>

کانال اندیشکده در شبکه‌های اجتماعی: @hcrigh_t_isu

بررسی اهداف و تاراج جنگ اسرائیل علیه مردم غزه

از منظر و با مبانی الملل و حقوق بین الملل



دکتر سعید محمد مهدی غمّامی
عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع)
راهکارهای حقوقی پیگرد جنایات رژیم صهیونیستی



دکتر منصور براتی
کارشناس مسائل اسرائیل
از یوم کیپور تا طوفان الاقصی



دکتر حسن رازی
کارشناس مسائل غرب آسیا
جنگ رژیم صهیونیستی با غزه و چالش در سیاست خارجی کشور های اسلامی



دکتر سعید محمد مهدی غمّامی
عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع)
راهکارهای حقوقی پیگرد جنایات رژیم صهیونیستی

۱۳ الی ۱۴ آبان ساعت ۲۰:۰۰

ثبت نام از طریق تلگرام: @HQM_18

معاونت تحقیقات، آموزش و حقوق شهروندی معاونت حقوقی ریاست جمهوری با همکاری اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق و دانشگاه اصفهان برگزار میکند:

کارگاه آموزش تدوین لایحه طرح دعوی در دیوان بین المللی کیفری (ICC) ویژه دانشجویان و فعالان حقوقی

با ارائه جناب آقای دکتر احمد رضا توحیدی عضو هیات علمی گروه حقوق بین الملل دانشگاه قم

دکتر نیلوفر مقدمی خمّامی معاون زنان و خانواده اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق (ع)

زمان: شنبه ۲۷ آبان ماه از ساعت ۱۵

لینک حضور در جلسه: <https://vc.isu.ac.ir/ch/human-rights>

کاتسون آزاداندیشی و واحد برادران با حمایت معاونت فرهنگی و دانشجویی دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع) برگزار می‌کند:

میزگرد دانشجویی تشکلهای دانشجویی

بررسی شبهات حقوقی و سیاسی پیرامون حمایت راهبردی ج.ا.ا از مقاومت فلسطین

با حضور: دکتر علی ربیع زاده قائم مقام اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق (ع) مدرس دانشگاه

سه شنبه ۲۳ آبان ماه ۱۴۰۲، ساعت ۱۰ واحد برادران، سالن شهید همت

بسبب فقط مال میدان نظامی نیست: در همه میدان ها، از جمله میدان علم - علم دین و علم مادی - بسبب باید حضور داشته باشد. (مقام معظم رهبری)

به مناسبت هفته بسیج

بسبج قوه مقننه با همکاری دانشگاه ها و مراکز معتبر علمی برگزار می نماید:

سلسله نشست های علمی در حوزه قانون گذاری و نظارت

ردیف	نام برنامه	تاریخ اجرا	استاد ارائه کننده	استاد ارائه کننده	اینگ مجازی
۱	ارزانی قوانین حمایت از مردم فلسطین	۱۳-۱۴ آبان ۱۴۰۲	دکتر بهاء حسگری	آقای طبرما سلطان شاهی	دکتر علی سوسولیان
۲	نمایندگی از جمهوری اسلامی	۱۴-۱۵ آبان ۱۴۰۲	دکتر علی آقایی	دکتر فاطمه آشتاری	دکتر علی آروزی
۳	قانون گذاری عرب از منظر نظام معظم و رهبری	۱۵-۱۶ آبان ۱۴۰۲	دکتر حبیبی	دکتر حسین زینعلینی	دکتر محمدحسین بنی‌شعربی
۴	نظارت کارآمد مجلس	۱۶-۱۷ آبان ۱۴۰۲	دکتر محمدزین کریمی	آقای محسن عمروانی	دکتر علی سوسولیان
۵	صیانت مجلس از اجرای قانون اساسی	۱۷-۱۸ آبان ۱۴۰۲	دکتر ناصر باقری	دکتر سعید محمد مهدی غمّامی	دکتر علی سوسولیان
۶	مجلس فساد ستیز	۱۹-۲۰ آبان ۱۴۰۲	دکتر احمد امینلو	دکتر حمیدرضا باقری	دکتر سعید محمد مهدی غمّامی

تلفن دبیرخانه: ۳۳۱۳۲۷۰

حضور در این نشست ها بنا بر کاربندی همکاران می باشد و درج نام و نام خانوادگی و شماره ملی در نام کاربندی - برای حضور - کواهمانه آموزشی الزامی است.

برای کسب اطلاعات بیشتر و حضور در این دوره ها به کانال بسبج قوه مقننه مراجعه فرمایید.

<https://etaa.com/basijmail>

انديشكده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق علیه السلام برگزار می کند:

منطق نو در حمایت از فلسطین

با محوریت بررسی ایجاد مختلف جنایت رژیم صهیونیستی علیه مردم غزه

با حضور:



دکتر مهدی غفاری
مدرس دانشگاه امام صادق (ع)



دکتر محمدحسین بنی‌شعربی
فایز دانشگاه و معاون احیای حقوق عامه اندیشکده



دکتر مسعود رازی
استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف، آباد

شنبه ۴ آذر ماه ۱۴۰۲
ساعت ۱۸:۳۰
سالن شهید مطهری

این نشست به نحوی برگزار می شود که کمترین تداخل را با زمان هیئت میثاق داشته باشد.